



حجاب در ادیان الهی

(زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام)

حجاب در ادیان الهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجاب در ادیان الهی (زرتشت یهود، مسیحیت و اسلام)

نویسنده:

علی محمدی

ناشر چاپی:

نورگستر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حجاب در ادیان الهی (زرتشت یهود، مسیحیت و اسلام)
۷	مشخصات کتاب
۷	تاریخچه حجاب در ایران باستان
۸	تاریخچه حجاب در هند
۸	حجاب و عفاف زن ایرانی
۱۲	پوشش زن در یونان و روم باستان
۱۳	حجاب در زرتشت
۱۴	حجاب در مسیحیت
۱۵	حجاب در یهود
۱۶	حجاب در ادیان الهی
۲۱	حجاب در ادیان و اقوام گذشته
۲۴	حجاب در نگاهی نو
۳۷	پوشش زن در ادیان الاهی
۴۱	اشاره ای به حجاب در مسیحیت
۴۲	حجاب از دیدگاه دانشمندان کشورهای مختلف
۴۳	فرهنگ حجاب و عفاف از منظر ادیان الهی
۴۹	حجاب زیبا
۵۰	حجاب در دین مسیحیت
۵۱	حجاب در دین یهود
۵۱	حجاب در دین زرتشت
۵۲	حجاب زنان، گفتمان آینده تمدن‌هاست
۵۶	پوشش در عهد ایران باستان

- ۵۷ فرهنگ حجاب و عفاف از منظر ادیان الهی
- ۶۳ حجاب در مسیحیت و یهود
- ۶۴ حجاب بانوان در ادیان آسمانی
- ۶۵ پوشش زن در ادیان دیگر
- ۷۰ حجاب در دین زرتشت
- ۷۱ حجاب در دین مسیحیت
- ۷۱ پوشش در عهد ایران باستان
- ۷۲ حجاب در ملل و اقوام گذشته
- ۷۳ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حجاب در ادیان الهی (زرتشت یهود، مسیحیت و اسلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه: محمدی علی ۱۳۴۲ - عنوان و نام پدیدآور: حجاب در ادیان الهی (زرتشت یهود، مسیحیت و اسلام / علی محمدی آشنانی وضعیت ویراست: [ویرایش ۲] مشخصات نشر: قم نورگستر ۱۳۸۰. مشخصات ظاهری: ۲۶۶ ص: مصور. شابک: ۹۶۴-۹۳۲۹۷-X-۰؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ چهارم): ۹۶۴-۶۸۵۴-۱۴-۱ یادداشت: پشت جلد لاتینی شده Ali Mohammadi Ashnany. Hejab dar adyane elahy: Zartosht, Yahood, Masihyat wa Eslam = Veiling in the divine religions. یادداشت: چاپ چهارم ۱۳۸۰. یادداشت: کتابنامه ص [۲۶۲] - ۲۶۶؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: حجاب -- تاریخ موضوع: پوشاک -- جنبه‌های مذهبی رده بندی کنگره: GT۲۱۱۲/م۳ح۳ ۱۳۸۰ رده بندی دیویی: ۳۹۱/۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۵۱۵۶

تاریخچه حجاب در ایران باستان

از دایره‌المعارف لاروس نیز به دست می‌آید که حجاب در بین مادها و پارس‌ها وجود داشته است. همچنین در تفسیر اثنی‌عشری آمده است: «تاریخ نشان می‌دهد که حجاب در فرس قدیم وجود داشته است». در کیش «مازدیسنی» نام شت مه‌باد، آیه ۹۰ گوید: زن خواهید و جفت گیرید و هم خوابه دیگری را نبینید و بر او منگرید و با او میامیزید.» نصوصی که بیانگر حجاب زنان ایران باستان است، نشان می‌دهد که زنان در دوره‌های مختلفی چون دوره مادها، پارسی‌ها (هخامنشیان)، اشکانیان و ساسانیان دارای حجاب و پوشش بوده‌اند، که به چند نمونه آن اشاره می‌شود: دوره مادها در کتاب «پوشاک باستانی ایرانیان» آمده: «اصلی که باید در نظر داشت، این است که طبق نقوش برجسته و مجسمه‌های ما قبل میلاد، پوشاک زنان آن دوره (مادها) از لحاظ شکل (با کمی تفاوت) با پوشاک مردان یکسان است.» وی در ادامه برای توضیح نقوش بر جای مانده می‌نویسد: «مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند. به نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان است.» دوره پارسی‌ها (هخامنشیان) پارسی‌ها به وسیله کوروش، دولت ماد را از میان برداشته و سلسله هخامنشی را تأسیس کردند. آنها از نظر لباس همانند مادها بودند. در مورد پوشاک خاص زنان این دوره آمده است: «از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمی‌خوریم که از پهلو به اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا به میچ پا نمایان است.» دوره اشکانیان در این دوره نیز همانند گذشته، حجاب زنان ایرانی کامل بوده است. در این باره چنین می‌خوانیم: «لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین‌دار و یقه‌راست بوده است. پیراهن دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد این یکی نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه‌باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سر می‌کردند.» در جای دیگر آمده است: «چادر زنان اشکانی به رنگ‌های شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک تخته فلزی بیضی منقوش یا دکمه که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بند است. این چادر به نحوی روی سر می‌افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می‌پوشانیده است.» در کتاب «پارتیان» نیز آمده است: «زنان عهد اشکانی قبایی تا زانو بر تن می‌کردند، با شنلی که بر سر افکنده می‌شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می‌آویختند.» دوره ساسانیان در این دوره اردشیر پسر بابک با استفاده از ضعف اشکانیان، سلسله ساسانیان را بنیان نهاد و دین زرتشت را دین رسمی کشور قرار داد. اوستا را ترجمه و آتشکده‌های ویران

را بازسازی نمود. زنان در این دوره که احکام دینی زرتشتیان در کشور اعمال می‌شده است، همچنان دارای حجاب کامل بودند. در مورد پوشاک زنان چنین آمده است: «چادر که از دوره‌های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صورت مختلف مورد استعمال داشته است.» حجاب زنان در این دوره چنان اهمیتی داشت که «حتی لباس هنرپیشگان زن، مانند لباس‌های بلند سایر بانوان، تا پشت پا کشیده شده است.» برای اثبات توجه زنان در این دوره به حجاب، کافی است این نقل تاریخی را از منابع اسلامی مرور کنیم: هنگامی که سه تن از دختران کسری، پادشاه ساسانی، را با ثروت فراوانی از اموال، برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی را در برابر عمر در حالی که با پوشش و نقاب، خود را پوشانده بودند، ایستاندند، خلیفه دستور داد، با آوازی بلند بر آنان فریاد کشند که: پوشش از چهره برگیرید تا مسلمانان آنها را ببینند و خریداران پول بیشتری به پای آنها بریزند. دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند و مشت بر سینه نماینده عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند. خلیفه خشمناک شد و خواست با تازیانه آنان را بیازارد، در حالیکه شاهزادگان ایرانی می‌گریستند. حضرت علی (علیه‌السلام) به عمر فرمودند: در رفتار مدارا کن؛ از پیغمبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شنیدم که می‌فرمود: «بزرگ و شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده، گرامی بدارید». عمر پس از شنیدن فرمایش حضرت علی (علیه‌السلام) آتش خشمش فرو نشست. سپس حضرت اضافه کرد: «با دختران ملوک نباید معامله دختران بازاری (کنیزان) کرد.»

تاریخچه حجاب در هند

در هند حجاب سخت و شدیدی حکمفرما بوده است ولی درست روشن نیست که قبل از نفوذ اسلام در هند وجود داشته است و یا بعدها پس از نفوذ اسلام در هند رواج یافته است و هندوان غیر مسلمان تحت تأثیر مسلمانان و مخصوصاً مسلمانان ایرانی حجاب زن را پذیرفته‌اند. آنچه مسلم است اینست که حجاب هندی نیز نظیر حجاب ایران باستان سخت و شدید بوده است. از گفتار ویل دورانت در جلد دوم تاریخ تمدن بر می‌آید که حجاب هندی به وسیله ایرانیان مسلمان در هند رواج یافته است. نهرو می‌گوید: " متأسفانه این رسم ناپسند کم‌کم یکی از خصوصیات جامعه اسلامی شد و هند نیز وقتی مسلمانان بدینجا آمدند آنرا آموخت. " به عقیده نهرو حجاب هند به واسطه مسلمانان به هند آمده است. ولی اگر تمایل به ریاضت و ترک لذت را یکی از علل پدید آمدن حجاب بدانیم باید قبول کنیم که هند از قدیمترین ایام حجاب را پذیرفته است. زیرا هند از مراکز قدیم ریاضت و پلید شمردن لذات مادی بوده است. راسل در " زناشویی و اخلاق " صفحه ۱۳۵ می‌گوید: " اخلاق جنسی آنچنان که در جوامع متمدن دیده می‌شود از دو منبع سرچشمه می‌گیرد: یکی تمایل به اطمینان‌پذیری، و دیگری اعتقاد مرتاضانه به خبیث بودن عشق. اخلاق جنسی در اعصار ماقبل مسیحیت و در ممالک خاور دور تا به امروز فقط از منبع اول منشعب می‌شود، و استثنای آن هند و ایران است که ظاهراً ریاضت طلبی در آنجا پدید آمده و در سراسر جهان پراکنده شده است " منبع: مسئله حجاب: استاد شهید مطهری

حجاب و عفاف زن ایرانی

(به روایت سفرنامه نویسان فرنگی) زن ایرانی از گذشته‌های دور، حجاب و عفاف خود را به‌طور کامل رعایت می‌کرده است و حتی از سایر کشورهای مشرق‌زمین نیز بیشتر اهتمام می‌ورزیده است. این مسئله، نه تنها در کتاب‌ها، نقاشی‌ها، و عکس‌های گذشته ایرانیان آمده است، بلکه جهانگردان و سایر افراد فرنگی نیز آن را با دقت و جزئیات فراوانی در سفرنامه‌های خود بیان کرده‌اند که البته آنچنان که از نوشته‌هایشان برمی‌آید - و گاهی آن را به صراحت بیان کرده‌اند - این است که آنان از این وضعیت، ناراضی بوده‌اند و از این که نمی‌توانستند همان برخوردی را که با زنان غربی داشته‌اند با زنان ایرانی نیز داشته باشند، متأسف بوده‌اند و گاهی برای ارضای کنجاوی شیطنت‌آمیز خود به ترفندهایی نیز دست زده‌اند. نکته دیگری نیز که می‌توان از برخی نوشته‌های آنان

دریافت کرد این است که اولین گام‌هایی که در ایران، در جهت بی‌حجابی برداشته شده است، توسط درباریان و خانواده‌های آنان بوده است، که یکی از علل اصلی آن هم به سبب مسافرت درباریان به فرنگ و معاشرت با فرنگیان بوده است؛ اما همچنان که می‌بینیم، زن مسلمان ایرانی با تمام تلاشی که در راستای کشف حجاب و تبلیغات منفی‌ای که درباره حجاب صورت گرفته است، هنوز هم شأن و منزلت خود را حفظ کرده است. «اولثاریوس» که در زمان شاه صفی صفوی از ایران دیدار کرده است، درباره حجاب و عفاف زنان ایرانی در خاطراتش آورده است: زنان، موقعی که از خانه خارج می‌شوند، چهره خود را نشان مردان نمی‌دهند. بلکه چادر سفیدی روی سر می‌اندازند که تمام بدن آنها را تا میچ پا می‌پوشاند و فقط در جلوی صورت، شکاف کوچکی دارد که از آن شکاف، به زحمت جلوی خود را می‌توانند ببینند. و چه بسا چهره‌های زیبایی که با لباس‌های محقرانه و چهره‌های زشتی که با لباس‌های مجلل و فریبنده، زیر این چادرها مخفی‌اند و انسان نمی‌تواند بفهمد در پس این چادر، چه قیافه‌ای نهفته است. سفرنامه آدام اولثاریوس، ص ۶۴۴ «تاورنیه» در سفرنامه‌اش می‌نویسد: زنان، خود را در ایران به احدی غیر از شوهر خود نشان نمی‌دهند. وقتی به حمام عمومی می‌روند، در چادری سرتاپای خود را مستور می‌نمایند که فقط در محاذات چشم، دو سوراخ دارد که پیش پای خود را بتوانند ببینند. و این کار (یعنی به حمام عمومی رفتن)، مخصوص فقرا و طبقه سوم است که استطاعت داشتن حمام مخصوص در خانه را نداشته باشند... .. همین که دختری شوهر کرد، معاشرین او منحصر به زن‌ها یا خواجه‌سرایان می‌شود و زن معقول و نجیب و محترم، کسی است که بیشتر مستوره و محفوظ باشد. سفرنامه اولیویه، ص ۸۵ «دروویل» درباره نوع پوشش زنان در زمان فتحعلی‌شاه قاجار می‌نویسد: زنان ایرانی در زیر چادر، مهارت عجیبی برای شناساندن خود و شناختن همدیگر دارند. شگفت آن که وقتی از کنار هم می‌گذرند، یقین دارند که در شناختن طرف اشتباه نکرده‌اند؛ اما چه بسا مردانی که از کنار زنان خویش می‌گذرند، بی‌آن که آنها را بشناسند. سفرنامه دروویل، ص ۸۱ «اوژن فلاندن» که در زمان محمدشاه قاجار به ایران سفر کرده است، در این باره آورده: زنان ایرانی از منزل، کم خرج می‌شوند. در کوچه‌ها هم با چادری که سرتاپایشان را مستور می‌کند، می‌آیند و غیر ممکن است کسی صورت آنها را ببیند. به روی سر، پارچه سفیدی می‌اندازند که در مقابل چشمان، چندین شبکه دارد و با آن است که جلوی خود را می‌بینند. و غیر ممکن است بگذارند چشم نامحرمی به صورتشان افتد. ساق پا را در شلواری گشاد، یا چاقچور می‌نمایند، کفششان یک نوع پاپوش زرد یا سبزی است که نوکش برگشته و پاشنه‌اش باریک است. گاهی در کوچه که مردی نگذرد، روبند را به جهت استنشاق هوا پس می‌اندازند؛ اما همین که مردی، حتی شوهرشان ظاهر شود، دوباره روبند را به روی صورت می‌اندازند. یک روز که از کنار زیمی گذشتم و نتوانست به فوریت، روبندش را بزند، شنیدم از این گناهی که مرتکب شده، خودش را سرزنش می‌کند. عموم چادرها یک رنگ و به سیاق اروپایی‌ها یک جور می‌آید. کم می‌توان امتیازی بیشان قائل شد؛ اما خود ایرانیان اظهار می‌دارند برای ما خیلی آسان است که زنان خود را بشناسیم. سفرنامه اوژن فلاندن، ص ۶۷ و ۶۸ دکتر «ویلز» می‌نویسد: نانجیبی و بی‌شرمی و بی‌اعتنایی به عفت و وقار، از نظر زنان ایرانی، عملی مذموم و رفتاری ناشایسته است... تا آن جا که در راه رفتن، صحبت و نگاه هم ملاحظه عفت و نجابت خودش را دارد و هرگز حاضر به تنزل کردن از مقام قابل احترام خود نمی‌گردد. سفرنامه دکتر ویلز، ص ۳۶۷ و ۳۶۸ «یوشیدا ماساهارو» سفیر ژاپن در دربار ناصرالدین شاه، در این باره می‌نویسد: زن‌ها چادری به سر می‌کردند که از سر تا به پایشان را می‌پوشاند و فقط چشم‌ها از پشت روبند توری‌ای که زیر چادر به صورت انداخته بودند، پنجره‌ای به بیرون داشت... در خیابان که به زن‌های ایرانی می‌رسیدیم، آنها چشم از ما برمی‌گرداندند و رویشان را سخت می‌گرفتند. در چند ماهی که ما این جا بودیم، هرگز زنی رویش را به ما ننمود و نتوانستیم صورت زن‌ها را بی‌حجاب و چادر ببینیم. در این وضع، زشت یا زیبا و جوان یا پیر بودن زن‌ها را از روی رنگ و حالت دست‌هایشان که شاداب یا چروکیده است، قیاس و ارزیابی می‌کردیم. سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ص ۱۷۶ «کنت دوگو بینو» نیز در این باره مشاهدات خود را چنین بیان می‌کند: (همه زن‌ها در بیرون خانه) به‌طور یکسان خودشان را در چادرهای وال، چیت و به

ندرت، ابریشمی به رنگ آبی تیره پیچیده‌اند که سر تا پیشان را می‌پوشاند. صورتشان را با قطعه‌ای پارچه سفید که زیر چادر پشت سرشان بسته می‌شود و از جلو تا روی زمین می‌افتد، محکم پوشانده‌اند که دیدن، و حتی حدس زدن چهره‌هایشان را غیرممکن می‌سازد. قسمت جلوی این پارچه، محاذی چشمانشان به طور مشبک، قلابدوزی شده تا بتوانند از ماورای این روبنده، بیرون را ببینند و نفس بکشند؛ زیر این حجاب آبی تیره - که چادر نامیده می‌شود و مخصوصاً برای پوشاندن سر تا قوزک پای زنان ساخته شده است - یک شلوار گشاد که وظیفه دامن را انجام می‌دهد، می‌پوشند و آن هم فقط در موقع خارج شدن از خانه. زنان که بدین سان، پوشیده و محفوظ شده‌اند، سرپایی‌های کوچک و پاشنه‌دار به پا می‌کنند و برای حفظ تعادل، آنها را به نحوی روی زمین می‌کشند که به کلی، عاری از ظرافت می‌باشد. سفرنامه کنت دو گوینو، ص ۴۰۴ «پولاک» هم در سفرنامه‌اش درباره حجاب زن ایرانی چنین می‌نویسد: ... هرگاه زنی به کوچه برود یا سوار بر اسب در معیت نوکرها از شارع (= خیابان) عبور کند، چادری به رنگ آبی نیلی بر سر می‌کند و آن، پوششی است که تمام بدن، از سر تا به پا در آن پیچیده می‌شود. در مقابل چهره، پارچه‌ای باریک و بلند به نام روبند آویخته است که در مقابل قسمتی که چشم قرار گرفته، قطعه‌ای بیضی شکل و پنجره پنجره برای دیدن، تعبیه شده است. این نقاب، بخصوص در تابستان گرم، سخت مایه ناراحتی است. به همین دلیل، خانم‌ها گاه‌گاه ناچار می‌شوند آن را بردارند. نزاکت و ادب، ایجاب می‌کند که به هنگام ملاقات با خانمی، چشم را پایین بیندازند... زن فقط حق دارد در برابر شوهر و چندتن از نزدیک‌ترین خویشاوندانش که به او محرم‌اند، بدون حجاب ظاهر شود. هرگاه در کوچه، بر اثر تصادف، حجاب زنی از صورتش بیفتد، رسم چنین است که مردی که با او روبه‌رو است، روی بگرداند تا آن زن دوباره حجاب خود را مرتب کند. حتی زن پیر گدای کوچه و بازار نیز بدون نقاب دیده نمی‌شود. زن‌های اروپایی که بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر بشوند، خود، موجب تحریک حس کنجکاوی عمومی می‌شوند و حتی مردم بر آنها دل می‌سوزانند. سفرنامه پولاک، ص ۱۱۵ - ۱۱۷ «کلود انه» که در زمان مظفرالدین شاه قاجار، در ایران به سر می‌برده است می‌نویسد: به طور طبیعی و بنابر عادت یک مرد اروپایی، من زنان را با کنجکاوی و در عین حال توجه بیشتری نگاه می‌کردم. البته فقط نگاه می‌کردم، بی آن که چیزی ببینم! به نظر من، زنان ایرانی، بیش از تمام کشورهای مشرق زمین، مقتید به حجاب‌اند و با دقت و وسواس، قد و بالا و چهره خود را می‌پوشانند. وقتی از منزل خارج می‌شوند، سرتاپای خود را در چادر سیاه بزرگی که از پارچه‌ای بالنسبه لطیف، اما بی هیچ زیبایی و ظرافتی درست شده است، می‌پیچند. این چادر، در قسمت بالا، یعنی در محلی که معمولاً صورت قرار دارد، از هم باز می‌شود. اما زن ایرانی، دوست ندارد حتی چشمان خود را به کسی نشان دهد و به همین جهت نیز در جلوی چهره خویش، دستمال بلند سفیدی که بالای آن مشبک است، می‌آویزد... بدین گونه است که شما در کوچه و بازار، زنان معدودی را مشاهده می‌کنید، درحالی که خود را در چادر سیاه پیچیده‌اند و روبندی سفید بر چهره آویخته‌اند، به راه خود می‌روند. این زنان، زشت‌اند یا زیبا و پیرند یا جوان، معلوم نیست. این معمای پیچیده در پرده در برخورد اول، نوعی خشم آمیخته با کنجاوی، در مردان اروپایی به وجود می‌آورد. ... برخلاف آنچه ظاهر پوشیده در حجاب زنان ایرانی نشان می‌دهد، چنین به نظر می‌رسد که همین زنان در زندگی خود از آزادی زیادی برخوردارند. بیشتر آنها هر وقت دلشان بخواهد و بی آن که کسی همراهشان باشد، از خانه خارج می‌شوند. گل‌های سرخ اصفهان، ص ۱۶۲ - ۱۶۴ «کلود انه» اوضاع زنان را در زمان احمدشاه قاجار، این گونه ترسیم می‌کند: زنان جامعه ایران را نه در روز می‌شود دید و نه در شب. وقتی هم که از خانه بیرون می‌آیند، در کالسکه و درشکه‌های سربسته و همراه با خواجه‌ها هستند و در خانه نیز فقط شوهر و پدر و برادرشان را ملاقات می‌کنند، همین و بس! اوراق ایرانی، ص ۲۲ «بلوشر» درباره حجاب زنان در آغاز حکومت رضاشاه و پیش از آن که وی دستور کشف حجاب را بدهد، می‌نویسد: هم‌نشینی و معاشرت با ایرانی‌ها این نقیصه را داشت که زنان خان‌نشین بودند. زنان، هنوز چادرهای خود را بر سر داشتند... چادر پوششی است اغلب به رنگ سیاه که سراسر بدن و سرانجام، قسمت اعظم صورت را نیز از نگاه مردان، پوشیده می‌دارد. ... تنها و تنها یک زن بود که جرئت می‌کرد در ضیافت‌های شام

سفارت‌خانه‌ها بدون چادر حاضر شود و آن هم فقط مشروط به این که منحصرأ اروپایی‌ها شرکت داشته باشند. و از ایرانیان دعوتی به عمل نیاید. این زن، خانم ناصرالملوک (بیوه نایب السلطنه پیشین کشور) بود. ... بسیاری از زنان آلمانی نیز که شوهر ایرانی داشتند، در خیلی از موارد نمی‌توانستند از چادر چشم‌پوشند. خانم‌ها منحصرأ با یکدیگر نشست و برخاست داشتند و در این مهمانی‌های کاملاً زنانه، گاه و بیگاه، همسران دیپلمات‌ها را نیز دعوت می‌کردند. بدین طریق بود که همسر من برای عروسی به خانه رئیس الوزرای پیشین (وثوق الدوله) رفت که در آن مراسم از مردان، فقط داماد و ملای جاری کننده صیغه عقد، حضور داشتند و بس. داماد و عروس که پیش از آن یکدیگر را ندیده بودند، مقابل پرده‌ای که مرد روحانی را از آنان جدا می‌کرد، نشسته بودند؛ اما آئینه کوچکی چنان در آن جا تعبیه شده بود که این دو اقبالاً ضمن اجرای مراسم بتوانند برای اولین بار، در زندگی، گوشه چشمی به یکدیگر بیندازند... هنگامی که همسر من بعد از آن به سهم خود، خانم وثوق الدوله را به نزد خود دعوت کرد، ناگزیر بود اطمینان بدهد که در به روی من بسته است و من نخواهم توانست جلسه مهمانی را زیر نظر داشته باشم. سفرنامه بلوشر، ص ۲۰۷ «هنری موزر» که در دروه ناصرالدین شاه قاجار از ایران دیدن کرده بود، درباره حجاب زنان می‌نویسد: یحتمل، مطالعه کنندگان این سیاحت‌نامه، مرا مذمت می‌نمایند که در روایات خود از زن‌های ایران چندان نوشته‌ام. این فقره، صحت دارد؛ ولی از چیزی که شخص ندیده و نمی‌داند، چگونه صحبت نماید؟ در ترکستان و ایران، زن‌ها به قدری مخفی هستند که ممکن نیست آنها را دید و دسترسی به آنها نمی‌توان داشت و حتی از آنها هرگز صحبت نمی‌شود. از شخص بخارایی می‌توان پرسید که حالت پسر و اسب و خروسک تو چگونه است؛ ولی نباید هرگز به صرافت افتاد که از زوجه او احوالپرسی کرد. این فقره، هم با ادب منافات دارد و هم برخلاف مذهب است. وضع زن در صفحات مشرق زمین، به کلی مختلف است از وضع زن‌های مغرب زمین. در ایران، (زن‌ها) سواره یا در کالسکه در کوچه می‌روند و خواجه‌ها در اطراف آنها هستند و اقتضای ادب این است که به محض ملاقات آنها سر خود را برگردانند. با این حالت که همیشه وضع آنها به این طور است، چگونه می‌توان از احوال آنها شرح داد و چیزی گفت که شخص ملتفت نیست؟ بدین سان «هنری موزر» از این که نتوانسته سیمای یک زن ایرانی را ببیند، سخت متأسف است. لیک در همین رابطه، حکایتی از یک مهندس فرانسوی به نام «بارون دو» - که سال‌ها در ایران مقیم بوده - ذکر می‌کند. وی می‌نویسد: وقتی که این مهندس (= بارون دو) جوان بود، راهی برای دولت ایران، احداث می‌نمود. چون راه، قطع شده بود، مسافری که می‌خواستند به زیارتگاه بروند، مجبور بودند که راه را دور زده و به این واسطه، مسافت کلی طی کنند. چینی که او مواظب عملجات بود، یک نفر غلام، او را دعوت نمود که نزدیک کالسکه‌ای که اشخاص کثیر همراه (آن) بودند، بیاید. در کالسکه یک نفر زن ایرانی بود که به تسلط، حکم نمود که باید از این معبر بگذرد. و از حکم او معلوم بود که از زن‌های اندرون پادشاه است. بارون مزبور به کمال ادب جواب داد که: «هیچ کس را نمی‌توانم در باب عبور از این جا استننا نمایم». آن زن که روبند انداخته بود، به او گفت: «پیش بیا، من دختر پادشاه ایران (= ناصرالدین شاه) هستم. تو هیچ وقت شاهزاده خانم ایرانی ندیده‌ای». و روبند خود را بلند کرده و گفت: «اگر تو واقعاً فرانسوی هستی، من خواهم عبور نمود». بعد روبند خود را پایین انداخت. بارون مزبور به قدر یک لحظه، مفتون شده و به عملجات حکم نمود که کالسکه را در وقت عبور از محل خطرناک، نگاه دارند و خود او در درب کالسکه، همراه می‌رفت. اجر بارون مزبور در ازای این زحمت، تعارفی بود که آن شاهزاده خانم به طور لطف با دست خود نمود، و بارون، هیچ وقت این تفضیل را در مدت زندگی خود فراموش نخواهد کرد. سفرنامه ترکستان و ایران، ص ۲۶۵ و ۲۶۷ «پیر لوتی» که در زمان مظفرالدین شاه قاجار به شیراز رفته و سخت از مشاهده زنان کاملاً پوشیده و با حجاب، ناراضی بود، همواره آرزوی آن را داشت که روزی یک زن ایرانی بدون چادر را ببیند. از این رو، روزی با دیدن مقداری لباس شسته بر روی بند یک پشت بام منزل، با خود اندیشید که حتماً تا شب نشده، خانم خانه برای برداشتن آنها به پشت بام می‌آید و بدین سان او موفق به دیدنش می‌گردد. پیر لوتی در ادامه می‌نویسد: (تا این که) خادم من با شتاب و با حال مخصوص، وارد اتاق شده، گفت: «خانم روی پشت بام است و آمده است

جوراب‌های سبز خود را ببرد». من با عجله دنبال او می‌روم. سرانجام خانم، آن‌جاست و از پشت سر خیلی جاذب و فریبنده است. خود را در لباس چیت و موهایش را با پارچه ابریشمی، مستور داشته است. سرانجام سر خود را برمی‌گرداند و گویا با چشمان حیل‌گر خود به ما چنین می‌گوید: همسایه‌ها بیخود زحمت نکشید. این خانم پیرزنی است هفتاد ساله. دندان‌هایش همه ریخته و کلفت پیر خانه است. واقعاً ما چه اندازه ساده‌لوحیم که تصوّر می‌کنیم خانم زیبایی روی پشت‌بام می‌آید تا در معرض خطر دیده شدن قرار گیرد! به‌سوی اصفهان، ص ۸۳ «پیر لوتی» در آرزوی نابه‌جای دیدن زنان ایرانی بدون چادر، در اصفهان، در زمان پادشاهی مظفرالدین شاه قاجار، سرانجام به حلیه متوسل می‌شود. خودش شرح ماجرا را چنین می‌نویسد: شخص کفش فروشی (در اصفهان) به من قول داده است که در مقابل گرفتن مبلغی پول، مرا از دیوار بالا برد و سه نفر از زن‌های اصفهان را به من نشان دهد. از این‌رو، با هم از روی قطعه‌های دیواری بالا- می‌رویم تا در باغی که امروز، زن‌ها مشغول چیدن گل هستند، از سوراخی نگاه کرده، آنها را ببینیم. سه نفر در آن باغ هستند و قیچی‌های بزرگی در دست دارند و با آنها گل‌ها را چیده، در سبدها جای می‌دهند و ناچار، این گل‌ها را برای تهیه عطر و گلاب می‌خواهند... این سه نفر زن، رنگشان پریده و کمی چاق‌تر از معمول‌اند؛ ولی با این وصف، خالی از زیبایی نیستند و از چشمانشان سادگی قدیمی هویداست. چارقه‌های زرد و پولک‌دار، گیسوان آنها را پوشانده، لباس دراز برتن دارند... تمام این لباس‌ها در ظاهر به نظر می‌رسد از ابریشم، بافته شده باشند و گلدوزی و قلابدوزی آنها مانند زمان شاه عباس است. راهنمای من اطمینان می‌دهد که این خانم‌ها از طبقات برجسته‌اند. به‌سوی اصفهان، ص ۱۹۴ و ۱۹۵ منبع کتاب زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، نوشته میترا مهرآبادی.

پوشش زن در یونان و روم باستان

دایره‌المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می‌گوید: زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و اِمِرجوس و دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی قرمز بودند. سخن درباره حجاب، در لابلای کلمات قدیمی‌ترین موءلفین یونانی نیز به چشم می‌خورد؛ حتی «بنیلوب» (همسر پادشاه «عولیس» فرمانروای ایتاک) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «ثیب» دارای حجاب خاصی بوده‌اند، بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می‌پوشاندند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. در «اسپارته» دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند، ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می‌پوشاندند. نقش‌هایی که بر جای مانده، حکایت می‌کند که زنان سر را می‌پوشانده، ولی صورت‌هایشان باز بوده است، و وقتی به بازار می‌رفتند، بر آنان واجب بوده است که صورت‌هایشان را بپوشانند؛ خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سیبری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد (و فارس و عرب) نیز وجود داشته است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده‌اند، به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد. یکی از تاریخ نویسان غربی نیز شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است. او درباره «الهه عفت» که یکی از خدایان یونان باستان است، می‌گوید: «آرتمیس»، الهه عفت است و عالی‌ترین نمونه (و الگو برای) دختران جوان به شمار می‌آید. دارای بدنی نیرومند و ورزیده و چابک و به زیور عفت و تقوا آراسته است.» (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۵۲۰) همچنین درباره مردم یکی از قبائلی که نهصد سال قبل از میلاد زندگی می‌کرده‌اند، آمده است: «بالا‌تر از ارمینان و در کنار دریای سیاه، «سگاها» بیابانگردی می‌کردند. آنها مردم وحشی و درشت اندام قبائل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارابه به سر می‌بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می‌داشتند.» این مورخ در جای دیگر می‌گوید: «زنان فقط در صورتی می‌توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند. همچنین از

قول یکی از فلاسفه یونان باستان، درباره شدت پوشش زن، نقل می‌کند: نام یک زن پاک‌دامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت.

حجاب در زرتشت

در جلد اول "تاریخ تمدن" صفحه ۵۵۲ راجع به ایرانیان قدیم می‌گوید: "در زمان زردشت زنان منزلتی عالی داشتند، با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم آمد و شد می‌کردند" نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند، آریایی‌ها بودند. آنان به دو گروه عمده «مادها» و «پارس‌ها» تقسیم می‌شدند. با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس‌ها توانستند دولت ماد را از بین ببرند و سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیانگذاری کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا میچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند. (۴) این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. منبع: کتاب پوشاک زنان ایران، جلیل ضیاءپور در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند. برابر متون تاریخی، در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر ایچ‌بوده است و زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند، ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایارشا به ملکه «وشی دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع نمود و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به خاطر این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران را از دست داد. در زمان ساسانیان - که پس از نبوت زرتشت است - افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته ویل دورانت پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرات نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است. تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشم‌گیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند. از آن‌جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت ایران بوده است و آن حضرت در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است، با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید تا با پندهای، خود ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد. گفتنی است که در دین زرتشت، لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است؛ بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش - یعنی چادر یا شنلی بر روی آن - بوده است، مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند که استفاده از سدره و کشتی - لباس مذهبی ویژه زرتشتیان - توصیه شده است. («سدره از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن، چسبیده به بدن پوشیده شود. سدره که در اوستا (ستره) نامیده شده، به معنای آن نیز هست. علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده‌اند. «کشتی، کمر بند باریکی است که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر بندند) البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند. بنا به گفته مؤبد «رستم شهرزادی پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد. در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است: «نامی زت واجیم، همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزدا. فصل آفرینگان دهمان) یعنی همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن گاه به درگاه دادار اهورمزدا نماز می‌کنیم. بر اساس

آموزه‌های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند. در اندرز «آذربادماراسپند» مؤید موبدان آمده است: «مرد بدچشم را به معاونت خود قبول مکن». پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است. به این نمونه بنگرید: پس از فتح ایران، هنگامی که سه تن از دختران کسری، شاهنشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی همچنان با نقاب، چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد تا پوشش از چهره بر گیرند تا خریداران پس از نگاه، پول بیشتری مبذول دارند. دوشیزگان ایرانی خودداری کردند و به سینه مامور اجرای حکم عمر مشت زده، آنان را از خود دور ساختند. عمر بسیار خشمناک شد و ولی امام علی (ع) او را به مدارا و تکریم آنان توصیه فرمود. منبع: سایت www.hawzah.net علی محمد آشنانی

حجاب در مسیحیت

مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخت زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شد و طبق نوشته ویل دورانت، در سن بیست‌سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد، مقدس شمرده می‌شد. بنابر این مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزئین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان - حتی برای خاتون‌های اشراف - ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت آن را تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس و یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می‌جستند. انجیل در موارد فراوان، بر وجوب حجاب و پوشش تاکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است و در انجیل می‌خوانیم: همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خرداندیش و عقیفه و خانه‌نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود. در «کتاب مقدس در مورد لزوم آراستگی به حیا و کنار نهادن آرایش ظاهری چنین آمده است: همچنین زنان، خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود؛ بلکه در سکوت بماند. همچنین ای زنان،... و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گران‌بهاست زیرا بدین گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت می‌نمودند. افزون بر موارد پیشین، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی، لزوم سکوت به ویژه در کلیسا، با وقار و امین بودن زن و نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان را خاطر نشان ساخته، می‌گوید: کسی که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است پس اگر چشم راست، تو را بلغزند، قلعش کن و از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آن که تمام بدنت در جهنم افکنده شود. دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی که بر اساس آن پوشاندن صورت الزامی و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ نمودن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری رانشان می‌دهد. دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می‌کند: «زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، آلبا آن که در خانه خود باشد؛ زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع

گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است». در مورد سیره عملی زنان مسیحی، دائرة المعارف لاروس می‌گوید: دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد؛ وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می‌رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود. ویل دورانت نیز در مورد سیره عملی زنان مسیحی چنین می‌نویسد: ساق پای زنان چیزی نبود که در ملاعام و یا رایگان به چشم خورد. . . . البسه بانوان در مجالس تورنه، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، درازی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از مشمش ظریف و حریر زربفت ساختند. . . . تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد. تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و مردم اروپا انتشار یافته است، به وضوح نشان می‌دهد که حجاب در بین زنان، کاملاً رعایت می‌شده است. «براون و اشنایدر»، در کتاب «پوشاک اقوام مختلف»، برخی از تصاویر مربوط به زنان مسیحی را آورده‌اند که نشان می‌دهد همگی آنها دارای لباسی بلند و پوشش سر می‌باشند. منبع: سایت www.hawzah.net علی محمد آشنانی

حجاب در یهود

همه مورخان، از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته‌اند. ویل دورانت می‌گوید: گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود. . . . دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می‌شمردند. با این همه، تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت. زندگی جنسی آنان، علی‌رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزّه از خطایا بود. زنان آنان، دوشیزگانی محبوب، همسرانی کوشا، مادرانی پرزا و امین بودند و از آن‌جا که زود وصلت می‌کردند، فحشا به حداقل تخفیف پیدا می‌کرد. بدون تردید مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تاکید می‌نمود. کاربرد واژه «چادر» و «برقع» که به معنای روپوش صورت است، در آن آیات، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می‌دهد. تورات تشبه مرد و زن به یکدیگر را نهی نموده، می‌گوید: متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این را کند، مکروه «یهوه خدای تو ست». (تورات، سفر تثیبه، باب ۲۲، فقره ۵) بی‌حجابی سبب نزول عذاب معرفی شده است. خداوند می‌گوید: از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پای‌های خویش خلخال‌ها را به صدا می‌آورند، بنابراین خداوند فرق سر دختران صهیون را کل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود* و در آن روز، خداوند زینت خلخال‌ها و پیشانی‌بندها و هلال‌ها را دور خواهد کرد. و گوشوارها و دستبندها و روبندها را و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان‌ها و تعویذها را و انگشترها و حلقه‌های بینی را و زخوت نفیسه و رداها و شال‌ها و کیسه‌ها را و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و برقع‌ها را واقع می‌شود که به عوض عطریات، فونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موی‌های بافته، کلی و به عوض سینه‌بند، زنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود؛ مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد و دروازه‌های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست. (تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب سوم، فقره ۱۶ - ۲۶) افزون بر موارد فوق، در کتاب مقدس، وجوب پوشاندن موی سر، لزوم پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه، نهی از لمس و تماس و واژه چادر، نقاب و برقع آمده است. در «تلمود» اصلی‌ترین کتاب فقهی که به گفته ویل دورانت، اساس تعلیم و تربیت یهود است، نیز بر لزوم پوشاندن سر از نامحرم، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای سایر مردها، پرهیز از نگاه

زن به مردان بیگانه، اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم و لزوم پرهیز از هر امر تحریک آمیز، تاکید شده است. برابر حکم سخت گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ کتوبا (مهریه) طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی‌گیرد؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند و فی‌المثل بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک سری به گفت‌وگو می‌پردازد. زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید. برخوردار حضرت موسی (ع) با دختران شعیب که به آنان فرمود تا پشت سر او حرکت کرده، از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند، و نیز سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، بیانگر کیفیت شدید و سخت گیرانه حجاب نزد یهودیان است. منبع: سایت www.hawzah.net علی محمد آشنانی

حجاب در ادیان الهی

فطری بودن پوشش حجاب و پوشش در تمام ادیان و مذاهب، دارای جایگاه خاصی است، و یکی از دلایل اساسی آن این است که حجاب و عفاف، یک امر فطری است. داستان حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش را اثبات می‌کند. در تورات (کتاب مقدس یهودیان که برای مسیحیان نیز مقدس است)، می‌خوانیم: «و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر، خوش نما و درختی دلپذیر و دانش افزا، پس، از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد* آن گاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریان اند؛ پس برگ های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند...». بعد ادامه می‌دهد: «و آدم، زن خود را حوا نام نهاد؛ زیرا که او مادر جمیع زندگان است * و خداوند خدا رخت ها برای آدم و زنتش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید». (۱) بر طبق این متن، آدم و حوا لباسی نداشتند و بعد از خوردن شجره ممنوعه چشمانشان باز شد و فهمیدند که عریان اند که بلافاصله با برگ درختان خود را پوشانند و بعداً خداوند لباسی از پوست بدیشان ارزانی داشت. در قرآن کریم در مورد داستان حضرت آدم و حوا چنین آمده است: *فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِمَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ رَقِّ الْجَنَّةِ؛* (۲) آن گاه که آدم و حوا از درخت ممنوعه چشیدند، پوشش خود را از دست داده (عورتشان آشکار گردید). و به سرعت، با برگ درختان بهشتی خود را پوشانند. طبق آیات شریفه قرآن کریم، حضرت آدم و حوا قبل از چشیدن درخت ممنوعه دارای لباس بوده اند؛ امّا با خوردن از آن درخت ممنوعه (بر اثر اغوای شیطان) لباس خود را از دست دادند که بلافاصله به پوشاندن خود اقدام نمودند. به هر حال، مطابق هر دو نقل، پس از احساس برهنگی (خواه طبق نقل تورات قبل از آن دارای لباس نبوده و یا طبق قرآن کریم دارای لباس بوده اند) بلافاصله خود را با برگ های درختان بهشتی پوشانند. این احساس شرم از برهنگی، حتی بدون حضور ناظر بیگانه، و سرعت در پوشاندن خود به وسیله برگ ها (ولو به طور موقت)، از آن جهت که تحت هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند یا فرشته وحی و یا تذکر هر یک به دیگری صورت گرفته است، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است و ثابت می‌کند که لباس و پوشش، به تدریج و بر اثر تمدن ها ایجاد نشده است؛ بلکه انسان های نخستین، یا به تعبیر بهتر، نخستین انسان ها، به طور فطری بدان گرایش داشته اند. و بنا به گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان، معمول بوده است. هر چند حجاب در طور تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ گاه به طور کامل از بین نرفته است. اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم، به خوبی حجاب و پوشش زن را در آن می‌بینیم. دقت در لباس ملی کشورها ما را از ورق زدن کتب تاریخی برای یافتن ملل و اقوامی

که زنان آنها دارای حجاب بوده اند، بی نیاز می سازد و به خوبی اثبات می کند که حجاب در میان اکثر ملت های جهان، معمول بوده و اختصاص به مذهب یا ملت خاصی نداشته است. تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش زن را واجب و لازم شمرده اند و جامعه بشری را به سوی آن دعوت کرده اند؛ زیرا لزوم پوشش و حجاب به طور طبیعی در فطرت زنان به ودیعت نهاده شده است و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریح شده است؛ پس در همه ادیان الهی پوشش و حجاب زن واجب گشته است. در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، حجاب زنان امری لازم بوده است. کتاب های مقدس مذهبی، دستورها و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان الهی، بهترین شاهد و گواه اثبات این مدعاست. حجاب در شریعت زرتشت «آشو زرتشت» با توصیه ها و اندرزهای خود، کوشیده است تا پایه های حجابی را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملی در ظاهر عرف خود رعایت می کنند، در عمق روح آنان متحکم نماید و از این راه، ضمانت اجرای قانون حجاب را در آینده نیز تأمین نماید و بدین سان، جامعه خویش را در مقابل امکان انحراف های اخلاقی پنهان، بیمه کند. قسمتی از پند و اندرزهایی که «آشو زرتشت» به پیروان خود توصیه نموده را نقل می کنیم، تا این اقدام مهم «آشو زرتشت» بهتر نمایان گردد و حرکت او در جهت تعالی و آموزش ریشه های «حفظ حجاب» و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطن، روشن تر شود. او می فرماید: * ای نوعروسان و دامادان! روی سخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت، در پی زندگانی پاک منشی برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی، بر دیگری پیشدستی جوید تا آن زندگانی مقدس زناشویی، با خوشی و خرمی همراه باشد. * ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ گاه گرد دروغ و خوشی های زودگذری که تباہ کننده زندگی اند، نگردید؛ زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده ای است که با شیرینی در آمیخته و همانند خودش دوزخی است. با این گونه کارها زندگانی گیتی خود را تباہ مسازید. * پاداش رهروان نیک، به کسی می رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد. کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس، چیز دیگری نخواهد بود. * فریب خوردگانی که دست به کردار زشت می زنند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش و فریاد و ناله است؛ ولی زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من گوش فرا می دهند، آرامش و خوشی زندگی بهره شان خواهد بود و سختی و رنج از آنان دور خواهد گشت و به نیک نامی جاودانی خواهند رسید. (۳) و در کتاب «وئندی داد» این جمله به طور مکرر آمده است: «کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود می کند: از تو - ای مرد! - خواهش می کنم پیدایش و فزونی را پاک و پاکیزه ساز! از تو - ای زن! - خواهش می کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز! آرزو دارم صاحب فرزند باشی و شیر تو فراوان شود!». (۴) در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت های میهن ما» در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین می خوانیم: «این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد؛ چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کُرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است». دین زرتشت، بر سه اصل اساسی، «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» استوار گشته است. موبدان در تفسیر اندیشه و کردار نیک می گویند: «یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دیگر دوری جوید». در اندرز «آذرباد مار اسپند» موبد موبدان آمده است: «مرد بد چشم را به معاونت خود قبول مکن». (۵) حجاب در شریعت یهود رواج حجاب در بین زنان قوم یهود، مطلبی نیست که کسی بتواند آن را مورد انکار یا تردید خود قرار دهد. مورخین، نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته اند، بلکه به افراطها و سخت گیری های بی شمار آنان نیز در این زمینه تصریح کرده اند. در کتاب «حجاب در اسلام»، آمده است: «گرچه پوشش، در بین عرب مرسوم نبود و اسلام، آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیر عرب، به شدیدترین شکل، رواج داشت. در ایران و در بین یهود و مللی که از فکر

یهود پیروی می کردند، حجاب، به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست وجود داشت. در بین این ملت ها وجه و کفین (= صورت و کف دست ها) هم پوشیده می شد. حتی در بعضی از ملت ها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود، بلکه سخن از قایم کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادتِ سفت و سخت در آورده بودند». (۶) ویل دورانت، که معمولاً سعی می کند موارد برهنگی یا احیاناً تزینات و آرایش های زنان هر قوم را با آب و تاب نقل کند تا آن را طبیعی جلوه دهد، در این مورد می گوید: «در طول قرون وسطا، یهودیان همچنان زنان خویش را با البسه فاخر می آراستند، لکن به آنها اجازه نمی دادند که با سر عریان به میان مردم روند. نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می ساخت. از جمله تعالیم شرعی یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویداست، دست دعا به درگاه خدا بردارد». (۷) او در توصیف زنان یهودی می گوید: «زندگی جنسی آنان علی رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزله از خطایا بود. زنان آنان دوشیزگانی محبوب، همسرانی ساعی، مادرانی پُرزا، و امین بودند و از آن جاکه زود وصلت می کردند، فحشا به حدّ اقل، تخفیف پیدا می کرد». (۸) در کتاب مقدس یهودیان، موارد متعددی یافت می شود که به طور صریح و یا ضمنی، حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن، مورد تأیید قرار گرفته است. در برخی از آنها لفظ «چادر» و «برقع» به کار رفته است که نشانگر کیفیت پوشش زنان آن عصر است. اینک به پاره ای از آن موارد اشاره می گردد. پوشش کامل در مقابل نامحرم در «سِفْر پیدایش» تورات، چنین می خوانیم: و رفقه، چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد. زیرا که از خادم پرسید: «این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟». و خادم گفت: «آقای من است». پس بُرّقع خود را گرفته، خود را پوشانید. (۹) عدم تشبیه مرد و زن به یکدیگر در «تورات» آمده است: «متاع مرد، بر زن روا نباشد و مرد، لباس زن نپوشد؛ زیرا هر که این کند، مکروه یهوه (خدای تو) است». (۱۰) نزول عذاب در اثر آرایش دختران یهود برای بیگانگان در «تورات» می خوانیم: «و خداوند می گوید از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم، راه می روند و به ناز می خرام اند و به پاهای خویش، خلخال ها را به صدا می آورند * بنابراین، خداوند فرقِ سر دختران صهیون را کُل خواهد ساخت و خداوند، عورت ایشان را برهنه خواهد نمود * و در آن روز، خداوند زینت خلخال ها و پیشانی بندها و هلال ها را دور خواهد کرد * و گوشوارها و دستبندها و روبندها * و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان ها و تعویذها را * و انگشترها و حلقه های بینی را * و رداها و شال ها و کیسه ها را * و آینه ها و کتان های نازک و عمامه ها و بُرّقع ها را * و واقع می شود که: به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موهای بافته، کلی و به عوض سینه بند، زَنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود * مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد * و دروازه های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست». (۱۱) در تورات، از چادر و برقع و روبنده ای که زنان با آن، سر و صورت و اندام خویش را می پوشانده اند، صریحاً نام برده شده است، که نشانگر کیفیت پوشش زنان است. برای نمونه در کتاب «روت» می خوانیم: «بوعز گفت: زنهار کسی نفهمد که این زن به خرمن آمده است. و گفت: چادری که بر توست، بیاور و بگیر. پس آن را بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر وی گذارد و به شهر رفت». (۱۲) در مورد عروس یهودا می خوانیم: «پس رخت بیوگی را از خویشان بیرون کرد. بُرّعی به رو کشید و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمنه است، بنشست». (۱۳) لزوم پوشاندن سر از نامحرمان ویل دورانت می نویسد: اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنان که مثلاً بی آن که چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت، و یا در شارع عام نخ می رشت، یا بر هر سنخی از مردان، درد دل می کرد، یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه ای او را طلاق دهد. (۱۴) او همچنین می نویسد: ... و به استعمال سرخاب و سرمه، نکوهیده می شمرند. موافق بودند که مرد، باید برای پوشاک زن خویش سخاوتمندانه خرج کند؛ لکن غرض آن بود که زن، خود را برای شوهر خویش بیاراید نه برای سایر مردها. (۱۵) در کتاب «حکمه الحجاب و ادله و جوب

التَّعَاب»، برای تأیید این که منشأ حجاب زنان یهودی، و جوب حجاب در شریعت موسی (ع) بوده، به داستان حضرت موسی و دختران شعیب اشاره شده است که در آن، حضرت موسی به آنان امر کرد تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند. (۱۶) حجاب در مسیحیت همان طور که اشاره شد، ادیان الهی، به خاطر تناسبشان با فطرت و احکام کلی، جهت و شیوه واحدی دارند. در مسیحیت، همانند دین زرتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده است. «جرجی زیدان»، دانشمند مسیحی در این باره می گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع، قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح، معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است». مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداده و قوانین شدید آن را استمرار بخشیده است، بلکه در برخی موارد، قدم را فراتر نهاده و با تأکید بیشتری و جوب حجاب را مطرح ساخته است؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدس محسوب می شد و حتی در کتاب «تاریخ تمدن» آمده است که: ازدواج در سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت که تجرد، مقدس شمرده شده است جای هیچ شبهه ای باقی نخواهد ماند که برای از بین رفتن تحریک و تهییج، این مکتب، زنان را به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین، به صورت شدیدتری فراخوانده است. در این ارتباط، نگاهی به «انجیل» می اندازیم: «... و همچنین زنان خویشان را بیارایند به لباس مُزین به حیا و پرهیز، نه به زلف ها و طلا و مروارید و رخت گران بها؛ بلکه چنان که زنانی را می شاید که دعوای دینداری می کند به اعمال صالحه * ...» (۱۷) «همچنین ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد * چون که سیرت طاهر و خدا ترس شما را ببیند * و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس * بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گران بهاست * زیرا بدین گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند * مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا می خواند و شما دختران او شده اید». (۱۸) همچنین درباره وقار و امین بودن زن می خوانیم: «و به همین گونه زنان نیز باید با وقار باشند و نه غیبتگو؛ بلکه هوشیار و در هر امری امین». (۱۹) در روایات ما نیز چنین آمده است: حضرت عیسی فرمود: از نگاه کردن به زنان پرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه کننده کافی است. (۲۰) حواریون و پس از آنها پاپ ها و کاردینال های بزرگ که دستورهای دینی آنان از طرف کلیسا و مذهب مسیحیت لازم الاجرا شمرده می شد، با شدتی هرچه تمام تر زنان را به پوشش کامل و دوری از آرایش های جسمی فرامی خوانده اند. دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می کند: «زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، الا آن که در خانه خود باشد؛ زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند، می تواند از خیره شدن چشم ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است». (۲۱) تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و مردم اروپا انتشار یافته است، به وضوح نشان می دهد که حجاب در بین زنان، کاملاً رعایت می شده است. «براون و اشنایدر»، در کتاب «پوشاک اقوام مختلف»، برخی از تصاویر مربوط به زنان مسیحی را آورده اند که نشان می دهد همگی آنها دارای لباسی بلند و پوشش سر می باشند. (۲۲) حجاب در شریعت اسلام اسلام که آخرین آیین الهی و بالطبع کامل ترین دین است و برای همیشه و همه بشریت، از طرف خداوند عالم، نازل شده است، لباس را «هدیه الهی» معرفی نموده و جوب پوشش زنان را با تعدیل و انتظام مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است. از انحرافات و یا افراط و تفریطهایی که پیرامون پوشش زنان وجود داشته است اجتناب نموده و در تشریح قانون، حدّ و مرزی متناسب با غرایز انسانی را در نظر گرفته است. در

حجاب اسلامی، سهل انگاری های مضر و سختگیری های بی مورد، وجود ندارد. حجاب اسلامی آن گونه که غرب تبلیغ می کند، به معنای حبس زن در خانه یا پرده نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. با توجه به غریزه قدرتمند جنسی، احکام و دستورهای اسلام، تدابیری است که خداوند برای تعدیل و رام کردن و همچنین ارضای صحیح این غریزه، تشریح فرموده است. حجاب در قرآن کریم در قرآن کریم، آیاتی چند به طور صریح، در مورد وجوب حجاب و حد و کیفیت آن نازل شده است. در سوره نور، طی آیه مفصّلی آمده است: «... و به مردان مؤمن بگو که چشم های خود را فروپوشند و نیز دامان خویش را، که برای ایشان پاکیزه تر است. همانا خداوند به آنچه انجام می دهند، آگاه است. و به بانوان با ایمان بگو چشم های خود را فروپوشند و عورت های خود را از نگاه دیگران پوشیده نگاه دارند و زینت های خود را جز آن مقداری که ظاهر است، ننمایند و زینت های خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، پسران همسرانشان، برادرانشان، پسر برادرانشان، زنان هم کیششان، کنیزانشان، مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند، و یا کودکانی که از امور جنسی بی اطلاع اند (غیر ممیز). و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت های پنهانشان آشکار شود. و همگی به سوی خداوند بازگردید، ای مؤمنان! باشد که رستگار شوید». (۲۳) همچنین در سوره احزاب آمده است: «ای پیامبر! به همسران و دختران خویش و بانوان با ایمان بگو که روپوش خود را برگیرند تا به عفاف و حرّیت شناخته شوند و مورد آزار و تعرّض هوسرانان قرا نگیرند و خداوند، آمرزنده و مهربان است». (۲۴) «ای زنان پیامبر! شما اگر تقوا داشته باشید، همانند دیگران نیستید. بنا براین، هرگز نرم و نازک با مردان، سخن مگویید تا آن که دلش بیمار است، به طمع افتد. بلکه متین و نیکو سخن بگویید و خانه را منزلگاه خویش قرار دهید و هرگز مانند دوره جاهلیت نخستین، (برای نامحرمان) آرایش و خودآرایی نکنید و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و از خدا و رسولش اطاعت نمایید». (۲۵) حجاب در روایات پیامبر گرامی اسلام (ص) و معصومین (ع) علاوه بر تأکیداتی که بر رعایت حجاب داشته اند، با ارائه دستورالعمل هایی، جامعه اسلامی را به سوی تهذیب و پاکی، رهنمون گشته اند که در این قسمت، برخی از آنها را نقل می کنیم. پرهیز از پوشش بدن نما و نازک ریزی، اسماء - که خواهر زن پیامبر بود -، با جامه بدن نما و نازکی به خانه پیامبر آمد. پیامبر، روی خود را از او برگرداند و فرمود: ای اسماء! زن، وقتی به حدّ بلوغ رسید، نباید جایی از بدن و اندامش دیده شود، مگر صورت و دست ها». (۲۶) «نهی از آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه پیامبر، در ضمن حدیثی، نهی فرمودند از این که زن، برای دیگران، خود را بیاراید، و فرمود: «اگر برای غیر شوهر، خود را آرایش نمود، لازم است خداوند او را با آتش بسوزاند». (۲۷) پرهیز زنان از شبیه ساختن خود به مردان پیامبر (ص) فرمود: خداوند، مردانی را که شبیه زن می شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می دهند، نفرین کرده است». (۲۸) امام باقر (ع) نیز، در ضمن حدیثی فرمودند: «جایز نیست که زن، خود را شبیه مرد نماید؛ زیرا پیامبر، مردانی را که مشابه زنان می شوند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار می دهند، نفرین کرده است». (۲۹) در قرآن و روایات، علاوه بر دستورهایی که در مورد حفظ حجاب زنان آمده است، مسئولیت هایی نیز به مردان واگذار شده است که ذیلاً به آنها اشاره می گردد: «عفت نسبت به زنان مردم پیامبر فرمود: «نسبت به زنان مردم، عقیف باشید تا زنان شما عقیف بمانند». (۳۰) دوری از چشم چرانی از امام صادق (ع) نقل شده که می فرماید: «چشم چرانی، تیری است مسموم از تیرهای شیطان؛ چه بسا، نگاهی که حسرت های طولانی را در پی دارد». (۳۱) در نگاه فقیهان و دانشمندان مسلمان همان طور که اشاره شد، حجاب، از ضروریات اسلام است و تمام فرق اسلامی، آن را واجب می دانند، و در این که زنان باید به هنگام ادای نماز و در حضور مردان بیگانه، موی سر و تمامی اندام خود را به استثنای صورت و دست ها (از مچ به پایین) بپوشاند، اتفاق نظر دارند؛ البته شافعیان و برخی از علمای شیعه پوشاندن صورت را نیز در حضور بیگانگان، لازم شمرده اند. پایان این نوشتار را به پرسشی از امام خمینی (ره)، در مورد حجاب و حد آن، و پاسخ ایشان، که می تواند نشانگر نظرات دانشمندان مسلمان باشد، اختصاص می دهیم: آیا حجاب از ضروریات اسلام

است و منکر آن و کسانی که به این دستور الهی مخصوصاً در جامعه اسلامی بی‌اعتنایی می‌کنند، چه حکمی دارند؟ اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن، حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری، محکوم به کفر است، مگر این که معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست. حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ برای این منظور، لباس آزاد و شلوار و روسری کفایت می‌کند؟ و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟ واجب است تمام بدن زن بجز قرص صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند، مانعی ندارد؛ ولی پوشیدن چادر، بهتر است و از لباس‌هایی که توجه نامحرم را جلب کند، باید اجتناب شود. (۳۲) بررسی‌هایی از بررسی و مقایسه حد و کیفیت حجاب در ادیان چهارگانه استنباط می‌گردد که حجاب در ادیان دیگر، نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است. به طور مثال، پوشاندن صورت، گرچه در زمان زرتشت معمول نبوده و بعد از او در میان زرتشتیان معمول شده است، اما طبق آنچه گذشت، چادر و روبنده از ارکان اخلاقی مسیحیان و یهودیان محسوب می‌شده است؛ درحالی که بنابر نظر اکثر فقهای اسلامی، پوشاندن صورت واجب نیست. لزوم کناره‌گیری کامل زن در حیض در دین زرتشت، محق دانستن مرد در طلاق زنی که صدایش در کوچه شنیده شده بدون پرداخت مهریه از طرف دین یهود، رکن بودن چادر و روبند و ذکر نام آن دو به طور صریح در کتاب مقدس مسیحیان و وجوب سکوت زن نزد بیگانه و در کلیسا از طرف مسیحیت، بهترین گواه بر این مطلب است. بنابراین، نه تنها اسلام واضع قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد، ارائه نموده است. منبع: حجاب در ادیان الهی، علی محمدی، انتشارات اشراق پی نوشت: ۱. تورات، سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۶-۸ و ۲۰-۲۱. ۲. سوره اعراف، آیه ۲۲. ۳. یسنا، ص ۵۳، پنجاه‌های ۵-۸ به نقل از: آموزش‌های زرتشت پیامبر ایران، رستم شهرزادی، انجمن زرتشتیان، آبان ۷۶. ۴. ونیدی داد، ص ۲۷۵، بند ۱۰. ۵. سال نمای ۱۳۷۲، انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰. ۶. حجاب در اسلام، ابوالقاسم اشتهاردی، ص ۵۰. ۷. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱۲، ص ۶۲. ۸. همان، ص ۶۳. ۹. سفر پیدایش، باب ۲۴، فقره ۶۴ و ۶۵. به گفته مرجع مذهبی یهودیان ایران «خاخام اوریل داودی»، منشأ و وجوب حجاب در شریعت یهود، مستند به همین فقره است. ۱۰. تورات، سفر تثیبه، باب ۲۲، فقره ۵. ۱۱. تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب سوم، فقره ۱۶-۲۶. ۱۲. تورات، کتاب روت، باب دوم، فقره ۸-۱۰. ۱۳. تورات، سفر پیدایش، باب ۳۸، فقره ۱۴ و ۱۵. ۱۴. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱۲، ص ۳۰. ۱۵. همان، ص ۳۱. ۱۶. ر.ک: حکمة الحجاب و ادله وجوب النقاب، ص ۲۵۲. ۱۷. انجیل، رساله پولس به تیمونائوس، باب دوم، فقره ۹-۱۵. ۱۸. انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۱-۶. ۱۹. انجیل، رساله پولس رسول به تیمونائوس، باب سوم، فقره ۱۱. ۲۰. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶. ۲۱. زن و آزادی، حکیم الهی، ص ۵۳. ۲۲. پوشاک اقوام مختلف، براون و اشنایدر، ص ۱۱۶. ۲۳. سوره نور، آیه ۳۱. ۲۴. سوره احزاب، آیه ۵۹. ۲۵. سوره احزاب، آیه ۳۲. ۲۶. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۸۳. ۲۷. بحارالأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۲. ۲۸. همان جا. ۲۹. همان، ص ۲۵۸. ۳۰. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۱. ۳۱. همان، ج ۱۴، ص ۱۳۸. ۳۲. احکام بانوان، محمد وحیدی، ص ۳۷.

حجاب در ادیان و اقوام گذشته

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؛ هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچگاه بطور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند، یاد می‌کنند. دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند. کتاب

«زن در آینه تاریخ» پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب، می‌نویسد: با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود؛ و به این دلایل، عقیده عده‌ای که می‌گویند «مذهب» موجب حجاب می‌باشد، صحت ندارد، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار مؤثر بوده است. ۱. پوشش زن در یونان و روم باستان دایره‌المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می‌گوید: زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و اِمِرجوس و دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی قرمز بودند. سخن درباره حجاب، در لابلای کلمات قدیمی‌ترین مؤلفین یونانی نیز به چشم می‌خورد؛ حتی «بنلوب» (همسر پادشاه «عولیس» فرمانروای ایتاک) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «ثیب» دارای حجاب خاصی بوده‌اند، بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می‌پوشاندند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. در «اسپارته» دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند، ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می‌پوشاندند. نقش‌هایی که بر جای مانده، حکایت می‌کند که زنان سر را می‌پوشانده، ولی صورت‌هایشان باز بوده است، و وقتی به بازار می‌رفتند، بر آنان واجب بوده است که صورت‌هایشان را بپوشانند؛ خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سیبری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد (و فارس و عرب) نیز وجود داشته است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده‌اند، به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد. ۲. یکی از تاریخ نویسان غربی نیز شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است. او درباره «الهه عفت» که یکی از خدایان یونان باستان است، می‌گوید: «آرتمیس»، الهه عفت است و عالی‌ترین نمونه (و الگو برای) دختران جوان به شمار می‌آید. دارای بدنی نیرومند و ورزیده و چابک و به زیور عفت و تقوا آراسته است. ۳. همچنین درباره مردم یکی از قبائلی که نهصد سال قبل از میلاد زندگی می‌کرده‌اند، آمده است: «بالا تر از ارمینان و در کنار دریای سیاه، «سکاها» بیابانگردی می‌کردند. آنها مردم وحشی و درشت اندام قبائل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارابه به سر می‌بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می‌داشتند. ۴. این مورخ در جای دیگر می‌گوید: «زنان فقط در صورتی می‌توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند. ۵. همچنین از قول یکی از فلاسفه یونان باستان، درباره شدت پوشش زن، نقل می‌کند: نام یک زن پاک‌دامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت. ۶. پوشش زن در ایران باستان در مورد پوشش زنان ایران باستان، مطالب زیادی در تاریخ وجود دارد. ویل دورانت درباره پوشش زنان ایران باستان و اینکه حجاب بسیار سختی در بین آنان رایج بوده است، می‌گوید: «زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش (اختلاط) کنند. زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی را، ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش‌هایی که در ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زن دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد. ۷. از دائرةالمعارف لاروس نیز به دست می‌آید که حجاب در بین مادها و پارس‌ها وجود داشته است. ۸. همچنین در تفسیر اثنی‌عشری ۹ آمده است: «تاریخ نشان می‌دهد که حجاب در فرس قدیم وجود داشته است». در کیش «مازدیسی» نامه شت مه‌باد، آیه ۹۰ گوید: زن خواهید و جفت گیرید و هم خوابه دیگری را نبینید و بر او منگرید و با او میامیزید.» نصوصی که بیانگر حجاب زنان ایران باستان است، نشان می‌دهد که زنان در دوره‌های مختلفی چون دوره مادها، پارسی‌ها (هخامنشیان)، اشکانیان و ساسانیان دارای حجاب و پوشش بوده‌اند، که به چند نمونه آن اشاره می‌شود: دوره مادها در کتاب «پوشاک باستانی ایرانیان» آمده: «اصلی که باید در نظر داشت، این است که طبق نقوش برجسته و مجسمه‌های ما قبل میلاد، پوشاک زنان آن دوره (مادها) از لحاظ شکل (با کمی تفاوت) با پوشاک مردان یکسان است.» ۱۰ وی در ادامه برای توضیح نقوش بر جای مانده می‌نویسد: «مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده

می‌شوند. به نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان است.» ۱۱ دوره پارسی‌ها (هخامنشیان) پارسی‌ها به وسیله کوروش، دولت ماد را از میان برداشته و سلسله هخامنشی را تأسیس کردند. آنها از نظر لباس همانند مادها بودند. در مورد پوشاک خاص زنان این دوره آمده است: «از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمی‌خوریم که از پهلو به اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا به میچ پا نمایان است.» ۱۲ دوره اشکانیان در این دوره نیز همانند گذشته، حجاب زنان ایرانی کامل بوده است. در این باره چنین می‌خوانیم: «لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین‌دار و یقه‌راست بوده است. پیراهن دیگری داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد این یکی نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه‌باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سر می‌کردند.» ۱۳ در جای دیگر آمده است: «چادر زنان اشکانی به رنگ‌های شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک تخته فلزی بیضی منقوش یا دکمه که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بند است. این چادر به نحوی روی سر می‌افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می‌پوشانیده است.» ۱۴ در کتاب «پارتیان» نیز آمده است: «زنان عهد اشکانی قبایی تا زانو بر تن می‌کردند، با شنلی که بر سر افکنده می‌شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می‌آویختند.» دوره ساسانیان در این دوره اردشیر پسر بابک با استفاده از ضعف اشکانیان، سلسله ساسانیان را بنیان نهاد و دین زرتشت را دین رسمی کشور قرار داد. اوستا را ترجمه و آتشکده‌های ویران را بازسازی نمود. زنان در این دوره که احکام دینی زرتشتیان در کشور اعمال می‌شده است، همچنان دارای حجاب کامل بودند. در مورد پوشاک زنان چنین آمده است: «چادر که از دوره‌های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صورت مختلف مورد استعمال داشته است.» ۱۵ حجاب زنان در این دوره چنان اهمیتی داشت که «حتی لباس هنرپیشگان زن، مانند لباس‌های بلند سایر بانوان، تا پشت پا کشیده شده است.» ۱۶ برای اثبات توجه زنان در این دوره به حجاب، کافی است این نقل تاریخی را از منابع اسلامی مرور کنیم: هنگامی که سه تن از دختران کسری، پادشاه ساسانی، را با ثروت فراوانی از اموال، برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی را در برابر عمر در حالی که با پوشش و نقاب، خود را پوشانده بودند، ایستاندند، خلیفه دستور داد، با آوازی بلند بر آنان فریاد کشند که: پوشش از چهره برگیرید تا مسلمانان آنها را ببینند و خریداران پول بیشتری به پای آنها بریزند. دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند و مشت بر سینه نماینده عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند. خلیفه خشمناک شد و خواست با تازیانه آنان را بیازارد، در حالیکه شاهزادگان ایرانی می‌گریستند. حضرت علی (علیه‌السلام) به عمر فرمودند: در رفتار مدارا کن؛ از پیغمبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) شنیدم که می‌فرمود: «بزرگ و شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده، گرامی بدارید». عمر پس از شنیدن فرمایش حضرت علی (علیه‌السلام) آتش خشمش فرو نشست. سپس حضرت اضافه کرد: «با دختران ملوک نباید معامله دختران بازاری (کنیزان) کرد.» ۱۷ ۳. پوشش زن در ادیان بزرگ الهی حجاب در شریعت حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) در آئین مقدس حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) مسأله پوشش زنان، حائز اهمیت بوده است. در کتاب تورات چنین می‌خوانیم: «رفقه "چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید؟ خادم گفت: آقای من است. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید.» ۱۸ از این بیان روشن می‌شود که پوشش زن در مقابل نامحرم در شریعت حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) وجود داشته است؛ زیرا «رفقه» در مقابل اسحاق که به او نامحرم بود، از شتر پیاده شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیفتد. حجاب در آیین یهود در اصول اخلاقی «تلمود» که یکی از کتاب‌های مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین نامه زندگی یهودیان است، آمده: «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنانچه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سنجی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند

بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود، همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» ۱۹ حجاب در آیین مسحیت در کتاب انجیل آمده است: پولس در رساله خود به قدنتیان تصریح می‌کند: «اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. هر مردی که سر پوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا می‌نماید. اما هر زنی که سر برهنه دعا کند، سر خود را رسوا می‌سازد؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود. زیرا اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز ببرد و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد؛ زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چون که او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است؛ زیرا که مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. از این جهت زن می‌باید عزتی بر سر داشته باشد، به سبب فرشتگان... در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند.» ۲۰ پس در جایی که برای دعا باید سر زن پوشیده باشد، به هنگام روبه رو شدن با نامحرم پوشش سر لازم تر خواهد بود. و نیز در انجیل، در رساله پولس، به تیموتائوس می‌گوید: «و همچنین زنان خود را بیاریند به لباس حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها، بلکه چنان که زنانی را می‌شاید که دعوی دینداری می‌کنند به اعمال صالحه.» ۲۱ پی نوشت‌ها: ۱- علی اکبر علویقی، زن در آئینه تاریخ؛ اگر منظور نویسنده این است که حجاب یک امر فطری است و بر اثر یک رسم اکتسابی به وجود نیامده، ما هم قبول داریم، ولی نمی‌توان پذیرفت دین موجد حجاب نبوده است؛ زیرا اولاً دوران پیش از مذاهب، پیش فرض باطلی است. چون بنا بر آموزه‌های دینی، اولین انسان خود پیامبر و دارای مذهب بوده است، ثانیاً اگر حجاب را جزئی از تعلیمات مذهب بدانیم، به فطری بودن آن نقصی وارد نکرده‌ایم، زیرا تعالیم دین با فطرت انسان هماهنگی کامل دارد، چنانچه آیه ۳۰ سوره روم بدان اشاره دارد. ۲- به نقل از دایرةالمعارف القرن العشرين، ۱۹۲۳. ۳- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۵۲۰. ۴- همان، ص ۳۳۶. ۵- همان، ص ۳۴۰. ۶- همان. ۷- همان، ص ۴۳۴. ۸- به نقل از دایرةالمعارف القرن العشرين، ۱۹۲۳. ۹- تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۴۹۰. ۱۰- ضیاء پور، پوشاک باستانی ایرانیان، ص ۵۱. ۱۱- همان، ص ۵۴. ۱۲- همان، ص ۵۶. ۱۳- جلیل ضیاء پور، پوشاک زنان ایرانی، ص ۱۹۴. ۱۴- همان، ص ۱۹۷. ۱۵- همان، ص ۱۱۴. ۱۶- علی سامی، تمدن ساسانی، ج ۱، ص ۱۸۶. ۱۷- السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۳۴. ۱۸- سفر پیدایش، باب ۲۴، آیه ۶۴ و ۶۵. ۱۹- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۴۶۱. ۲۰- باب ۱۱، آیه ۱۴ تا ۲۱. ۲۱- باب دوم، آیه ۱۱ تا ۱۱.

حجاب در نگاهی نو

تمدنهای بسیاری تاکنون پدید آمده و سپس از میان رفته اند، که هر یک نقش خاص خود را در جهت پیشبرد فرهنگ بشری یا نابودی و عقب ماندگی آن ایفا کرده است و سپس جامعه دیگری پس از خود بر جای نهاده که مدتی در سرزمینی حاکم بوده است. در عصر کنونی جز پنج نوع جامعه از آن همه باقی نمانده است ۱ که عبارتند از: الف. جامعه مسیحیت غربی. ب. جامعه مسیحیت ارتدکس. ج. جامعه اسلامی. د. جامعه هندو. ه. جامعه خاور دور. داوری درباره یک فرد - وابسته به هر تمدن و فرهنگ یا هر زمان و مکان که باشد - که آیا انسانی متمدن یا وحشی است، بر پایه ابزار و وسایلی که در خدمت گرفته نیست، بلکه به لحاظ نوع رفتاری است که با تمدن و فرهنگ عام انسانی یا فرهنگ خاص خود دارد. ۲. بنا بر این انسان متمدن ۳ کسی است که میراث فرهنگی خود را پاس می‌دارد و تحول در آن پدید می‌آورد و از فرهنگ دیگران درست‌ترین را برمی‌گزیند و نسل نو را براساس آن تربیت کرده، فرهنگ را یکسره بدو می‌سپارد. اما انسان غیرمتمدن ۴ کسی است که میراث فرهنگی را تباہ می‌کند یا از فرهنگ دیگران بدون گزینش و ارزیابی برمی‌گیرد، در پیروی از فرهنگی که به آن وابسته است با زمان همزیستی ندارد؛ زیرا تمدن خود را در پای نوگرایی قربانی می‌کند، یا نسل نو را از فرهنگ و میراث گذشته محروم می‌سازد. حجاب جزئی از تمدن، فرهنگ، آداب و رسوم اسلامی و شریعت الهی است. به فرض آن که از حجاب به عنوان دستوری الهی که مخالفت با آن حرام و موجب عذاب

اخروی است چشم پوشی کنیم و آثار بی حجابی را نادیده بگیریم، بازهم به عنوان کسانی که به تمدن اسلامی نسبت داریم باید از حجاب پاسداری و نگهبانی کنیم. از دیر باز تاکنون که غرب بر سرزمینهای اسلامی چیره بوده تاکنون، ما از غرب در اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها، باورها، رفتارها و مکتهای هنری، سیاسی و اقتصادی تقلید می‌کنیم؛ حتی اگر از اسلام سخن بگوئیم. امروز که غرب در جستجوی ریشه‌هایش و در پی بازگشت به آنهاست، در نتیجه راستگرایان جدید، نونازی‌ها و فاشیست‌ها در فرانسه و آلمان و ایتالیا ظهور کرده و خواهند کرد. چرا ما از غرب در این رویکرد تازه اش تقلید نکنیم و "اسلام‌گرایان نو" نشویم. این کار هرگز ما را وانی دارد که به دوگانه پرستی‌ها یا آداب و رسوم و جشنها و پایکوبی‌ها و نغمه‌های نغمه‌گران دفن شده در اعماق تاریخ بازگردیم. چنان که ما را ناگزیر از بنیان نهادن گروه‌ها، سازمانها، کنگره‌ها، سمینارها و جستجوی رهبران نمی‌سازد، زیرا جایگاه رهبری و مرجعیت شناخته شده است. در حوزه‌های علمی ده‌ها محقق و استاد در آستانه مرجعیت به سر می‌برند، شخصیت‌هایی مؤثر که فرهنگهای جهانی را بررسی کرده نتایج آن را بر آیین اسلام عرضه می‌دارند، هر آنچه شرع می‌پسندد برگزیده و هر چه را نمی‌پسندد دور می‌ریزند. همه این تلاشها بر پایه دلیلهای شرعی برگرفته از قرآن و سنت ناب و پشتوانه چهارده قرن تجربه پژوهش و کنکاش صورت می‌گیرد و میلیونها تن از فرزندان امت اسلامی را پشت سر خود دارد. بلکه بازگشت به اسلام، در واقع بازگشت به بلندای یکتا پرستی در عقیده، اخلاق و رفتار است؛ بازگشت به ریشه‌های اصیل خودمان؛ به قرآن، سنت، جامعه، اقتصاد، فلسفه، فرهنگ، تمدن، هنرها و پوششهای خودمان، و در این میان، بازگشت زن به حجاب خویش است. و سرانجام اینکه گزینش عنوان (حجاب نو) به منظور تناسب با عنوان بازگشت به میراث کهن یا راستگرایی جدید یا نونازیسیم یا نوفاشیسم در اروپا بوده است، اما حجاب نو همانند تمسک به قرآن کریم با (بازگشت به اسلام ناب محمدی) تناسب دارد، به همین دلیل عنوانی را که در آغاز آمد برگزیدیم. ماهیت و حقیقت حجاب چیست؟ پیش از پرداختن به خوبیها و بدیها و آثار و پیامدها و نقش و سود و زیان حجاب، باید نخست معنای آن را مشخص کنیم. آیا حجاب، تکه پارچه‌ای است که به شکلی خاص دوخته شده تا بدن زن را بپوشاند، حال هر جا، هر گاه و با هر شکل و رنگ؟ یا حجاب نوعی رفتار است، یا حجاب آمیخته‌ای از پوشش و رفتار است؟ یا حجاب، حقیقتی است که به صورت رفتار و پوشش خاص نمودار می‌شود و تجلی می‌یابد. نگارنده دیدگاه اخیر را برمی‌گزیند؛ حجاب چیزی است که زن را وانی دارد تا قسمت‌هایی را که تحریک‌کننده غرایز مرد است، خواه در جسم یا رفتار یا صدا و گفتار بپوشاند. حجاب همان زیوری است که زن به خود می‌گیرد، تا مانع از تحریک غرایز مردان شود. به عبارت دیگر حجاب خواسته‌ای فطری در درون زن برای پوشاندن مظاهر زنانگی وی است. زن و مرد هر دو در انسانیت مشترک اند. ۵ هر دو موجودی زنده، آگاه به خود و پیرامون خود، و هر دو دارای کالبد مادی اند. اختلاف زن با مرد در چیزی است که انوئت (زنانگی) خوانده می‌شود و اختلاف مرد با زن نیز در چیزی است که مردانگی نام دارد که هر یک از انوئت و ذکورت، ویژگیهای برونی و درونی را افزون بر طبیعت انسان به وجود می‌آورد. یعنی: مرد = انسان «ذکورت»، و زن = انسان «انوئت». هر یک از زن و مرد در صورتی که خود و جایگاهش را بشناسد، نقشی بسزا در چرخه پیشرفت و آسایش بشریت دارد، چنان که بدون شناخت خود و جایگاه خود، نقش زیادی در ویران‌سازی زمین و نابود کردن تمدن و وخامت حال و روز بشریت خواهند داشت. خداوند متعال می‌فرماید: (هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها) هود / ۶۱ او شمارا از زمین پدید آورد و به آبادگری آن واداشت. ویا می‌فرماید: (ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت أیدی الناس) روم / ۴۱ به خاطر رفتار و کردار مردم، تباهی خشکی و دریا را فراگرفت. وقتی خداوند در عرصه زندگی مشترک زن و مرد می‌فرماید: (الرجال قوامون علی النساء) (نساء / ۳۴) مردان بایستی بر زنان در زندگی زناشویی قوامیت داشته باشند، ۶ همان گونه می‌فرماید: بهشت و نعمتهایش همانند تکالیف، هم برای زن و هم برای مرد است. بلی در تکلیفهای شرعی مرد مورد خطاب مستقیم خداوند است و بر زن - جز در موارد خاص خود - از رهگذر خطاب به مرد تکلیف می‌شود. خداوند می‌فرماید: (یا آدم اسکن أنت و زوجک و کلامنها رغداً حیث شئتما و لاتقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین) بقره /

۳۵ ای آدم! تو و همسرت در بهشت بیارامید و از نعمتهای آن، از هر چه که خود خواسته اید به خوشی و فراوانی بهره برید، و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد. به هر حال ما حقیقت حجاب را چنین می یابیم که حجاب، شرم و حیایی است که زن بدان آراسته است، زیرا هیچ زنی را نمی توان یافت که هیچ حیا نداشته باشد. بلی همه ما نیازمندیم که کسی ما را برانگیزاند و به مرحله ظهور برساند، زیرا حیا بذری است که در وجود هر زنی کاشته شده است. خداوند متعال می فرماید: (إلّا علی أزواجهم... فإِنَّهم غیر ملومین) مؤمنون / ۶ مگر در مورد زنان نشان... که در این صورت نکوهیده نخواهند بود. این بذر حیا اگر زمینه مناسب همراه با تربیت و مراقبت برایش مهیا شود به زودی رشد می کند و میوه رفتارش به بار می نشیند. چنان که ممکن است همچون دانه ای به حال خود باقی بماند و یا رشدی ناقص و بی ثمر داشته باشد. این دانه اگر در زمینی مناسب و با دستان تربیت پرورش یابد، میوه حجاب را به بار خواهد نشانند، چنان که عکس این حالت نیز امکان دارد. حجابی که به معنای حیا و پنهان داشتن جلوه های زنانه است، فراگیرتر از حجاب شرعی اسلامی است که شامل هر وسیله پوششی است که زن به کار می گیرد، گرچه با شکل غیر شرعی باشد. نمونه هایی از حجاب غیر شرعی الف. شلوار (مردانه): شلوار نوعی پوشش مردانه است که گاه زنان در خیابان، محل کار و دانشگاه و مدرسه می پوشند. این پوشش جز نوعی از نمادحیای زن نیست، ولی با همانند مرد شدن، زنانگی زن را دگرگون کرده است. ب. لباسهای گشادی که زنان به تن می کنند، که نوعی از حجاب ناقص است. ج. جمع کردن و بالا زدن موها که نوعی آرایش معمولی در میان زنان است، به جای آن که موها را رها بگذارند که کاملاً آشکار باشد. این شیوه نوعی حجاب است که اسلام آن را نمی پذیرد (و کافی نمی داند). زنان رنگ سیاه را از میان رنگها بهتر می پسندند، زیرا این رنگ در هر قسمت از پوشش زن به کار رود بدن را بیشتر و بهتر می پوشاند. حجاب اسلامی اگر بخواهیم از مظاهر حیای زن مسلمان سخن بگوییم، بی تردید از حجاب کامل سخن خواهیم گفت. حجابی که نمونه سخن خداوند متعال در آیات چندی است: ۱. (یدنین علیهنّ من جلابیهنّ) احزاب / ۵۹ زنان پوششهای خود را فروتر گیرند. ۲. (ولیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ و لا یدین زینتهنّ) نور / ۳۱ و زنان بایستی روسری هاشان را بر گریبان بیندازند و زینت خویش را آشکار نسازند. ۳. (و لا تبرّجن تبرّج الجاهلیة الأولى) احزاب / ۳۳ و همانند زینت نمایی روزگار جاهلیت پیشین زینت نمایی نکنید. ۴. (و لا یضربن بأرجلهنّ) چنان پای نکوبند که زینتهای پنهانشان آشکار شود. ۵. (فلا تخضعن بالقول) ... احزاب / ۳۲ پس در سخن نرمی نکنید. ۶. (یغضضن من أبصارهنّ) نور / ۳۱ دیدگان شان را فروگذارند، تا دستاوردهای مهمی در جامعه تحقق یابد، از جمله (والحافظین فوجهم و الحافظات) مردان نگاهبان عورت خویش و نیز زنان نگاهبان. پس حجاب طبیعی و کامل همان است که قرآن کریم ذکر کرده است. همان چیزی که زن مسلمان را از غیرمسلمان جدا می کند. و در این میان مرد نیز نقش ویژه خود را دارد. پس حیایی که در هر زنی وجود دارد، در زن مسلمان زمینه های رشد و پرورش آن بیشتر فراهم است که از جمله آن زمینه ها می توان از امور زیر نام برد: الف. پوشاندن بدن، به جز جاهایی که شریعت مقدس اجازه داده است. ب. پنهان داشتن زینتها. پس زن نبایستی لباسهای رنگارنگ، بدن نما، لباسهای نازک و جلب توجه کننده یا جواهرات و زیور آلاتی که آشکار است و چیزهایی که هنگام راه رفتن صدا ایجاد می کند بپوشد. ج. سخن گفتن با جدیت و بدون نرمی و شوخی در گفتار، جز با همسر یا یکی از محارم. اسلام در پی کاشتن بذر حیا در وجود زن است و می کوشد آن را پروراند، حال آن که زن غربی حال و روزی عکس این دارد. به طور معمول بذر حیا در زن غربی از بین می رود و یا رشدی ناسالم می یابد و یا پرورشی بی نتیجه دارد که به صورت پوشیدن شلوار مردانه یا پوششهای تیره نمایان می شود و سرانجام بذر حیا به تدریج در طول زمانهای دراز در رهگذر دیگر نسلها نابود می شود و در نتیجه زن بخشی از ویژگیهای زنانه خود را از دست داده به بی بند و باری می رسد، چنان که در غرب رسیده و دچار پیامدهایی چون نابودی نسل و بیماریها و تجاوزها و... می شود و تا آنجا پیش می رود که تجاوز به حقوق زنان از بارزترین مشخصه های زندگی این عصر می شود. اما زن مسلمان، از آن رو که پایبند پوشش اسلامی خود است، بذر حیا در وی پرورش می یابد و این تجربه در طول نسلهای

آینده هر روز بارورتر می شود، تا آنجا که زن مسلمان بیشترین تلاش را در نگاهبانی از خویشتن می کند و در مسیر عصمت قرار می گیرد. گرچه رسیدن به مقام حضرت زهرا(ع) و حضرت خدیجه و زینب - درود خدا بر ایشان - بس دشوار است، ولی حرکت در این مسیر جز با پیروی از ایشان در عرصه نگاهبانی از مظاهر زنانه که بیشترین نمود آن در حجاب اسلامی است امکان پذیر نیست. حجاب، انگیزه ها و دغدغه ها در این روزگار دشوار که امت اسلامی راهی دراز در پیروی و تقلید از غرب پیموده و جز جایگاه مرجعیت و حوزه ها و نهادهایی که از طریق عالمان و رهبران دینی به دفاع از اسلام ناب محمدی (ص) و ترویج آن می پردازند و گاه به صورت بنیادها یا مقاومت ها و خیزشهایی در این جهت یا به صورت رعایت حجاب اسلامی نمود دارند، همه و همه در مسیر تقلید از غرب ره می پویند. زن برای پایبندی به حجاب جز رضای خدا و حفظ ارزشهای اسلامی انگیزه ای ندارد و این انگیزه را با رفتار و پوشش خود نشان می دهد. زن مسلمان پایبند به حجاب، یک نگرانی بیشتر ندارد؛ محرومیت از آزادی، مانند هر انسان محروم از آزادی. اکنون اگر این محرومیت براساس باورها و اصول ارزشی باشد چه باید کرد. بسیاری با ابزارهای گوناگون در پی نابودی آزادی زن مسلمان اند، این تلاشها با همه گوناگونی شکلها و نمونها یک تفسیر بیشتر ندارد، نابود کردن حجاب؛ چنان که خداوند می فرماید: (کزع أخرج شطأه فآزره فاستغظ فاستوی علی سوجه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار) فتح / ۲۹ به سان نهالی که جوانه برآورد و آن را نیرومند سازد و ستبر گردد و بر ساقه هایش بایستد و کشاورزان را شاد و شگفت زده سازد تا کافران را به خشم آورد. تمام قصه همین است؛ دشمنی با حجاب، جدا از برنامه ریزی های استکبار، تا آنجا که به صحنه زندگی و عملکرد مردم مربوط است، یک تفسیر بیشتر ندارد که همان احساس نفرت و خشم است، زیرا انسان هر قدر که تکبر ورزد باز هم خود را می شناسد. (بل الانسان علی نفسه بصیرة) قیامت / ۱۴ بلکه انسان به نفس خود آگاه است. معارضان با حجاب می دانند که افرادی بزدل و ترسو هستند و هیچ گاه استقلالی ندارند و پیرو و طفیلی دیگرانند. (ودّ کثیر من أهل الکتاب لو یردّونکم من بعد ایمانکم کفّاراً حسداً من عند أنفسهم من بعد ما تبین لهم الحقّ) بقره/ ۱۰۹ بسیاری از اهل کتاب با آن که حق بر ایشان آشکار شده است، از سر رشکی که در دل دارند، خوش دارند که شما را پس از ایمانتان کافر گردانند. (ربّما یؤد الذین کفروا لو کانوا مسلمین) حجر/ ۲ چه بسا کافران آرزو کنند که کاش مسلمان بودند. پایبندی زن مسلمان به حجاب در این زمان که کنار نهادن حجاب و تقلید از زن غربی، فوایدی را همچون منافع اقتصادی از طریق ایجاد فرصتهای کاری در عرصه های فراوان و یا فواید سیاسی و اجتماعی دارد؛ هیچ دلیلی جز کسب رضای الهی ندارد. در زمانی که رئیس جمهور در حکومتی که در دامان غرب قرار دارد نمی تواند زنی با حجاب باشد. حتی نمایندگی پارلمان دموکراتیک - اگر چه به شیوه الجزایری - یا رئیس جمعیت زنان یا خیریه ها نیز نمی تواند زنی با حجاب باشد. زن مسلمانی که با حفظ حجاب خواهان رضای خداوند است، و این امر به او شخصیتی اصیل و مستقل می دهد، اما در عرصه های سیاسی و اجتماعی کشورهای پیرو غرب بهای سنگینی باید پردازد. ولی ایستادگی زن در برخورد با این محدودیتها از چند جهت در زندگی دنیوی او مفید است: الف. با حفظ حجاب، معنای این آیه شریفه شامل حال زن نمی شود: (و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشتة ضنکاً) طه/ ۱۲۴ هر کس که از یاد من روی برتابد، به تنگنای زندگی دچار آید. ب. در برابر، مصداق این آیه شریفه می شود: (من عمل صالحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحییته حیاة طیبة) نحل/ ۹۷ هر مؤمن مرد یا زنی که کار شایسته انجام دهد او را به حیات طیبه زنده می داریم. ج. زنی که حجاب اسلامی را به طور کامل رعایت می کند، جایگاهی همچون مرجعیت حوزه های علمیه، یا گروه های (مقاومت) و (انتفاضه) می یابد: (و من یعمل مثقال ذرّة خیراً یره) زلزال/ ۷ هر آن کس که ذره ای کار نیک انجام دهد، آن را ببیند. انگیزه دیگر زن مسلمانی که حجاب را به خاطر رضای خداوند حفظ می کند این است که زن، انسان است، و انسان به طور طبیعی میل و تلاش به سوی کمال دارد. و زن می داند که حجاب کمال اوست و بی حجابی مایه نقصانش که این مسأله به داشتن یا نداشتن حیا یا باور و یقینی که زن را وادار به حفظ حجاب می کند، می انجامد. رضای خداوند متعال و جایگاه شناسی کمال زن، همان چیزی است که او را وادار به رعایت حجاب اسلامی می کند. اگر چه این تحفظ

برای او مشکلات و سختی‌هایی به بار می‌آورد. حجاب و چالش‌های امروز از جمله چیزهایی که انسان را جذب خود می‌کند، آخرین اختراعات و دستاوردهای ابزار بشری است که همواره زندگی را آسان‌تر و آسوده‌تر می‌سازد. آگاهی یافتن از مشخصات دستاوردهای تازه، همان چیزی است که شرکتها و کارخانجات به شدت بر سر آن به رقابت می‌پردازند تا بازارهای سرمایه‌گذاری خود را تضمین کنند. اما در رابطه با باورها و مذاهب، مطلب بر عکس است. در این زمینه بیشتر، اهداف حقیقی پنهان می‌ماند و مکاتب و مذاهب با عناوینی همچون روزآمد، امروزی، پیشرفته، استقلال، آزادی و... ارائه می‌شوند. ابزارهای روشنایی از وسایل ابتدایی گرفته تا دستگاه‌های الکتریکی که در نیروگاه‌های هسته‌ای تولید می‌شود، بسیار تفاوت کرده است. این بسیار مهم است که انسان که از هزاران سال پیش حیوانات را برای سواری اهلی می‌کرد، اکنون با یک وسیله بارها به فضا صعود می‌کند. در آن روزگار نامه‌رسانی کاری بس مشکل بود که با وجود خطرات بسیار برای نامه‌رسان نیاز به هفته‌ها زمان داشت. اما اکنون وسائل ارتباطی بیشتر به دنیای خیال و افسانه و شگفتی‌ها می‌ماند. روزگار این است، همه چیز آن در حال دگرگونی و تغییر است، ولی انسان همان انسان است و هیچ تغییری نکرده است. ما نمی‌توانیم انسانی را که هزار سال پیش می‌زیسته بدوی و بی‌فرهنگ بنامیم و انسان کنونی را متمدن و فرهنگ دوست بخوانیم؛ تنها به خاطر بود و نبود ابزارهای الکتریکی و حمل و نقل و ارتباطات. و اگر این ملاک تمدن و پیشرفت باشد، پس از هزار سال ما نیز افرادی غیرمتمدن و بی‌فرهنگ نامیده می‌شویم. پس اختراعات به انسان جایگاه و صفت انسانیت نمی‌دهد؛ انسان همان انسان است، با همان نیازها، خواسته‌ها، دردها و آرزوها. آنچه امروزه تفاوت کرده ابزار و راه‌های پاسخگویی به نیازها و خواسته‌ها است. اما در طول تاریخ انسان در زمینه اصول و ارزش‌های چالش‌های فراوانی داشته است و در طول تاریخ فرهنگها، تمدنها به گونه‌ای با یکدیگر تفاوت داشته‌اند. حکومت اسلامی که رسول مکرّم اسلام (ص) آن را بنا نهاد با سه امپراطوری بزرگ معاصر خود رودرو بود که یا باید فرهنگ اسلامی پایدار و پابرجا می‌ماند و بر اساس آن تمدنی به وجود می‌آمد و یا در برابر سه تمدن دیگر به ویژه تمدن ایران و روم که در نزدیکی مرزهای اسلامی قرار داشت نابود می‌شد و از بین می‌رفت. اما با عنایت خداوند و سخت‌کوشی و مجاهدت پیامبران و یاوران ایشان در طول تاریخ و به خاطر خون شهیدان و ایستادگی پیامبر و خاندان و یاران بزرگوارش، نتیجه به گونه‌ای دیگر رقم خورد؛ تمدن اسلامی پدید آمد و دو امپراطوری رقیب خرد شده و از بین رفتند و تمدن اسلامی با گذر از تمدن هندی به دروازه‌های تمدن چینی رسید. اینک حجاب جزئی از فرهنگ الهی و تمدن اسلامی است. وجود حجاب به صورت پدیده‌ای فراگیر بین مسلمانان، نشانگر این است که فرهنگ اسلامی در عرصه تمدنهای جهانی از موقعیت و جایگاهی نیرومندی برخوردار است. از طرفی کاهش جلوه حجاب نمایانگر این است که فرهنگ اسلامی در رقابت و مبارزه طلبی با دیگر فرهنگها ناتوان شده است و رواج بی‌حجابی دلیل بر پیروزی دیگر فرهنگها و تمدنهای غیراسلامی است. تمام قصه این است که امروزه تمدن اسلامی رودرویی دیگر تمدنها می‌ایستد و نشانه‌های اسلام و دین که حجاب نیز یکی از آنهاست، همه پایدار و پابرجا می‌ماند و یا چیزی از فرهنگ و تمدن اسلامی باقی نخواهد ماند. بی‌حجابی پدیده خطرناکی است که به ما اعلام خطر می‌کند؛ خطر از بین رفتن موقعیتهای تازه‌ای از فرهنگ اسلامی به نفع تمدنهای دیگر را. این زمانه نیست که دعوت به رقابت می‌کند، بلکه تمدنهای عصر یکدیگر را به مبارزه می‌طلبند، حجاب با دستاوردهای زمانه، اختراعات، سیطره بر علوم و فنون و صنایع ناسازگار نیست. مبارزه طلبی تمدنهای دنیا به این معنی است که آیا دستی که ابزار روز را به خدمت می‌گیرد به اسلام ناب محمدی (ص) پایبند است یا خیر؟ و اگر این امکانات دست یک زن است، آیا با حجاب است یا بی‌حجاب؟ غرب با این مسأله مخالف است. اما در جهان اسلام مهم‌ترین چالش که حجاب با آن روبروست این است که گفته می‌شود در گذشته زن از وابستگی اقتصادی و اجتماعی به مرد رنج می‌برد، ولی زندگی خانوادگی پابرجا بود و چند همسری رواج داشت. جامعه اسلامی از سنگینی مهریه‌ها دچار مشکل شد، اما باز هم بنیاد خانواده پابرجا بود، ولی امروزه دنیای اسلام به آداب و رسوم غربی گرفتار شده، از جمله آزادی، با معنی‌هایی که از نظر غرب

دارد آزادی در پوشش و خوراک و آشامیدن و مصرف. بی‌اعتنایی به حجاب پیدا شد و همزمان با رواج غرب‌گرایی به شکلی وحشتناک عزوبت‌ها و بی‌همسری‌های طولانی یا همیشگی را در پی داشت. در این شرایط ازدواج دیر هنگام، جزئی از زندگی مرد و زن جامعه اسلامی شده، چیزی که در کشورهای اسلامی سابقه نداشته است. در چنین شرایطی برگ برنده حجاب آن است که همچون راهکاری برای ازدواج به هنگام مطرح شود. به زعم نگارنده بی‌حجابی علت اصلی و قطعی تجردهای طولانی یا همیشگی و ازدواج‌های دیر هنگام در کشورهای اسلامی است. بی‌حجابی باعث بی‌توجهی مرد به زن به عنوان یک همسر شده و دیگر زن نه به عنوان همسر بلکه به عنوان یک دوست برای او مطرح است. زن برای مرد رؤیایی بود که جز با ازدواج شرعی تحقق نمی‌یافت، اما امروز به دلیل پدیده بی‌حجابی و برهنگی قسمتهای بسیاری از بدن و آرایشهایی که جز برای شوهر انجام نمی‌شد و زیبایی زنانه در دسترس همگان و همه جا هست. و مصیبتی که از این رهگذر پدید آمده گریبان زن و مرد را به یک اندازه گرفته است. و اگر وضع به همین روال پیش رود نتیجه درست همان خواهد بود که اکنون در غرب است. آیا حجاب می‌تواند آثار این مصیبت بزرگ را بزدايد. بدین گونه، چالشهای زمان در برابر حجاب را می‌فهمیم و مشکلاتی را که یا باید حجاب آن را حل کند یا در برابر آن به زانو درآید. حجاب اصالت‌گرایی است، و بی‌حجابی تقلید هیچ کس منکر آن نیست که وضع حجاب در جهان اسلام به جایی رسیده که اگر یک زن مسلمان با حجاب کامل اسلامی ظاهر شود انگشت نما خواهد بود، چنان که در گذشته نه چندان دور، بی‌حجابی این گونه بود. چرا چنین وضعی پیش آمده است: پاسخهای گوناگونی مطرح است که هر یک از نقطه نظر خود درست است، اما این گونه می‌توان پاسخ داد این همه یک علت دارد با نمودهای گوناگون: پیروی از غرب که به صورت فشارهای روانی و اجتماعی بر زن مسلمان نمودار می‌شود. آنچه گفته شد در همه زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دیده می‌شود. بنابراین جامعه اسلامی به جامعه‌ای دنباله‌رو، مقلد و خوار و ذلیل تبدیل شده، مگر آن که خداوند رحمی کند. پس از بررسی نظری مشکل، از عوامل فشارهای روانی و اجتماعی که سبب پس رفت حجاب در جهان اسلام شده سخن می‌گوییم. یک ابزارهای تبلیغی ۹ الف. رسانه‌های تبلیغی مانند روزنامه‌ها، نشریات، رادیو و تلویزیون تلاش گسترده‌ای در جهت نشر خبرهای مربوط به فروشندگان لوازم آرایشی، تبلیغ کالا، ملکه‌های زیبایی، بازیگران، خوانندگان، رقاصه‌ها و ... و دارایی‌ها و درآمدهای افسانه‌ای آنها دارند. نیاز به شاهد آوردن نیست، یک بار مراجعه به هر نشریه هر چند بسیار وزین در سطح کشور (لبنان یا دیگر کشورهای عربی) یا شنیدن یک برنامه، درستی یا نادرستی این ادعا را اثبات می‌کند. و این چنین است که ثروت را در گرو برهنگی معرفی کرده‌اند. ب. با وجود رسانه تلویزیون، برای رسیدن به این هدف که فرهنگ برهنگی جزئی از زندگی روزمره شود، دیگر نیازی به برنامه‌های خاص و فیلمها و تبلیغات و ترانه‌ها ... نیست. البته نقش ویدئو و آنتن‌های ماهواره را در راستای این فرهنگ نباید از یاد برد. طبیعی است که هر وسیله تبلیغاتی بر کسانی که آن را می‌بینند و از آن پیروی می‌کنند، به طور مستقیم و غیرمستقیم اثراتی می‌گذارد که در خیابان، دانشگاه و کارگاه‌ها دیده می‌شود، جایی که فرهنگ برهنگی به عرفی رایج تبدیل شده است. ج. فیلمها و برنامه‌های تلویزیونی در کشورهای اسلامی، معمولاً حجاب را همراه با بیچارگی و فقر نمایش می‌دهند؛ زنان پست و ناتوان، خدمتکار، زندانی و بدکاره‌های شکست خورده را به صورت زنان با حجاب نشان می‌دهند و زنان سرشناس و ممتاز را با لباس شنا ... و در هیأت بانوی خانه و مسؤول مراکز و خوشبخت و سرشناس و موفق و تحصیل کرده و مدیر نشان می‌دهند. بدین ترتیب توانایی، موفقیت، علم و دانش با برهنگی توأمان می‌شود که نتایج این گونه تبلیغات نیز روشن و واضح است. د. چه بسا در پخش اخبار ملاحظه می‌کنیم که بی‌حجابی با جاه و مقام نیز ربط دارد! بدین گونه که رؤسای جمهور، وزیران، نمایندگان، کارفرمایان و زنان با شخصیت و مؤثر در تشکلهای و افراد فعال در عرصه‌های اجتماعی و امور خیریه، همسران سیاستمداران، کارمندان، دانشمندان، ادیبان، همه و همه زنانی بی‌حجاب‌اند که با کمترین پوشش و با جواهر آلات زینتی زنانه به نمایش در می‌آیند. ه. گاه بی‌حجابی با شعف و شادی و خوشبختی نیز همراه می‌شود، بدین گونه که در مجلات هنری، زندگی

هنرپیشه‌ها، ستاره‌های تئاتر و رادیو و تلویزیون و سینما و ورزش پر از سرمستی، سفرهای هوایی و گردشها و خوشگذرانی‌ها همراه با برهنگی و بی‌بندوباری عرضه می‌شود. و شبکه‌های تلویزیونی در بین روز و در ساعات کار مردان، برنامه‌های شگفت و هیجان‌آوری ویژه زنان پخش می‌کنند که یکسره به دست غربزدگان ساخته شده‌اند. راه حل مشکلات زنان را با عناوینی مانند امور مربوط به زن، مشکلات زنان، زن و قانون و... مطرح می‌کنند که به طور غیرمستقیم زن را جذب غرب می‌کند. ز. از سویی، بی‌حجابی با توانمندی و جوانی ارتباط داده می‌شود. در مجلات ورزشی فراوانی قهرمانان ورزشی زن را همانند شخصیت‌های افسانه‌ای به تصویر می‌کشند. بدون توجه به پیامدها و آثار منفی آن بر جسم زن و اینکه چگونه با قدرت و خشونت دست و پنجه نرم می‌کنند. و در این بین توجه او را به لباسهایی جلب می‌کنند که از بین برنده حیا است، بدون اینکه در این رهگذر اشاره‌ای به بیماریها و آسیبهای موجود در میان این گونه ورزشکاران شود. دو سستی در پابندی به حجاب و تشویق آیندگان به بی‌حجابی. سه. توسعه و ترویج مراکز خوشگذرانی، مانند سالنهای ورزش، رقص، شنای مختلط، کافه‌ها و هتلها و... چهار. پیوند دادن آزادی به بی‌حجابی، تحصیل و کار (استقلال اقتصادی زن) از سالهای متمادی و با ابزارهای گوناگون. پنج. ناآشنایی بسیاری از زنان با حجاب کامل اسلامی. بسیاری با حجابی ناقص و اندک دیده می‌شوند و تصور می‌کنند حجاب کامل اسلامی همین است. شش. اهمیت ندادن مرد به حجاب زن که بر اثر آن زن نیز به حجاب بی‌اعتنا می‌شود. اگر حجاب نزد مرد مطلوب باشد، نزد زن نیز مطلوب خواهد بود. مردان با غیرت، زنان با حجاب دارند. هفت. مبارزات بسیاری از سازمانها و ارگانهای به ظاهر اسلامی با حجاب به ویژه و با دین و ایمان به طور عام، از راه تلاش در اشاعه بی‌بندوباری، بدون اینکه ذره‌ای مورد تعرض و بازخواست قرار گیرند. خلاصه اینکه فرهنگ برهنگی، با شهرت، ثروت، اقتدار، توانمندی، دانش، شگفتی‌آفرینی، قهرمانی و حمایت‌های حکومتی پیوند داده شده است. آیا چنین جامعه‌غریزده‌ای زن محببه را زیر فشار قرار نمی‌دهد؟! در جامعه‌ای که غرب‌زدگان می‌خواهند مشکلات را حل کنند و به برهنگی فرامی‌خوانند و از هر سو دروازه‌های عریانی گشوده می‌شود و اقتصاد و سیاست و تبلیغاتش غرب زده است، چگونه می‌توانیم از زنان بخواهیم که دنباله‌رو دیگران نباشند و به اصالت خود و به زن بودن و مسلمان بودن خود بازگردند. در جامعه ما که در همه ساعات روز و همه روزهای سال از فرق سر تا ناخن انگشت پا دنباله‌رو غرب است، چگونه از زن بخواهیم که اصیل باشد. برای حل مشکل زن و مشکل حجاب و رهاسازی او از اسارت تقلید از غرب باید همه جامعه از بند تقلید غرب رها شوند و به اصالت خود بازگردند. حجاب، آزادی، تحصیل، کار، استقلال و اقتصاد یکی از خطراتی که امروزه زندگی ما را تهدید می‌کند، تلاشی است که دشمنان اسلام و انسانیت در غافلگیر کردن ما دارند. امروزه در نتیجه توسعه و پیشرفت ابزارهای تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی، مسأله غافلگیری جزئی از زندگی ما شده است که به صورت شعارها و مفاهیم انسانی مرموزی در پس پرده با اهدافی پلید و پست مطرح می‌شود. در این زمینه دو نکته درباره حجاب زن مطرح می‌شود: نکته اول ۱۰ زن باید از دوره محرومیت آزاد شود، دانش بیاموزد و کار کند تا از نظر اقتصادی و اجتماعی از مردان بی‌نیاز باشد، بانویی آزاد و بزرگوار، نه فردی دنباله‌رو، خوار و بی‌ارزش. تا زمانی که دختران جوان بی‌سواد باشند و به مدرک علمی دست نیابند و خود هزینه زندگی خود را با کار به دست نیاورند همواره زبون و بی‌ارزش خواهند بود! پیش از هر چیز، نخست باید معانی این واژه‌ها به خوبی روشن شوند: دوره محرومیت، کار، استقلال اقتصادی، آزادی، بی‌سواد، دانش، خواری و... دوره محرومیت: توضیح این واژه پیش از این گذشت، مراد از آن همان روزگاری است که زن در عرصه اقتصادی و اجتماعی طفیلی مرد بود، زیرا زن تحصیل کرده و کارورز نبود تا هزینه خود را تأمین کند. کارورزی: به معنای فعالیت اقتصادی است که درآمدا باشد. استقلال اقتصادی: معنایی واضح دارد، از خلال سخن این گونه بر می‌آید که استقلال اقتصادی آزادی یا زمینه آزادی است. بی‌نیازی اقتصادی زن از دو راه فراهم می‌شود، تحصیل و دستیابی به درجات عالی علمی، و کار و فعالیت اقتصادی. زن تحصیل کرده و کارمند آزاد است و در امور مالی نیازی به مرد ندارد. این خود استقلال اجتماعی را نیز به دنبال می‌آورد. این سخن را بسیاری از

فرزندان جامعه اسلامی که اکنون خود صاحب فرزند و نوه هستند شنیده و پذیرفته اند. اما حقیقت این گفتار چیزی جز مغالطه - به اصطلاح اهل فن و تحلیل منطقی - نیست ۱۱ زیرا: الف. ریشه این سخن یک اصطلاح و جریان تاریخی است به نام دوره محرومیت و داستانی که پس از سقوط دولت عثمانی به وجود آمد. نیازی به سخن گفتن از جریان (حرم‌لک) نیست که از ابتدای تاریخ بر عالم حکومت می کند، یا یادآوری نقش زن در فرهنگها و تمدنها، یا این نکته که تبلیغات غربی از یک ماجرای کوچک، افسانه ای بزرگ می تراشند، تا بر اساس منفعت خود، شیطان را معیار همه چیز نشان دهند. ب. این ادعا نوعی دگماتیسم است، ۱۲ به این بیان که نسبت بین آزادی و استقلال اجتماعی یکی است ۱۳. یا به تعبیر اهل منطق، هر زن آزادی کار می کند و هر زن زبون و بی ارزشی غیر کارمند است. شاید مقصود این است که آزادی لازمه ذاتی کار کردن است ۱۴ و جز با آن به دست نمی آید. گویا ایشان اصرار بر این دارند که حقیقت آزادی همسان استقلال اقتصادی است، همان گونه که اهل منطق در مورد انسان می گویند: انسان حیوان ناطق است، پس در نهایت آموزش ضروری شمرده نشده و تنها ملاک آزادی همان فعالیت اقتصادی قلمداد شده است. طبیعتاً علت این تغییر در نظریه این است که در این روزگار - جز موارد اندک - زن درس نخوانده و بی سواد پیدا نمی شود. یا اگر هم هست در سنین بالا هستند و نمی شود آنها را با چنین سخنانی به بازی گرفت. در حقیقت، نادانی، آزادی، کار و استقلال اقتصادی معانی متخالفی هستند ۱۵ که گاه ممکن است همه در یک زمان و مکان در یک مصداق جمع شوند و گاهی نیز هیچ کدام نباشند. پیش از اینکه بگوییم چه معنایی از این مطالب برداشت می کنیم، بایستی گفت فراخوانی زن به اشتغال آن گونه که غرب و پیروانش مطرح می کنند، هدفی جز بیرون آوردن زن از خانه اش ندارد، خواه این زن، دختر باشد یا همسر و یا مادر. داوری درباره درستی این تحلیل در پایان این نوشتار روشن خواهد شد. به نظر ما جهل به معنای ناتوانی در خواندن، نوشتن و کسب مدارج عالی نیست. با اینکه بر سر سخن رسول اکرم (ص) در لزوم علم اندوزی مرد و زن هیچ اختلافی نیست، زیرا در لزوم اطاعت آن همین بس است که امر از منصب نبوت صادر شده است. اما با این حال نباید فراموش کرد که دعوت به علم اندوزی مقدمه ای است برای رهایی از جهل و نادانی و رسیدن به درجه معرفت، نه دانش فقط. اگر علم برای غیرمسلمان، هدف نهایی به شمار می رود، برای مسلمان جز مرحله ای ابتدایی و مقدماتی نیست، تا انسان از آن به عنوان پایه و پله آغازین برای رسیدن به معرفت بگذرد. از نظر اسلام، علم اندوزی مرد و زن، مرحله ای اندک در رسیدن به کمال انسانی است که به عنوان اولین پله و گذرگاه برای رسیدن انسان به مقام شناخت خود و خدا و اسرار و رموز هستی لازم است. جهل، حالتی است که انسان را از پاسخگویی این پرسشها ناتوان می سازد: انسان کیست؟ حقیقتش چیست؟ این هستی چیست؟ سرانجام آن کجاست؟ از کجا به کجا؟ چرا؟ چگونه؟ کی...؟ ۱۶ ممکن است انسانی بدون خواندن و نوشتن به پاسخ این پرسشها از انسان و هستی دست یابد. اما خواندن و نوشتن و درجات عالی، مقدمات بالا رفتن از پلکان معرفت است. هر کس بیشتر بداند و برای رسیدن به معرفت بیشتر تلاش کند، معرفتش بیشتر خواهد بود. نادان کسی است که خود، خدای خود و اسرار هستی را نشناسد. علم و معرفت آن است که انسان، خود و خدا و اسرار هستی را بشناسد. با این بیان معنای آزادی قابل فهم می شود: آزادی، عقل و اراده است که می توان از دو راه آن را تبیین کرد: اول. معنای عرفی آزادی آن است که برجان و مال و آبرو و ناموس مردم و امنیت و آسایش ایشان (با دروغ و فریب و پنهان کاری) تجاوز نشود، و دیگر هر کاری که خواست انجام دهد. دوم. معنای شرعی و دینی آزادی آن است که ترک واجب و انجام حرامی در رابطه با مردم، خود و یا خدا از انسان سر نزنند. ذلت نیز به یکی از دو معنی است: یا اینکه انسان حق را می شناسد و از حق گویی و درست کرداری بازداشته می شود. و یا اینکه حق را می شناسد و از حق گویی و درستکاری خودداری می ورزد. ذلت به معنای بی اراده بودن در مسیر حق گفتن و درست عمل کردن است. در هر صورت گاهی انسانی که از نظر مالی و اقتصادی بی نیاز است خوار و ذلیل است، و گاهی انسان فقیر، آزاد و بزرگووار است. گاه فرد درس نخوانده عارف است و گاه انسان تحصیل کرده نادانی بیش نیست. آزادی، عقل و اراده ای است که از جمله دستاوردهای آن بی نیازی اقتصادی است. پس این سخن که تنها بی

نیازی مالی است که به انسان آزادی می دهد، درحقیقت ارزش دادن به ثروت بیش از عقل و اراده است. و البته این در غرب سخن شگفتی نیست، زیرا انسان غربی تمدن او تمدن مادی است. نکته دوم زن نیمی از جامعه است که اگر کار نکند نیمی از توانایی تولید جامعه هدر می رود و موجب از کارافتادن چرخه پیشرفت اقتصادی جامعه می شود. در مورد قسمت اول شبهه باید گفت: اینکه زن نیمی از جامعه است، تنها نیمی از حقیقت مطلب است، نه تمام آن، حقیقت کامل این است که وقتی زن در خانه پدرش باشد، نیمی از جامعه به شمار می رود، اما وقتی که در خانه همسرش قرار می گیرد او بیشتر از نصف جامعه است، زیرا ناکامی ها و توفیقات مرد، در سطح گسترده و غیرقابل انکار وابسته به زن خواهد بود. پس زن در حالی که خود نیمی از جامعه است تأثیر مهمی بر نیمه دیگر جامعه دارد. و بخش دیگر حقیقت این است که به محض اینکه زن مادر شد، او یک جامعه جداگانه و کامل می شود. از این رو می توان گفت زن نیمی از جامعه و مادر یک جامعه کامل است. پس زنی که فرزندان را به مهد کودک می سپارد و یا صلاحیت تربیت نسل آینده را ندارد، یک جامعه کامل را نابود می کند. زبانی که از تولید نداشتن یک زن کارمند، امروزه متوجه جامعه می شود بسیار ناچیزتر از آسیبی است که در آینده به یک جامعه کامل وارد می شود. پس این ادعا که: (عدم اشتغال زن موجب از بین رفتن نیمی از توان تولید جامعه می شود) بایستی در کنار مسأله تربیت فرزندان، حفظ بنیان خانواده و حمایت از یک جامعه کامل در آینده سنجیده شود. در حقیقت ادعاهای یادشده هیچ هدفی جز بیرون کشیدن زن از خانه اش در بیشتر ساعات روز به بهانه فعالیت اقتصادی ندارد. البته در اینجا دیگر نیازی نیست که به بررسی محیطهای کار و مؤسسات عمومی پردازیم و سخن از اتفاقاتی که در راه رسیدن به درآمدهای فردی و اجتماعی در داد و ستدها رخ می دهد به میان آوریم. زنی که بیشتر ساعات روز را در فضایی تحت حاکمیت مردان سودجو از هر راه ممکن (دروغ، نیرنگ، فریب، سخنان آن چنانی) به سر می برد، ارزشی جز به اندازه ابزارآلات تولید کننده و سرمایه های عرضه شده که مرتباً دست به دست می شوند ندارد. حالت روحی و روانی چنین زنی که در این فضاها به سر می برد چگونه خواهد بود وقتی که به خانه بر می گردد، چه کسی در ساعات نبود او کودکانش را تربیت می کند؟ اسلام و فعالیت اقتصادی زن مطلب قابل توجه این است که اسلام به پابندی به حجاب دستور می دهد و زن مخاطب اسلام، بایستی محجبه باشد. زن با پابندی کامل به دستورات اسلام بویژه حجاب می تواند به فعالیت اقتصادی پردازد. دیدگاه اسلام نسبت به اشتغال زنان عیناً همان نظری است که نسبت به کار مردان دارد. احکام حلال و حرام و مباح اسلام در همه زمینه ها یکسان است ۱۷ و هیچ ایرادی به اصل فعالیت اقتصادی زن - البته در کارهای مجاز - نیست. در موارد مجاز کار و کسب، در هیچ جای شریعت گفته نشده که این کار برای برخی جایز و برای دیگران حرام است. جز همان مواردی که خداوند بر مرد و زن به طور یکسان حرام کرده است. تمام فریادهای آزادی خواهی و خودکفایی اقتصادی و نسبت حجاب با کار اقتصادی زن را می توان از نظر اسلام در موارد زیر خلاصه کرد: الف. زنان باید در مقابل مردان (به جز شوهر و محارم) به حجاب اسلامی پایبند باشند. ب. هر کاری که از اشتغالات غیرمجاز نباشد و از گستره معاملات اقتصادی ذکر شده در رساله های عملی خارج نباشد، برای مردان و زنان جایز است. اکنون چه نسبتی میان حجاب و کارکردن، یا حجاب و آزادی، و یا آزادی و اشتغال وجود دارد؟ قرآن کریم در این باره آیاتی دارد: ۱. (للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن) نساء/۳۲ مردان را از کارکردن خویش بهره ای است، و زنان را نیز بهره ای از کارکردشان. سید فضل الله در کتاب (من وحی القرآن) سخنی لطیف دارد: (انسان بدون تلاش نمی تواند دسترنج دیگران را بدون حق طلب کند، زیرا این حق که فرد برای خود قائل می شود، هیچ پایه و اساسی ندارد). ۱۸ سخن بر سر مرد تنها نیست، بلکه مسأله کسب و کار مطرح است. زنان نیز مانند مردان همین حق را دارند. آنان نیز مالک ثمراتی هستند که از رهگذر تلاش اقتصادی در هر زمینه ای به دست می آورند. هیچ کس نمی تواند این حق را از ایشان بگیرد یا به ناحق آن را به خود اختصاص دهد. ۲. (یا ایها الذین آمنوا لایحلّ لکم أن ترثوا النساء کرهاً) نساء/۱۹ ای مؤمنان بر شما روا نیست که از زن برخلاف میل آنان ارث برید. ۳. (و اتوا النساء صدقاتهنّ نحلهً فإن طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه هنیئاً مریئاً) مهر زنان را با خوشدلی به

ایشان بدهید، ولی اگر چیزی از آن را با طیب و خوشی خاطر به شما بخشیدند، آن را نوشین و گوارا بخورید. اسلامی که حجاب را بر زن واجب کرده است، اختصاص یافتن درآمد تلاش اقتصادی زن به خود او را نیز معتبر دانسته است. طبیعی امر برای هر انسانی نیز همین است. پس جای هیچ خرده گیری نیست که آیا زن سزاوار حقوق مالی خود هست یا خیر. بلکه قرآن گام پیش می نهد تا به مرد بگوید، حقوق مالی زن را غصب مکن. این قرآن است که به چنین حقی اعتراف دارد و اسلام گذشته از اینکه کار زن را انکار نمی کند، خود به پاس داشتن آن امر می کند. نگرش دقیق و دور از حاشیه روی و تعصب ورزی در مورد آیات مربوط به زنان، انسان را وادار می دارد که اعتراف کند اسلام در بسیاری از عرصه های حقوق زن پیشگام است که حجاب یکی از آنهاست و قرآن امر به حفظ آن می کند. با همین دقت و نگاه دقیق به تبلیغات غربی در جهت طغیان و سرپیچی و استقلال زن مسلمان و زن غیر غربی به صورت عام به همان شیوه غربی و غافلگیرکننده که با دو مثال بیان شد، هر انسانی وادار به اعتراف به این مطلب می شود که هدف از این تبلیغات، اغفال گری زن و فروپاشی حیات خانواده و جامعه است. چنان که در غرب نیز چنین است. سخن آخر در باب اشتغال زنان کار کردن زن با حفظ حجاب هیچ ناسازگاری ندارد و این دو ضدین نیستند ۱۹. ممکن است زنی هم با حجاب باشد و هم کارمند، و یا کارمند باشد و بی حجاب. چنان که ممکن است پای بند به حجاب باشد، و کار نکند و یا هم بی حجاب باشد و هم بیکار. تلاش در ربط دادن هر یک از این دو موضوع به دیگری یا یکی را دلیل و لازمه دیگری دانستن، فریبکاری آشکار و روشن است، بنابراین باید گفت: یک. حجاب با کار کردن زن در عرصه های کاری زیربه عنوان نمونه - و نه ذکر همه زمینه ها - هیچ ناسازگاری ندارد. ۱. پزشکی، در رشته زنان و یا کودکان. ۲. تدریس. ۳. کار کردن در هنرهای تجسمی، تزیینی و یا صنایع دستی. ۴. فعالیت در عرصه های علمی، ادبی، پژوهشهای تاریخی و سیاسی و... هرگاه زن به این کارها علاقه داشته باشد و یا از خود ابتکاری نشان دهد و یا نقطه ضعفی را پوشش داده و جبران کند، در فضاهای علمی و اخلاقی و دور از مشاغل بی ضابطه و قانون، نمی توان او را از فعالیت در این موارد نهی کرد. دو. تا زمانی که کسی عهده دار هزینه زن نباشد و یا درآمد او کفاف گذران زندگی اش را نکند هیچ ایرادی بر اشتغال زن نیست، البته تا آن گاه که زبانی بزرگ تر از نیاز مادی را در پی نداشته باشد. اما اگر مردی باشد که عهده دار هزینه باشد و زن با کار کردن فرصت شغلی را از یک مرد بگیرد، باید دید از میان جامعه های زیر کدام یک بهتر است: - جامعه ای که در آن زن در خانه می نشیند و مرد تمام طول روز را به کار می پردازد. - جامعه ای که در آن مرد و زن نیمی از طول روز را کار می کنند در حالی که عده ای از مردان بیکار هستند. - جامعه ای که زن در آن تمام روز را کار می کند و در این بین مردان از بیکاری به جرم و خیانت و خلاف قانون دست می زنند. سه. حجاب با کار زن در زمینه های عرضه لباس، تبلیغات، پیش خدمتی در رستورانها، مراکز تفریح و خوشگذرانی و مراکزی که در پی عرضه و گسترش زیبایی زن هستند ناسازگار است. چهار. هر کاری که زن به جای تربیت فرزندان و استحکام بخشی بنیان خانواده برمی گزیند، زیانهایی به بار می آورد که خانواده و جامعه تاوان آن را می پردازند. پیامدهای منفی این خسارتها در خانواده ها و جامعه های گوناگون، متفاوت است. اما در هر صورت این نسل جدید است که بیشترین تاوان را می پردازد با آن که گناه را او مرتکب نشده است. باید نسبت به هر دعوتی هشیار باشیم، آن را بفهمیم و امور را با هم در نیامیزیم. هر فراخوانی درخور کنکاش نیست، باید در باورها، اصول ارزشی و یا اندیشه ها و مفاهیم وارداتی اندیشید. خداوند متعال می فرماید: (فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِینَ یَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فِیْئَبْعُونَ أَحْسَنَهُ أَوْلَئِکَ الَّذِینَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أَوْلَئِکَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ) زمر/۱۶-۱۷ به آن بندگانم که سخنان را شنیده و سپس از بهترینش پیروی می کنند بشارت بده. ایشانند که خدایشان هدایت کرد و ایشانند صاحبان خرد. راهکارهای ترویج پدیده حجاب در پرتو دستاوردهای جدید نخستین چیزی که در برابر مجموعه ای از مشکلات به ذهن انسان خطور می کند، این است که ابتدا باید این مشکلات را درجه بندی کرد و خطرناک ترین را شناخت، سپس به طور جداگانه شروع به حل هر یک از مشکلات کرد. و گاه ایجاب می کند که راه حل کلی اندیشیده شود و بی درنگ اقداماتی انجام شود و پس از حل یک مشکل، به مشکلات کوچک تر

پرداخته شود. نگارنده نمی‌تواند مشکل بی‌حجابی را در ردیف مشکلات درجه اول امت اسلامی قرار دهد، ولی بر این باور است که استمرار بی‌حجابی به گسترش آن می‌انجامد و سرانجامی وحشتناک همانند غرب را در پی دارد. زواج و گسترش الکل، مواد مخدر، بی‌بندوباری، خشونت، جرم و جنایت و بیماریهای خطرناک و ... در جامعه اسلامی. امروزه بازگشت به حجاب اسلامی و رسیدن به آن به عنوان یک هدف، برچند محور پیشنهادی استوار است که ترتیب زمانی ندارند، بلکه همه موارد در حل مشکل بی‌حجابی در یک ردیف قرار دارند: ۱. محور بررسی‌های تئوریک و آماری؛ ۲. محور تبلیغات؛ ۳. محور تربیت؛ ۴. محور عمل. یک. در سطح نظری به پاداشتن مراکز تحقیقاتی اسلامی با جدیدترین امکانات پژوهشی در عرصه اطلاعات یا دستگاه‌ها و تجهیزات و کادرها و طرحهایی که مهم‌ترین آنها عبارتند از: الف. گردآوری و بررسی هر آنچه مربوط به شؤون زن در روزگار کنونی است. ب. گردآوری همه مدارک مربوط به زن مسلمان از آغاز پیدایش پدیده غربزدگی تاکنون، اعم از کتابها، مجلات، مقالات، تبلیغات و نمایشنامه‌ها و فیلم‌ها. ج. معرفی شخصیت‌های بزرگ از زنان مسلمان و غیرمسلمان و مقایسه آنها با یکدیگر و انتشار نتایج این سنجش (که برتری زن مسلمان را به اثبات خواهد رساند). د. بررسی انواع و روشهای تبلیغی درباره زنان از هرگونه منبع و مرکزی که عرضه شده باشد، و همچنین نقد و ارزیابی آن و سپس اعلام نقاط قوت و ضعف آن، به جای آن که امت اسلامی در برابر این فراخوان‌ها تنها گذاشته شوند. ه. پس از نتیجه‌گیری از پژوهشهای یادشده، خط‌مشی‌هایی تعیین شود در جهت عکس‌برنامه‌هایی که برای تضعیف حجاب از آغاز تهاجم فکری و فرهنگی و نظامی و اقتصادی در کشورهای ما اجرا شده است. دو. در عرصه تبلیغات الف. آگاهی‌یافتن از هر طرح و برنامه‌ای که مربوط به زن است پس از بررسی و نقد این دستاوردها و در نهایت به کارگیری هرگونه ابزار تبلیغاتی ممکن برای طرح اندیشه‌های پاک اسلامی در مورد حجاب. ب. تأسیس مراکز تبلیغاتی اسلامی مجهز به جدیدترین امکانات تبلیغاتی و به کارگیری همه شیوه‌های تبلیغاتی، روزنامه‌ها، مجلات، نوار کاست، ویدئو، فیلم، کتاب، قصه، شب‌شعر و ... که موجب استحکام فرهنگ اسلامی و حجاب شود. سه. در محور تربیت و پرورش الف. باید نسل گذشته را که عهده‌دار تربیت نسل آینده است مخاطب قرار داد و به ضرورت حجاب فراخواند، زیرا بی‌اعتقادی نسل گذشته که مرییان نسل جدیدند، به حجاب به این نسل نیز منتقل می‌شود. ب. وادار کردن مردان به اهمیت دادن به مسأله حجاب. ج. بازگشایی مهد کودک‌هایی که کودکان را بر خلاف تربیت غربی پرورش دهند. د. گشایش مدرسه‌هایی با فضای اسلامی مناسب و شیوه‌های تدریس معتبر. ه. فراگیری علوم انسانی و اجتماعی از سوی زنان مسلمان تا همچون نمادی بلورین در برابر زن غرب زده مطرح باشند که اندیشه‌های غربی را با عنوان لائیک و بی‌دینی مطرح می‌کند. و. آشنا کردن زن مسلمان با زندگی بسیاری از زنان سرشناس غرب که به تنهایی و در انزوای از جامعه زندگی کردند. ۲۰. آیا زن مسلمان می‌پذیرد که چنین زن گوشه‌گیر و منزوی الگوی او شود؟ یا اینکه زن مسلمان موفقیت را کنار زندگی طبیعی ترجیح می‌دهد، نه موفقیتی که به قیمت انزوا و گوشه‌گیری در زندگی بشری وی تمام شود. چهار. در مرحله عمل الف. بایستی دختران مسلمان را در گذران اوقات فراغت و تفریح، راهنمایی کرد. زیرا دختران غربی برای آسایش، لذت بردن و خوشگذرانی امکانات فراوانی را در اختیار دارند. اما دختر مسلمان می‌خواهد پایبند به حجاب اسلامی باشد و آن را کنار نگذارد و نمی‌خواهد اوقات فراغت خود را در جاهایی بگذراند که درهای غربزدگی بر روی او گشوده و آماده است. ب. بایستی به زن فهماند که زنان ممتاز و با حجاب و نمونه در فعالیتهای علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود دارند و بدانند که حجاب با یک زندگی موفق و پیروزمند منافاتی ندارد. ج. مطرح کردن حجاب به عنوان پیش‌درآمد روابط جنسی در ازدواج، و این چیزی است که طبع و فطرت آدمی می‌پسندد و اینکه بسیاری از تبلیغات و جنبشهای دینی و اجتماعی در تاریخ بوده‌اند که به خاطر دعوت به بی‌بندوباری سقوط کرده و از بین رفته‌اند و بی‌حجابی مقدمه تاریخی بی‌بندوباری است، یعنی اینکه پایان راهی که نقطه آغاز آن بی‌حجابی است، بی‌بندوباری خواهد بود. د. مطرح کردن حجاب به عنوان شعار و رمز تولدهای مشروع که این نیز مورد پذیرش طبیعت و فطرت انسانهاست. هیچ زن و مردی نمی‌تواند که به

سلامت نسل خود اهمیت ندهد، بجز کسانی که اختلال روانی دارند. هـ طرح حجاب به عنوان عامل از بین رفتن پدیده سقط جنین. و. مطرح کردن حجاب به عنوان عنصر اهمیت دهنده به خانواده و فرزندان از راه بی‌اعتنایی به ظواهر و صرف نظر کردن از هزینه‌هایی که از درآمد خانواده صرف خرید لباسهای جدید و مد روز می‌شود. ز. بررسی و آگاه‌سازی مردم نسبت به پیامدهای ناخوشایند بی‌توجهی به حجاب. بی‌اعتنایی به حجاب عواقب وحشتناک پنهانی به دنبال دارد و زنان را به حال و روز کنونی زنان غربی دچار می‌کند. تا زمانی که زن، جوانی و زیبایی داشته باشد که بتوان از آن بهره گرفت و کام‌جویی کرد، زندگی رؤیایی دارد، اما وقتی اینها از دست رفت راهی جز تنهایی و افسردگی نخواهد داشت. آیا حال و روز زن غربی چیزی جز این است؟ زن غربی تبلور لذت و خوشی و درآمدهای اقتصادی است، ولی با از دست دادن آنچه گفته شد به گورستان تنهایی و بی‌توجهی تبدیل می‌شود. خداوند می‌فرماید: (قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین) انعام/۱۱ بگو در زمین گردش کنید و بنگرید که عاقبت دروغ‌انگاران چگونه بوده است. آینده حجاب برای اینکه تأثیر رواج حجاب را در جهان دریابیم، بایستی جوامع بشری را به دو بخش تقسیم کنیم: - جامعه‌ای که حجاب در آن رواج دارد و بی‌حجابی در آن غیر قانونی به شمار می‌رود. - جامعه‌ای که بی‌حجابی در آن رواج دارد؛ که این جامعه خود دو گونه است: جامعه‌ای که هنوز به همه پیامدهای شوم بی‌حجابی دچار نشده است. جامعه‌ای که غرق در بی‌بندوباری و لاابالی‌گری شده است. بنابراین در واقع سه نوع جامعه وجود خواهد داشت: بیگ. نخستین جامعه‌ای که می‌توان تصور کرد و در آینده دید و ویژگیهای زیر را خواهد داشت: الف. زن که از احترام بسیار بالایی برخوردار است، زیرا مرد برای رسیدن به او جز از راه‌های شرعی و آشکارا نمی‌تواند وارد شود. ب. پنهان شدن یک پدیده؛ نابودسازی لوازم آرایشی که زن غربی برای رسیدن به آن شور و شوق فراوان دارد، در حالی که هیچ نتیجه اقتصادی برای جامعه و خانواده به دنبال ندارد. ج. پنهان شدن نمادهای ظاهری زنان به گونه‌ای که تنها توانایی‌های معنوی و علمی شناخته شوند. د. گسترش پدیده ازدواجهای زود هنگام و پایان دادن به ازدواجهای دیر هنگام و تجردهای همیشگی. دو. در این گونه جوامع، حجاب جامعه را از وضعیتی که غرب به آن گرفتار آمده دور می‌کند و رسیدن به دستاوردهای ارزشمند پای‌بندی به حجاب را برای جامعه تضمین می‌کند. سه. اما در قسم اخیر خیانتها در زندگی‌های زناشویی و روابط پنهان و آشکار پیش از ازدواج پنهان خواهند ماند و در سایه آن سقط جنین، بیماریهای جنسی و طلاقهای معلول بدبینی شوهران آشکار نخواهد شد، تا اینکه جامعه به حالت مثبت و بهتری که یاد کردیم، تحوّل یابد. سخن پایانی مرد باید بداند که موفقیت‌هایی را که به دست می‌آورد مدیون زنان پاک و وفادار است. حال چه آن زن، مادر باشد یا همسرش. اگر چه این نقش آفرینی در کسب موفقیت مردان و صفحات تاریخ پنهان باشد. زن بایستی سیره و منش زنان برجسته و در مسیر نبوت و عصمت از زمان حضرت آدم تا عصر غیبت کبری را بررسی کرده و آن را با وضع کنونی زنان از زمان شکوفایی تمدن بشری تا امروزه مقایسه کند و سپس رفتار خود را بر اساس دستاورد این بررسی تنظیم کند. کشورهای اسلامی باید از تمام تمدن و فرهنگ اسلامی، دانشها و هنرها و صنایع و آداب و... حمایت و پشتیبانی کنند و دست از حمایت تبلیغات معارض با فرهنگ و تمدن اسلامی بردارند. بر عالمان اسلامی به ویژه متخصصان علوم انسانی لازم است، برای فهم اسلام حقیقی در چنین زمانی که غرب چهره خانواده و زن را در اسلام با تبلیغات فاسد، زشت و تیره کرده، تصویری حقیقی و شفاف از زن مسلمان ارائه دهند. بایستی جامعه اسلامی در تمام جوانب زندگی حتی پوشش و اثاث منزل و شیوه گذران اوقات فراغت و دیگر امور به اصالت‌های اسلامی خویش بازگردد. پی‌نوشت‌ها: ۱. بنگرید به: آرنولد ژوزف تواین بی، مختصر در اسه‌التاریخ، چاپ قاهره، ۱۹۹۶ میلادی، ۱/۱۴. ۲. منبع معینی را نمی‌توان برای خواننده تعیین کرد، بنابراین می‌توان آن را دیدگاه شخصی نویسنده قلمداد کرد، ولی این دیدگاه شخصی، فرایند مطالعات طولانی و گوناگون درباره مسائل تمدن و جامعه مدنی است... بنابراین این می‌توانم بگویم این دیدگاه‌ها و تعریفها انتزاع شده از دیدگاه‌های متخصصان مسائل تمدن و فرهنگ و جامعه مدنی است و پی‌آیند مطالبی است که در کتابهای خود آورده‌اند. ۳. بنگرید به: آرنولد ژوزف تواین بی، مختصر در اسه‌

التاریخ، چاپ قاهره، ۱۹۹۶ میلادی، ۱/۱۴. ۴. همان. ۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ۹/۹۵، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۳۶۲ هـ.ش، به عنوان بحث فلسفی در: تفسیر المیزان، ۲/۲۶۰ تا ۲۷۸، اثر علامه طباطبایی، با نقل به مضمون. ۶. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۳ هـ.م، ۱۹۸۳ م، ۱۵۳-۷/۱۵۴. سید فضل الله سخنی در این باره دارد که لطیف و طولانی است و درخور بررسی که شایسته است در منبع مطالعه شود، و ما تنها یک نکته از آن را آوردیم. ۷. موهنداس گاندی در کتابی که به عربی با دو نام ترجمه شده است: این است مذهب من و (تمدن آنها و رهایی ما) از این موضوع سخن دارد که قابل توجه است. افزون بر دیدگاه های بسیاری که به آیین هندو مرتبط می شود، همچنین دیدگاه هایی دارد در زمینه گاوپرستی که با مذاق خواننده برخورد خواهد داشت، ولی او به خوبی می داند که چگونه از فرهنگ و تمدن و گاوها و دیگر معبودهای خود دفاع کند؛ چنان که می داند چگونه تمدن غربی را رسوا سازد. ۸. می توان افزود: آیا ذهنی که می اندیشد مسلمان است یا نه، و اگر ذهن یک زن است آیا او با حجاب است یا نه؟ آیا قلمی که در جهت مصالح نیروهای استکباری می نگارد مسلمان است یا نه، و اگر نویسنده زن است آیا با حجاب است یا نه. ۹. از تبلیغ در بندهای پیاپی سخن گفتیم، ولی به دو جهت به هیچ منبعی استشهاد نکردیم: بیک. زیرا این کار بسیار آسان است متون و رسانه های تبلیغاتی در دسترس همه ما هست. دو. زیرا در رسانه های تبلیغاتی از این دست گزارشها فراوان پخش می کنند. ۱۰. این نکته را با این مضمون و تحلیل از دهه ها پیش می بینیم و می شنویم، به ویژه هرگاه در رسانه ها و اجلاس ها و کنگره ها سخن درباره زن است. ۱۱. مغالطه یعنی (غلط و تعهد در غلط اندازی... که اگر ضعف در شناسایی و آگاهی و ذهن نباشد پیش نمی آید)، شیخ محمد رضا مظفر، المنطق، ۳/۲۴۰. ۱۲. جزمیت یا دگماتیسم در توصیف دیدگاه های تعصب آمیزی که بر پایه دلیل استوار نیست به کار می رود و بیشتر در توصیف باورهای اهل ایمان، ولی نگارنده آن را در باره دعوت بدون دلیل که بر آن باورهایی بی چون و چرا استوار می شود به کار می برد. ر.ک به: (المعنی الأكبر) قاموس انگلیسی - عربی، ذیل واژه dogm، صفحه ۳۵۵-۳۵۶، تصنیف حسن سعید الکریمی، مکتبه لبنان، ۱۹۷۸، همچنین نهج البلاغه و تعلیم الفلسفه، محمدتقی مصباح، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ ق، ۱۹۹۰ م، ۱/۵۶، آنجا که می گوید: جزمیت یعنی ادعاهای غیرتحقیقی. ۱۳. درست مانند اینکه می گوییم هر ناطق، انسان است و هر انسان، ناطق است... که برای آن درمنطق مانند ریاضی علامت (=) می گذاریم. و تعریف دو مفهوم مساوی این است که (دو مفهوم که همه افرادشان مشترک است. از اینجا می فهمیم که اینها می خواهند بگویند: هر زن آزاد کار می کند و هر زنی که کار می کند آزاد است. لازمه این سخن آن است که زنی که کار نمی کند ذلیل و پیرو است، و زن ذلیل و پیرو آن زنی است که کار نمی کند. در این باره ر.ک. به: شیخ محمد رضا مظفر، المنطق، ۱/۶۶-۶۷، ۱۴. به این معنی محال است که (س) راست باشد و (ص) دروغ. و با این حال (س) در خود (ص) را داشته باشد. این سخن که هرگاه استقلال اقتصادی زن تحقق یابد آزادی او محقق شده نمونه چنین گزاره ای است، بنابر این هر گاه آن نباشد این هم نیست. برای تحقیق درباره کلمه لانزم (تلازم) ر.ک به: الموسوعة الفلسفیه، گروهی از دانشمندان و آکادمیک های شوروی، صفحه ۴۱۰، دارالطبعة للطباعة و النشر، بیروت، ۱۹۸۱ م. ۱۵. متخالفین، متغایرین اند و می توانند در یک فرد جمع شوند اگر از قبیل صفات باشند، مانند سیاهی و شیرینی، شجاعت و کرم، سفیدی و حرارت... المنطق، شیخ محمد رضا مظفر، ۱/۴۶. ۱۶. اینها پرسشهای فراوانی هستند که قابل ارجاع به موضوعاتی مانند شناخت خدا، شناخت هدف، شناخت راه برتر زندگی انسانی اند و پاسخ این پرسشها نیز ناممکن یا دشوار نیست، افزون بر اینکه توان پاسخ دادن به این پرسشها زندگی را معنایی دیگر می بخشد... و هر انسانی فرصتهای خالی پس از ساعات تحصیل و کار برای این منظور دارد. بنابراین هر کسی می تواند در این زمینه به پژوهش پردازد به جای آن که وقت خود را هدر دهد... و دیگر اینکه این پرسشها برخاسته از فطرت است که یک انسان معمولی برای پاسخ آنها انگیزه دارد. ۱۷. با مراجعه به ابواب مکاسب و معاملات و مکاسب محرمة (معاملات ممنوع) و دیگر بابهای مربوطه در رساله های عملی که در دسترس همه هست، با چیزی به نام معاملات زنان، معاملات مردان... یا عقود مردان و عقود زنان بر نمی

خوریم. ۱۸۰۰. سید محمدحسین فضل‌الله، من وحی القرآن، ۱۹.۷/۱۴۷. ضدین دو امر وجودی که از پی یکدیگر بر یک موضوع عارض می‌شوند نه با هم، و یکی از آنها متوقف بر تعقل دیگری نیست، مانند گرمی و سردی، سیاهی و سفیدی، والایی و پستی، ترس و بی‌باکی، سنگینی و سبکی... بنابراین حجاب و کارکردن چنان که پیش از این گفتیم ضد یکدیگر نیستند، بلکه قابل اجتماع باهم اند و مخالف با یکدیگر. ۲۰. در اینجا نمونه‌ای نیاوردیم، ولی می‌توان به شرح حال این زنان موفق اما غیر معمولی و عجیب و غریب با مراجعه به بیوگرافی زنان غربی که نشریات غرب راه منتشر می‌کنند یا کتابهای خاص این موضوع یا کتابهای مشاهیر ادب و هنر... دست یافت. در این منابع چیزهایی دیده می‌شود که شرم را جریحه دار کرده مردان را نیز شرمند می‌سازد و سنگ را به گریه وا می‌دارد. اینان در واقع فروپاشی انسانیت را در پس پرده موفقیت زن پنهان می‌کنند.

پوشش زن در ادیان الهی

پوشش و عفاف از آن جهت که یک امر فطری است و برای حیات اجتماعی انسان ضرورت دارد، در ادیان و مذاهب الهی دارای جایگاه خاصی است. تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش را بر زن واجب و لازم شمرده‌اند و جامعه بشری را به سوی آن فراخوانده‌اند؛ زیرا حیا و لزوم پوشش به طور طبیعی در نهاد زنان به ودیعت نهاده شده و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریح شده است. بر اساس اصل لزوم هماهنگی و تناسب آفرینش و قانونگذاری، خداوند لباس و پوشاک را در لابلای نعمت‌های بیکرانیش به بشر ارزانی داشت ۲ و اشتیاق درونی زنان به «حجاب» را با تشریح قانون پوشش مستحکم ساخت تا گوهر هستی «زن» در صدف پوشش صیانت گردد و جامعه از فرو افتادن در گرداب فساد و تباهی نجات یابد. بدون تردید جهان بینی و انسان شناسی هر فرهنگ و مکتب، نقش اساسی و مهمی در انتخاب نوع و کیفیت پوشش دارد. ۳ بر اساس جهان‌بینی ادیان الهی که انسان خلیفه خداوند و مرکز و محور جهان هستی است و رسالت کسب معرفت و تهذیب نفس و اصلاح جامعه را بر دوش دارد و حیاتش در جهان آخرت نیز ادامه دارد، باید جسم زن و چشم مرد پوشیده گردد تا غرایز شهوانی مهار و کنترل شود و استعدادهای معنوی و عقلانی بشر در پرتو رهیافت‌های فطری و هدایت‌های وحیانی شکوفا گردد. گرچه انتخاب لباس و پوشاک بر آیند اندیشه و اراده آدمی است، ولی بر بینش و اراده انسانی نیز تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به عنوان زمینه‌ساز تعالی یا انحطاط فردی و اجتماعی نقش آفرینی نماید. در آیین زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام - که این مقاله به بررسی آنها می‌پردازد - حجاب بر زنان امری لازم بوده است. کتاب‌های مقدس مذهبی، دستورات و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان چهارگانه، بهترین شاهد و عالی‌ترین گواه بر اثبات این مدعاست. حجاب در آیین زرتشت نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند، آریایی‌ها بودند. آنان به دو گروه عمده «مادها» و «پارس‌ها» تقسیم می‌شدند. با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس‌ها توانستند دولت ماد را از بین ببرند و سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیانگذاری کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند. ۴ این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. ۵ بنابر این، در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجایی کامل برخوردار بوده‌اند. برابر متون تاریخی، در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده است و زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند، ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع نمود و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به خاطر این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد. ۶

در زمان ساسانیان - که پس از نبوت زرتشت است - افرون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته ویل دورانت پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تختِ روانِ روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است. ۷. تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشم‌گیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند. ۸. از آن‌جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت» ایران بوده است و آن حضرت در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است، با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید تا با پندهای، خود ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد. به پند و اندرزهای «اشوزرتشت» بنگرید تا تلاش وی برای تعالی و آموزش مبانی حجاب و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطنی، روشن‌تر شود؛ او می‌فرماید: ای نوع‌روسان و دامادان!... با غیرت، در پی زندگانی پاک‌منشی بر آید... ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ‌گاه گردِ دروغ و خوشی‌های زودگذری که تباه‌کننده زندگی است، نگردید؛ زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده‌ای است که با شیرینی درآمیخته و همانند خودش دوزخی است. با این‌گونه کارها، زندگانی گیتی خود را تباه مسازید. پاداش رهروان نیکی، به کسی می‌رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد و کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود. فریب خوردگانی که دست به کردار زشت زنند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش و فریاد و ناله است. ۹. گفتنی است که در دین زرتشت، لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است؛ بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش - یعنی چادر یا شتلی بر روی آن - بوده است، مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند که استفاده از سَدَرِه و کُشتی - لباس مذهبی ویژه زرتشتیان - توصیه شده است. ۱۰. البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشانند. بنا به گفته مؤید «رستم شهرزادی» پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد. در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است: «نامی زت واجیم، همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزد؛ ۱۱ یعنی همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن گاه به درگاه دادار اهورمزدا نماز می‌کنیم». بر اساس آموزه‌های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند. در اندرز «آذربادماراسپند» مؤید موبدان آمده است: «مرد بدچشم را به معاونت خود قبول مکن ۱۲». پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است. به این نمونه بنگرید: پس از فتح ایران، هنگامی که سه تن از دختران کسری شاهنشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی همچنان با نقاب، چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد تا پوشش از چهره بر گیرند تا خریداران پس از نگاه، پول بیشتری مبدول دارند. دوشیزگان ایرانی خودداری کردند و به سینه مأمور اجرای حکم عمر مشت زده، آنان را از خود دور ساختند. عمر بسیار خشمناک شد؛ ولی امام علی(ع) او را به مدارا و تکریم آنان توصیه فرمود. ۱۳. حجاب در آیین یهود همه مؤرخان، از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته‌اند ۱۴. ویل دورانت می‌گوید: گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود.... دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می‌شمردند. با این همه، تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود. ۱۵. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت. ۱۶. زندگی جنسی آنان، علی‌رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزه از خطایا بود. زنان آنان، دوشیزگانی محجوب، همسرانی کوشا، مادرانی پُرزا و امین بودند و از آن‌جا که زود وصلت می‌کردند، فحشا به حدّ اقل تخفیف پیدا می‌کرد. ۱۷. بدون تردید مبنای حجاب

در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تأکید می نمود. کاربرد واژه «چادر» و «برقع» که به معنای روپوش صورت است، در آن آیات، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می دهد. تورات تشبه مرد و زن به یکدیگر را نهی نموده، می گوید: متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این را کند، مکروه «یَهُوه» خدای تو ست. ۱۸ بی حجابی سبب نزول عذاب معرفی شده است؛ خداوند می گوید: از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می روند و به ناز می خرامند و به پای های خویش خلخال ها را به صدا می آورند* بنابراین خداوند فزق سر دختران صهیون را کُل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود* و در آن روز، خداوند زینت خلخال ها و پیشانی بندها و هلال ها را دور خواهد کرد* و گوشوارها و دستبندها و روبندها را* و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان ها و تعویذها را* و انگشترها و حلقه های بینی را* و زخوت نفیسه و رداها و شال ها و کیسه ها را* و آینه ها و کتان نازک و عمامه ها و برقع ها را* و واقع می شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موی های بافته، کلی و به عوض سینه بند، زَنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود* مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد* و دروازه های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست. ۱۹ افزون بر موارد فوق، در کتاب مقدس، وجوب پوشاندن موی سر ۲۰ لزوم پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه ۲۱، نهی از لمس و تماس ۲۲ و واژه چادر ۲۳، نقاب ۲۴ و برقع ۲۵ آمده است؛ به عنوان نمونه در مورد عروس یهودا می خوانیم: پس رخت بیوکی را از خویشتن بیرون کرده، برقی به رو کشیده و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمه است، بنشست. ۲۶ در «تلمود» اصلی ترین کتاب فقهی که به گفته ویل دورانت، اساس تعلیم و تربیت یهود ۲۷ است، نیز بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمان، لزوم سکوت زن و پرهیز از هر گونه آرایش برای سایر مردها ۲۸، پرهیز از نگاه زن به مردان بیگانه، ۲۹ اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم ۳۰ و لزوم پرهیز از هر امر تحریک آمیز، ۳۱ تأکید شده است. برابر حکم سخت گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ کتوبا (مهریه) طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی گیرد؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می کند و فی المثل بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می رود، در کوچه و بازار پشم می ریسد و با هر مردی از روی سبک سری به گفت و گو می پردازد. زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می کند و همسایگان او می شنوند که چه می گوید. ۳۲ برخوردار حضرت موسی (ع) با دختران شعیب که به آنان فرمود تا پشت سر او حرکت کرده، از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند، و نیز سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، بیانگر کیفیت شدید و سخت گیرانه حجاب نزد یهودیان است. حجاب در آیین مسیحیت مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخت؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می شد و طبق نوشته ویل دورانت، در سن بیست سالگی اجباری بود؛ ۳۳ اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد، مقدس شمرده می شد. ۳۴ بنابر این مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هر گونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هر گونه آرایش و تزئین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان - حتی برای خاتون های اشراف - ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه های زربفت آن را تزئین می نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس و یا گردش هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می جستند. انجیل در موارد فراوان، بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است؛ در انجیل می خوانیم: همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه

غیبت گو و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو* تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند* و خرداندیش و عقیفه و خانه‌نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود* ۳۵ در «کتاب مقدس» در مورد لزوم آراستگی به حیا و کنار نهادن آرایش ظاهری چنین آمده است: همچنین زنان، خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران بها* ... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد* و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود؛ بلکه در سکوت بماند* ۳۶ همچنین ای زنان، ...* و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس* بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست* زیرا بدین گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می‌نمودند. ۳۷ افزون بر موارد پیشین، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی، ۳۸ لزوم سکوت به ویژه در کلیسا، ۳۹ با وقار و امین بودن زن ۴۰ و نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان را خاطر نشان ساخته، می‌گوید: کسی که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است* پس اگر چشم راست، تو را بلغزانند، قلعه کن و از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آن که تمام بدنت در جهنم افکنده شود* ۴۱ دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی که بر اساس آن پوشاندن صورت الزامی و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ نمودن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری رانشان می‌دهد. ۴۲ در مورد سیره عملی زنان مسیحی، دائرة المعارف لاروس می‌گوید: دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد؛ وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می‌رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود. ۴۳ ویل دورانت نیز در مورد سیره عملی زنان مسیحی چنین می‌نویسد: ساق پای زنان چیزی نبود که در ملاء-عام و یا رایگان به چشم خورد.... البسه بانوان در مجالس توره، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، درازی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از مشمش ظریف و حریر زربفت ساختند... ۴۴ تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد. ۴۵ حجاب در آیین اسلام بدون شک، پوشش زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «و به بانوان باایمان بگو چشم‌های خود را فروپوشند و عورت‌های خود را از نگاه دیگران پوشیده نگاه دارند و زینت‌های خود را، جز آن مقداری که ظاهر است، آشکار نسازند و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند و زینت‌های خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، پدرانشان، پدر شوهرانشان، پسرانشان، پسران همسرانشان، برادرانشان، پسر برادرانشان، پسر خواهرانشان، زنان هم‌کیششان، کنیزانشان و مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند و کودکانی که از امور جنسی بی‌اطلاعند و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های پنهانشان آشکار شود و همگی به سوی خداوند توبه کنید ای مؤمنان؛ باشد که رستگار شوید». ۴۶ افزون بر آن، در آیات دیگر، پوشیدگی کامل اندام، ۴۷ نیک و شایسته، با وقار و بدور از تحریک سخن گفتن و دوری از آرایش‌های جاهلیت نخستین، ۴۸ توصیه شده است. در روایات نیز پوشیدن جامه بدن‌نما و نازک نزد نامحرم ۴۹، آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه ۵۰، اختلاط فساد برانگیز زن و مرد ۵۱، دست دادن و مصافحه با نامحرم ۵۲ و تشبه به جنس مخالف ۵۳ منع شده است و مردان با غیرت، ۵۴ به هدایت و کنترل همسر و دختران، عفت نسبت به زنان مردم ۵۵ و دوری از چشم‌چرانی توصیه شده‌اند. پس معلوم شد که تفاوت اساسی حجاب اسلامی با حجاب ادیان گذشته، در این است که اسلام وجوب پوشش زنان را متناسب با شئون انسان، با تعدیل و نظم مناسب و به دور از افراط و تفریط، سهل‌انگاری مضر یا سخت‌گیری بی‌مورد به جامعه بشری ارزانی داشته است. حجاب اسلامی همچون حجاب مورد توصیه پاپ‌ها، به معنای حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری از شرکت در مسایل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی

سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد تا در جامعه، غریزه آتشین جنسی تحریک نگردد؛ بلکه در محیط خانواده، این غریزه به صورت صحیح ارضا گردد. پی‌نوشت: ۱. روم، آیه ۳۰. ۲. اعراف، آیه ۲۷. ۳. شهید مطهری، جهان‌بینی توحیدی، ص ۷۵. ۴. جلیل ضیاءپور، پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان، ص ۱۷ - ۲۶ و ص ۵۱، ۵۴، ۵۶. ۵. جلیل ضیاءپور، پوشاک زنان ایران، ص ۶۴ - ۱۹۴. ۶. فرهنگ قائم‌مقامی، آزادی یا اسارت، ص ۱۰۶؛ تورات، باب استر، آیه ۱. ۷. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲. ۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۷۸ و برتراند راسل، زناشویی و اخلاق، ص ۱۳۵. ۹. یسنا، ص ۵۳، پندهای ۵ - ۸؛ به نقل از: آموزشهای زرتشت پیامبر ایران؛ رستم شهرزادی، آموزش گات‌ها، انجمن زرتشتیان، آبان ۶۷. ۱۰. «سدره» از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن، چسبیده به بدن پوشیده شود. سدره که در اوستا (ستره) نامیده شده، به معنای آن نیز هست. علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده‌اند. «گشتی»، کمر بند باریکی است که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر بندند؛ مؤبد موبدان، رستم شهرزادی، دین و دانش، انجمن زرتشتیان تهران، سال ۱۳۵۷. ۱۱. خرده اوستا، فصل آفرینگان دهمان. ۱۲. سالنمای ۱۳۷۲، چاپ انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰. ۱۳. وشنوه‌ای، حجاب در اسلام، ص ۵۹، به نقل از السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۹. ۱۴. عبدالرسول عبدالحسن الغفّار، المرأه المعاصره، چاپ سوم، ص ۴۰. ۱۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۶۶. ۱۶. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۶۲. ۱۷. همان، ص ۶۳. ۱۸. تورات، سفر تثیبه، باب ۲۲، فقره ۵. ۱۹. تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب سوم، فقره ۱۶ - ۲۶. ۲۰. تورات، سفر اعداد، باب ۵، فقره ۱۸. ۲۱. تورات، کتاب روت، باب دوم، فقره ۸ - ۱۰. ۲۲. تورات، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ششم، فقره ۱ - ۱۰ و ۲۰ - ۲۶. ۲۳. همان مدرک، باب سوم، فقره ۱۵. ۲۴. تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب ۴۷، فقره ۱ و ۲. ۲۵. تورات، کتاب غزل‌های سلیمان، باب ۴، فقره ۱. ۲۶. تورات، سفر پیدایش، باب ۳۸، فقره ۱۴ و ۱۵. ۲۷. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۴. ۲۸. همان، ص ۳۱. ۲۹. همان، ج ۱، ص ۴۹۲. ۳۰. همان، ص ۳۰. ۳۱. همان، ج ۱۲، ص ۲۸. ۳۲. راب اماکهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۸۶، میشناکتوبوت ۶. ۳۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۹. ۳۴. شایان ذکر است که اکنون مسیحیت، ازدواج را برای تمام مسیحیان مقدس می‌شمرد و تنها آن را برای پاپ و اسقف‌های کلیسا ممنوع می‌داند. ۳۵. انجیل، رساله پولس بتیطس، باب دوم، فقره ۱ - ۶. ۳۶. انجیل، رساله پولس به تیموناؤس، باب دوم، فقره ۹ - ۱۵. ۳۷. انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۱ - ۶. ۳۸. انجیل، رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب یازدهم، فقره ۱ - ۱۷. ۳۹. همان، باب چهاردهم، فقره ۳۴ - ۳۶. ۴۰. انجیل، رساله پولس رسول به تیموناؤس، باب سوم، فقره ۱۱. ۴۱. انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸ - ۳۰. و باب هجدهم، فقره ۸ - ۱۰. ۴۲. دکتر حکیم الهی، زن و آزادی، ص ۵۳. ۴۳. مهذب، زن و آزادی، ص ۶۵. ۴۴. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۴۹۸ - ۵۰۰، با اندکی تصرف و تلخیص. ۴۵. براون و اشنایدر، پوشاک اقوام مختلف، ص ۱۱۶. ۴۶. سوره نور (۲۴)، آیه ۳۱. ۴۷. احزاب، ۵۹. ۴۸. احزاب، آیه ۳۲. ۴۹. سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۸۳. ۵۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۳. ۵۱. نسخ التواریخ، ج ۲. ۵۲. همان، ص ۱۶۳. ۵۳. مجلسی، همان، ج ۱۰۳، ص ۲۵۸. ۵۴. نهج الفصاحه، ص ۱۴۳. ۵۵. شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸ و ۱۴۱.

اشاره‌ای به حجاب در مسیحیت

نویسنده: خدیجه ابول‌اولا در کتاب مقدس مسیحیت «انجیل» آمده: «همچنین ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد چون که سیرت طاهر و خدا ترس شما را ببینند و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متجلی شدن به طلا و پوشیدن لباس بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گران‌بهاست زیرا بدین‌گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می‌نمودند و شوهران خود را اطاعت می‌کردند مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا می‌خواند و شما دختران او شده‌اید.» ۱. در روایات ما نیز چنین آمده

است: حضرت عیسی فرمود: از نگاه کردن به زنان بپرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می‌رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه کننده کافی است. ۲ دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می‌کند: «زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، مگر آن که در خانه خود باشد زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است». ۳ پی نوشت: ۱- انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۱ - ۶ - ۲ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶ - ۳ - الهی، حکیم، زن و آزادی، ص ۵۳ منبع:

<http://bikarane8.parsiblog.com>

حجاب از دیدگاه دانشمندان کشورهای مختلف

به گزارش خبرگزاری ابنا، دکتر «نوا بخش»، پژوهشگر، محقق و استاد دانشگاه می‌گوید: "در دیدگاه غرب، زن تا زمانی مورد احترام است که در چارچوب خواسته‌های نظام سرمایه‌داری نقش آفرین باشد؛ در غیر این صورت، از چرخه تعاملات جامعه بیرون شده و اعتبار خود را در جامعه از دست می‌دهد. یکی از زنان نویسنده آمریکایی در کتاب خود به نام Regress ارتجاع این مطلب را پذیرفته و می‌گوید: "من به عنوان یک فمینیست اعلام می‌کنم که جامعه آمریکا هیچگاه مثل امروز آزاد نبوده، و در عین حال هیچ وقت خود را مثل امروز تا این حد نگون‌بخت نمی‌دیده است. این بدان معنی است که آزادی به او اندیشه و تفکر صحیح را نیاموخته است". وی در جای دیگری از کتاب خود می‌افزاید: "اما با وارد شدن حجاب به عرصه زندگی، معیارهایی مثل مادر بودن، احترام و حتی مفهوم خانواده و عفاف را درک کردیم". خانم پروفیسور «یوت ساشووسکی» (Ute Sashovsky) وکیل دادگسری در آلمان می‌گوید: "ما در هر ایالتی که زندگی می‌کنیم، باید قوانین مربوط به آن ایالت را مراعات کنیم، نه قوانین ایالت‌های دیگر را. در نتیجه، رعایت قانون یک ایالت توسط اهالی آنایالت، به هیچ وجه ضایع کردن حقوق ساکنان ایالت‌های دیگر نیست. به همین ترتیب کسی که معتقد به یک دین است ملزم به رعایت قوانین و دستورات آن دین می‌باشد و این کار او به معنی ضایع کردن حقوق پیروان سایر ادیان نیست. و اگر می‌بینیم در جایی قانون ممنوعیت حجاب تصویب می‌شود، این کار، تبعیض نسبت به حقوق پیروان یک دین به نفع پیروان ادیان دیگر است". وی در جای دیگری می‌گوید: "من می‌پندارم کسی که از روی اعتقاد دینی خود روسری بر سر دارد به هیچ وجه به حقوق دیگران تجاوز نکرده است". این وکیل آلمانی تاکید می‌کند: "قانون ممنوعیت حجاب، به نسبت قانون ایالتی هسن، بزرگترین بی‌عدالتی و قانون‌شکنی به حساب می‌آید و در مقابل، حجاب یکی از موانع محکم در برابر فساد و فروپاشی جامعه است. چرا در جامعه‌ای که عمل زشتی مثل همجنس‌بازی توسط قانون به رسمیت شناخته شده است، رعایت عادی‌ترین سفارشات و دستورات دینی برای مسلمانان ممنوع می‌باشد؟! پروفیسور نروژه گارودی»، از متفکران فرانسوی معتقد است که ممنوعیت حجاب برای مسلمانان فرانسوی نتیجه تبلیغات مسموم آمریکا و صهیونیسم بر ضد اسلام است. وی می‌گوید: "امروز، جنگ بر ضد تروریسم به وسیله‌ای برای تضعیف نمودن اسلام در جهان تبدیل شده و آمریکا و رژیم صهیونیستی سعی دارند چهره اسلام را به جهانیان بسیار خشن جلوه دهند. گارودی ممنوعیت حجاب در فرانسه را اقدامی غیر دموکراتیک شمرده و می‌گوید: "حجاب یکی از اصول بنیادی و ارزشی به حساب می‌آید". آلما (Alma) و لیلی (Lili) هر دو دختر وکیل «لوی» که یک یهودی است، اسلام آورده‌اند و به دلیل حفظ حجاب خود از مدرسه اخراج شده‌اند. این دو خواهر که بر حفظ حجاب خود اصرار دارند می‌گویند به هیچ قیمتی حاضر نیستند دست از حجابشان بردارند. پدر یهودی این دو خواهر

می‌گوید: "من به دین دخترانم احترام می‌گذارم، از آنها حمایت می‌کنم و در دادگاه از آنها دفاع خواهم کرد". لوی می‌گوید: "حجاب یکی از دستورات قرآن است که ارزش اخلاقی زن در جامعه را تعیین می‌نماید. حجاب نشانگر پاکیزه بودن، رستگاری و آلوده نبودن زن است". خانم «هنولا ناکاتا» (Henula Nacata) نویسنده ژاپنی می‌گوید: "اسلام آوردن برای من یک آزمایش بسیار بزرگ بود. همکاران، دوستان و نزدیکانم به من ناسزا گفته و با من بدرفتاری نموده و علاوه بر آن اهانت بسیاری کردند و حتی با من قطع رابطه نمودند. اما پس از مدتی، پایداری من در حفظ حجاب، باعث پیروزی من بر همه این ناسازگاری‌ها گشت و همه آنها از در صلح با من وارد گشته‌اند. تحمل من در برابر این آزمایش باعث شد تا خداوند همه این‌ها را به من بازگرداند. خانم ناکاتا در باره احساس خود از داشتن حجاب می‌گوید: "با داشتن حجاب بود که من انسانیت و ارزش زنانگی خود را احساس کردم. حجاب به من می‌آموزد که از دسترس بیگانگان دور بمانم. امروزه به‌ویژه در بین جوانان، گرایش روزافزون به حجاب دیده می‌شود که نشانه رشد اسلام نیز می‌باشد. تا من زنده هستم، برای اسلام و حجاب تبلیغ خواهم کرد، چون حجاب مایه آرامش و آسایش در جامعه می‌باشد". "میشل لالان" کشیش فرانسوی می‌گوید: «من به عنوان یک مسیحی مطمئن هستم که حجاب مسلمانان همچون یک ارزش معنوی باید آزاد باشد و جایگاه مناسب خود را در میان جامعه داشته باشد». خانم «رَجَرِ اَختَر» سمیناری را به نام "اندیشه پیرامون حجاب اسلامی" در لندن برگزار نمود. وی می‌گوید: "من این سمینار را تشکیل دادم تا از خانم‌های محجبه و موضوع حجاب دفاع کنم تا حجاب در کشورم آزاد باشد". وی می‌افزاید: «حجاب به نفع ما و کشور ماست. باید چنین سمینارهایی را در شهرهای مختلف کشور تشکیل داد تا حجاب را به همه معرفی نموده و آن را تبیین کند که همه بدانند حجاب نه تنها ضرری ندارد بلکه به نفع مردم، جامعه و کشور است». خانم «ایوان ردلی» نویسنده و خبرنگار معروف انگلیسی که اسلام آورده و محجبه شده است، می‌گوید: "حجاب در زندگی من و حفظ امنیت من نقش بسیار بزرگی را ایفا نمود و من با پناه آوردن به حجاب، خود را در امنیت احساس می‌کنم".

فرهنگ حجاب و عفاف از منظر ادیان الهی

پوشش زن در ادیان الهی همواره برای رسیدن به ریشه یک مطلب و پی بردن به عمق مسئله، باید آن را از دیدگاه و سیر تحولات تاریخی مورد بررسی قرار داد تا به اهمیت بیش از پیش آن دست یافت. نگرشی به دیگر ادیان الهی انسان را به این مهم منتج می‌کند که «عفاف و حجاب» و حفظ آن همواره مورد تأکید خداوند متعال در تمام ادوار و در دوران همه پیامبران الهی بوده است. در آیین زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام که این فصل به بررسی آنها می‌پردازد حجاب بر زنان امری لازم بوده است. کتاب‌های مقدس مذهبی، دستورات و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان چهارگانه، بهترین شاهد و عالی‌ترین گواه بر اثبات این مدعاست. حجاب زنان، از سنن قدیمی تمدن‌های بشری بوده است و در ادیان الهی به خصوص زرتشت، یهود و مسیحیت مسئله حجاب و رعایت آن مطرح بوده است در بعضی از ادیان مثل دین یهود، مسئله حجاب سخت تر از حجابی است که اسلام می‌گوید. البته حجاب در بعضی از ادیان الهی گذشته کمی سخت تر از حجاب اسلامی بوده است، هر چند امروزه به آن پای بند نیستند. گفتار اول) حجاب در آیین زرتشت نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند، آریایی‌ها بودند. آنان به دو گروه عمده «مادها» و «پارس‌ها» تقسیم می‌شدند. با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس‌ها توانستند دولت ماد را از بین ببرند و سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیانگذاری کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین، از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند (پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان، ص ۱۷ و ۲۶ و ص ۵۱، ۵۴، ۵۶). این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است (پوشاک زنان ایران، ص ۶۴ ۱۹۴). بنابراین، در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان

ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند. برابر متون تاریخی، در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده است و زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند، ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع نمود و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به خاطر این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد (آزادی یا اسارت، ص ۱۰۶؛ تورات، باب استر، آیه ۱). در زمان ساسانیان که پس از نبوت زرتشت است افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته «ویل دورانت» پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تختِ روانِ روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است. (تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲).

تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشم‌گیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند (تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۷۸ / زناشویی و اخلاق، ص ۱۳۵) از آن‌جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت» ایران بوده است و آن حضرت در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است، با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید تا با پندهای، خود ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد. به پند و اندرزهای «اشو زرتشت» بنگرید تا تلاش وی برای تعالی و آموزش مبانی حجاب و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطنی، روشن تر شود؛ او می‌فرماید: ای نوع‌روسان و دامادان!... با غیرت، در پی زندگانی پاک‌منشی بر آیید... ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ گاه گردِ دروغ و خوشی‌های زودگذری که تباه‌کننده زندگی است، نگردید؛ زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده‌ای است که با شیرینی درآمیخته و همانند خودش دوزخی است. با این گونه کارها، زندگانی گیتی خود را تباه مسازید. پاداش رهروان نیکی، به کسی می‌رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد و کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود. فریب خوردگانی که دست به کردار زشت زنند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش، فریاد و ناله است (یسنا، ص ۵۳، پندهای ۸۵). گفتنی است که در دین زرتشت، لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است؛ بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش یعنی چادر یا شنلی بر روی آن بوده است، مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند که استفاده از «سدره و کشتی» لباس مذهبی ویژه زرتشتیان توصیه شده است. در توضیح این دو واژه لازم است بیان شود که «سدره» از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن، چسبیده به بدن پوشیده شود. سدره که در اوستا (ستره) نامیده شده، به معنای آن نیز هست. علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده‌اند. «کشتی»، کمربند باریکی است که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر بندند البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را ببوشاند (موبد موبدان، رستم شهرزادی، دین و دانش، انجمن زرتشتیان تهران، سال ۱۳۵۷). بنا به گفته موبد «رستم شهرزادی»: پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد. در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است: «نامی زت واجیم، همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزد» (خرده اوستا، فصل آفرینگان دهمان)؛ یعنی همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن گاه به درگاه دادار اهورمзда نماز می‌کنیم. بر اساس آموزه‌های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند. در اندرز «آذربادماراسپند» مؤبد موبدان آمده است:

مرد بدچشم را به معاونت خود قبول مکن (سالنمای ۱۳۷۲، چاپ انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰). پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است. به این نمونه بنگرید: پس از فتح ایران، هنگامی که سه تن از دختران کسری، شاهنشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی همچنان با نقاب، چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد تا پوشش از چهره بر گیرند تا خریداران پس از نگاه، پول بیشتری مبدول دارند. دوشیزگان ایرانی خودداری کردند و به سینه مأمور اجرای حکم عمر مشت زده، آنان را از خود دور ساختند. عمر بسیار خشمناک شد؛ ولی امام علی (ع) او را به مدارا و تکریم آنان توصیه فرمود (حجاب در اسلام، ص ۵۹، به نقل از السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۹). گفتار دوم حجاب در آیین یهود همه مورخان، از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته‌اند (عبدالرسول عبدالحسن الغفّار، المرأه المعاصره، چاپ سوم، ص ۴۰). ویل دورانت می‌گوید: گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اِناث، حتّی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود... دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می‌شمردند. با این همه، تدریس خصوصی برای اِناث مجاز بود. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت زندگی جنسی آنان، علیرغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزّه از خطایا بود. زنان آنان، دوشیزگانی محبوب، همسرانی کوشا، مادرانی پُرزا و امین بودند و از آن‌جا که زود وصلت می‌کردند، فحشا به حدّ اقل تخفیف پیدا می‌کرد (تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۶۲ ۶۶). بدون تردید مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تأکید می‌نمود. کاربرد واژه «چادر» و «برقع» که به معنای روپوش صورت است، در آن آیات، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می‌دهد. تورات تشبه مرد و زن به یکدیگر را نهی نموده، می‌گوید: متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این را کند، مکروه «یَهْوَه» خدای توست (تورات، سفر تثیبه، باب ۲۲، فقره ۵). بی‌حجابی سبب نزول عذاب معرفی شده است؛ خداوند می‌گوید: از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پای‌های خویش خلخال‌ها را به صدا می‌آورند. بنابراین خداوند فرّوق سر دختران صهیون را کُلّ خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود. و در آن روز، خداوند زینت خلخال‌ها و پیشانی بندها و هلال‌ها را دور خواهد کرد و گوشوارها و دستبندها و روبندها را و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان‌ها و تعویذها را و انگشترها و حلقه‌های بینی را و زخوت نفیسه و رداها و شال‌ها و کیسه‌ها را و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و برقع‌ها را، و واقع می‌شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موی‌های بافته، کلی و به عوض سینه‌بند، زَنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود؛ مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد و دروازه‌های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست. (تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب سوم، فقره ۱۶ ۲۶) افزون بر موارد فوق، در کتاب مقدس، و جوب پوشاندن موی سر (تورات، سفر اعداد، باب ۵، فقره ۱۸) لزوم پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه (تورات، کتاب روت، باب دوم، فقره ۸ ۱۰)، نهی از لمس و تماس (تورات، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ششم، فقره ۱ و ۲۰ ۲۶) و واژه چادر (همان مدرک، باب سوم، فقره ۱۵)، نقاب (تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب ۴۷، فقره ۱ و ۲) و برقع (تورات، کتاب غزل‌های سلیمان، باب ۴، فقره ۱) آمده است؛ به عنوان نمونه در مورد عروس یهودا می‌خوانیم: پس رخت بیوکی را از خویشتن بیرون کرده، برقی به رو کشیده و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمنه است، بنشست (تورات، سفر پیدایش، باب ۳۸، فقره ۱۴ و ۱۵). در «تلمود» اصلی‌ترین کتاب فقهی که به گفته ویل دورانت، اساس تعلیم و تربیت یهود است (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۴)، نیز بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمان، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای سایر مردها (همان، ص ۳۱)، پرهیز از نگاه زن به مردان بیگانه (همان، ج ۱، ص ۴۹۲)، اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم (همان، ص ۳۰) و لزوم پرهیز از هر امر تحریک‌آمیز (همان، ج ۱۲، ص ۲۸)، تأکید شده است. برابر حکم سخت‌گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت‌آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ کتوبا (مهریه) طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر

به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی‌گیرد؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند و فی‌المثل بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک سری به گفت‌وگو می‌پردازد. زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید (گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۸۶). برخورد حضرت موسی (علیه السلام) با دختران شعیب که به آنان فرمود تا پشت سر او حرکت کرده، از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند، و نیز سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، بیانگر کیفیت شدید و سخت‌گیرانه حجاب نزد یهودیان است. گفتار سوم (حجاب در آیین مسیحیت مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخت؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شد و طبق نوشته ویل دورانت، در سن بیست سالگی اجباری بود (تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۹)؛ اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد، مقدس شمرده می‌شد. شایان ذکر است که اکنون مسیحیت، ازدواج را برای تمام مسیحیان مقدس می‌شمرد و تنها آن را برای پاپ و اسقف‌های کلیسا ممنوع می‌داند. بنابراین مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزئین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان حتی برای خاتون‌های اشراف ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت آن را تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس و یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می‌جستند. انجیل در موارد فراوان، بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است؛ در انجیل می‌خوانیم: همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو؛ تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند؛ و خرداندیش و عقیفه و خانه‌نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود (انجیل، رساله پولس بیتیوس، باب دوم، فقره ۶۱) در «کتاب مقدس» در مورد لزوم آراستگی به حیا و کنار نهادن آرایش ظاهری چنین آمده است: همچنین زنان، خویشان را بیارایند به لباس مؤنن به حیا و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت‌گران بها... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود؛ بلکه در سکوت بماند (انجیل، رساله پولس به تیمونائوس، باب دوم، فقره ۱۵۹). همچنین ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایند تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد چون که سیرت ظاهر و خدا ترس شما را ببینند و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانهاست؛ زیرا بدین گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می‌نمودند (انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۶۱) افزون بر موارد پیشین، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی (انجیل، رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب یازدهم، فقره ۱۷۱)، لزوم سکوت به ویژه در کلیسا (همان، باب چهاردهم، فقره ۳۴ ۳۶)، با وقار و امین بودن زن (انجیل، رساله پولس رسول به تیمونائوس، باب سوم، فقره ۱۱) و نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان را خاطر نشان ساخته، می‌گوید: کسی که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است؛ پس اگر چشم راستت، تو را بلغزاند، قلعش کن و از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آن که تمام بدنت در جهنم افکنده شود (انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸ ۳۰ و باب هجدهم، فقره ۱۰۸). دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی که بر اساس آن پوشاندن صورت الزامی و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و

سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا- و دستبند قیمتی، رنگ نمودن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری رانسان می‌دهد (زن و آزادی، ص ۵۳). در مورد سیره عملی زنان مسیحی، دائره المعارف لاروس می‌گوید: دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد؛ وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می‌رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود (زن و آزادی، ص ۶۵) ویل دورانت نیز در مورد سیره عملی زنان مسیحی چنین می‌نویسد: ساق پای زنان چیزی نبود که در ملأ-عام و یا رایگان به چشم خورد.... البسه بانوان در مجالس تورنه، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، درازی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از مشمش ظریف و حریر زربفت ساختند... (تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۴۹۸، ۵۰۰، با اندکی تصرف و تلخیص) تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد (پوشاک اقوام مختلف، ص ۱۱۶). در روایات ما نیز چنین آمده است: حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: از نگاه کردن به زنان پرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می‌رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه کننده کافی است (سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶). دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می‌کند: زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، مگر آن که در خانه خود باشد زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است. (زن و آزادی، ص ۵۳) به استناد قرائن موجود اعم از نمونه‌های لباسی که در گذشته استفاده می‌شده است و شمایل قدیمی حضرت مریم و فرهنگ و تمدن آن زمان در فلسطین می‌توان به اطمینان گفت که حضرت مریم حداقل همین حجابی را که ما می‌شناسیم داشته است. اقلیت‌های مذهبی که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کنند موظفند مقررات و قوانین کشور اسلامی را رعایت کنند. از جمله مواردی که اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی باید رعایت کنند عبارتند از: ۱- رعایت کلیه مقررات و قوانین اسلامی، کشورهای محل اقامت ۲- احترام به مقررات و شعائر دینی ۳- عدم تظاهر به منکرات، (جواهر الکلام، ج ۲۱، کتاب جهاد، صص ۲۷۱، ۲۶۸). اقلیت‌های مذهبی نمی‌توانند سنت‌های حاکم بر جامعه اسلامی را بشکنند و طبق قراردادشان با حکومت اسلامی نباید به حدود و احکام اسلامی تجاوز کنند. گفتار چهارم (حجاب در آیین اسلام حجاب به عنوان یکی از شعائر برجسته اسلام، موضوعی جالب توجه و مورد مناقشه بین اصحاب فکر، عالمان دینی و همچنین شهروندان جامعه دینی قرار گرفته است. حجاب همچنین بعد از رشد روز افرون پدیده بانوان محجبه در کشورهای غربی به یکی از چند مبحث مورد توجه مردمان مغرب زمین تبدیل شده تا جایی که جنبه‌های نظری و معرفتی در کنار جنبه‌های عملی و رفتاری آن مورد بررسی و مذاقه دانشمندان و جامعه شناسان آن دیار نیز قرار گرفته است. «حجاب»، این واژه عربی، در نگاهی به معنای پوشیدن، پوشش، پرده و حاجب است که البته در این میان، معنای «پرده» بیشترین کاربرد را دارد و همین امر موجب شده است که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. اندیشمند شهید مرتضی مطهری در این باره می‌فرماید: پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. حدود این پوشش را با استفاده از قرآن و منابع سنت، می‌توان به دست آورد. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بدون آنکه کلمه «حجاب» را به کار برده باشد. حجاب دارای ابعاد مختلفی همچون معرفتی، دینی، تاریخی و نمادین است. حجاب به

تعبیری روشن یکی از مرزهای نفوذ ناپذیر عالم اسلام با دنیای غیر است. رد پای حجاب در غرب حتی به حوزه های پسامدرنیسم، فمینیسم بومی و اسلامی، نماد و سبک شناسی و مسائل قدرت کشیده شده است. این موارد فقط واجد یک مفهوم اند: قدرت و اهمیت حجاب بعد از تولدش در مشرق زمین هنوز هم در بسیاری از مناطق جهان نشانه زنده بودن سنت و دین است. اما حجاب در نگاه غرب، نماد غیریت اسلام و همچنین نماد و مظهر ظلم به زنان مسلمان است. این طرز تلقی ناصواب از حجاب در مواردی بسیار، احساسات ضد اسلامی آنها را بر می انگیزد. حجاب در معنای کلی و عملی آن در غرب فرآیندی را سبب ساز شده است که فرد محجبه، آن را به عنوان نماد و شاخص موقعیت اجتماعی و هویت خویش قرار می دهد. حجاب امروز به خصوص در غرب به واسطه موج گرایش به آن متضمن پیوندهای پیچیده علائق و باورهای فردی، سیاسی و مذهبی است. حجاب برای بسیاری نماد آشکاری از ایمان و عقیده شخصی آمیخته با مسائل دینی و فرهنگی است و برای بسیاری دیگر مبارزه ای سیاسی و عبادی علیه وضع موجود و مبارزه ای نمادین برای بهبود شرایط موجود. حجاب هر چه باشد به مانند سایر تکالیف وابسته به اصول اسلام یک تکلیف است. تکلیفی به مثابه پرچمی که مشخص می کند چگونه باید زیست و برای تقرب به خدای خویش آن را باید رعایت کرد. البته حجاب هم نه تحمیلی بلکه انتخابی است؛ زیرا یکی از افتخارات دین اسلام این است که دین انتخاب است نه تحمیل. مگر نه اینکه نمی توان به زور آدمیان را با حجاب یا بی حجاب کرد. نمونه بارز آن شکست پروژه کشف حجاب اجباری رضاخان است. رضا شاه در پروژه اش شکست خورد. چون از مبانی ذهنی و فکری مردم که همانا ارادت قلبی به دستورات اسلام است، ناآگاه بود. بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق اقوام و ملل، حجاب در میان زنان معمول بوده، هر چند فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است و گاهی با اعمال سلیقه ی حاکمان تشدید یا تخفیف یافته است ولی هیچ گاه به طور کامل از میان نرفته است. مورخان به ندرت از اقوامی بدوی یاد می کنند که زنان شان دارای حجاب مناسب نبوده یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند. تعداد این اقوام به قدری نادر است که در مقام مقایسه - به قول اندیشمندان - قابل ذکر نیستند و شاید بتوان گفت وجود برخی موانع سبب جلوگیری از بروز تمایلات و استعداد های فطری و طبیعی آنان شده است و یا عواملی باعث انحراف آنان از مسیر فطرت گشته است (حجاب در ادیان الهی، ص ۲۲). شهید مطهری در مورد این که کدامین اقوام دارای حجاب بوده اند چنین بیان می کند: در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است و از آن چه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است اما در عرب جاهلیت حجاب وجود نداشته است و به وسیله ی اسلام در عرب پیدا شده است (مسئله حجاب، ص ۵). «مهدی قلی هدایت» در کتاب «خاطرات و خطرات» در خصوص پوشش زنان در ملل مختلف می گوید: اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم به خوبی حجاب و پوشش زن را در می یابیم؛ براون و واشناپور، نویسنده ی غربی، در کتابی به نام پوشاک اقوام مختلف، پوشاک اقوام گوناگون جهان از عهد باستان تا قرن بیستم را به صورت مصور ارائه کرده اند. نگاهی کوتاه به این کتاب روشنگر این واقعیت است که در عهد باستان در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتی ها، یونانیان و اهالی روم، آلمان، خاور نزدیک و برخی مناطق دیگر پوشش زن به طور کامل رعایت می شده است، به گونه ای که زنان چین در معابر عمومی جز در پرده و ملحفه ظاهر نمی شدند و در خانه نیز دارای اندرونی و بیرونی بوده اند. (خاطرات و خطرات، ج ۴ ص ۴۰۵) بدون شک، پوشش زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین اسلام است. قرآن کریم می فرماید: به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می دهند، آگاه است (نور، آیه ۳۰) و به بانوان باایمان بگو چشم های خود را فروپوشند و عورت های خود را از نگاه دیگران پوشیده نگاه دارند و زینت های خود را، جز آن مقداری که ظاهر است، آشکار ن سازند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند و زینت های خود را آشکار ن سازند؛ مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، پدر شوهرانشان، پسرانشان، پسران همسرانشان، برادرانشان، پسر برادرانشان، پسر خواهرانشان، زنان هم کیشان، کنیزانشان و مردان سفیهی که تمایلی

به زنان ندارند و کودکانی که از امور جنسی بی‌اطلاعند و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های پنهانشان آشکار شود و همگی به سوی خداوند توبه کنید ای موءمنان؛ باشد که رستگار شوید (نور، آیه ۳۱). افزون بر آن، در آیات دیگر، پوشیدگی کامل اندام (احزاب، آیه ۵۹)، نیک و شایسته، با وقار و بدور از تحریک سخن گفتن و دوری از آرایش‌های جاهلیت نخستین توصیه شده است (احزاب، آیه ۳۲). در روایات نیز پوشیدن جامه بدن‌نما و نازک نزد نامحرم (سنن ابی‌داوود، ج ۲، ص ۳۸۳)، آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۳)، اختلاط فساد برانگیز زن و مرد (ناسخ التواریخ، ج ۲)، دست دادن و مصافحه با نامحرم (همان، ص ۱۶۳) و تشبه به جنس مخالف (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۸) منع شده است و مردان با غیرت (نهج‌الفصاحه، ص ۱۴۳)، به هدایت و کنترل همسر و دختران، عفت نسبت به زنان مردم (وسایل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸ و ۱۴۱) و دوری از چشم‌چرانی توصیه شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده و گرایش‌های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است. اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان، اروپا، قوم یهود و ... مرسوم بوده است. اسلام، نه تنها واضح قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارائه نموده است. پس معلوم شد که تفاوت اساسی حجاب اسلامی با حجاب ادیان گذشته، در این است که اسلام وجوب پوشش زنان را متناسب با شئون انسان، با تعدیل و نظم مناسب و به دور از افراط و تفریط، سهل‌انگاری مضر یا سخت‌گیری بی‌مورد به جامعه بشری ارزانی داشته است. حجاب اسلامی همچون حجاب مورد توصیه پاپ‌ها، به معنای حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد تا در جامعه، غریزه آتشین جنسی تحریک نگردد؛ بلکه در محیط خانواده، این غریزه به صورت صحیح ارضا گردد.

حجاب زیبا

در تمام ادیان آسمانی وجود حجاب امری بدیهی و کاملاً آشکار است از ظهور حضرت آدم خلیفه خدا بر زمین تا کنون پیروان ادیان الهی دارای حجاب مشخص بوده‌اند و این امر شامل یکی از ده فرمان حضرت موسی (علیه السلام) نیز می‌باشد. ادیان متناسب با فطرت زن و بر حسب شرایط خاص زمانی، حفظ حجاب و پوشش را برای زنان در نظر گرفته‌اند. در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام حجاب زن امری لازم و واجب شمرده شده است. در دوره زرتشت زنان از لباس‌های بلند و روسری استفاده می‌کردند علاوه بر اینها در خارج از خانه از روبند برای پوشاندن صورت استفاده می‌کردند. زرتشت با پند و اندرزهای خود حجاب را تحکیم می‌بخشید و حتی بعد از او در زمان داریوش حجاب با الزام بیشتری در بین زنان معمول بود. از آن جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت» ایران بوده است و آن حضرت در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است، با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید تا با پندهای، خود ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد. در دین زرتشت، لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است؛ بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش - یعنی چادر بر روی آن - بوده است، مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند که استفاده از سیدره و کشتی - لباس مذهبی ویژه زرتشتیان - توصیه شده است. البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند. در دین یهود هم بپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت. بدون تردید مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر

حجاب تأکید می نمود. کاربرد واژه «چادر» و «برقع» که به معنای روپوش صورت است، در آن آیات، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می دهد. ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده بیانگر کیفیت شدید و سخت گیرانه حجاب در دین یهود است. مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه با قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت گیری بیشتر وجوب حجاب را مطرح ساخت. با نگاه به راهبه ها می توان دیدگاه این دین را در مورد حجاب دریافت. دین اسلام هم در مورد حجاب دستورات محکم و مشخصی دارد. در قرآن در دو آیه به پوششی که بانوان می توانند داشته باشند اشاره شده است. در سوره ی نور آیه ی ۳۱ آمده است: «ای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به زنان با ایمان بگو... باید به وسیله ی مقنعه و روسری (بخمرهن) سینه خود را بپوشانند ...» معمولا خمر به وجوب پوشاندن سر و سینه و گردن توسط چیزی شبیه مقنعه اشاره دارد. در جایی دیگر در سوره ی احزاب نیز به پوششی که بانوان می توانند داشته باشند اشاره شده است. در سوره ی احزاب در آیه ی ۵۸ آمده است: «ای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)! به زنان و دختران خود و به زنان مومن بگو: خویشان را با چادر و عبا (جلباب) فرو پوشند... جلباب لباسی بلند تر از مقنعه است که همه ی بدن را می پوشاند چیزی شبیه چادر و عبا که زنان عرب می پوشند. در اسلام حدود حجاب به طور واضح مشخص شده است و در دین اسلام حد حجاب تمام بدن است به جز صورت و دست ها تا مچ. وجود حجاب برای زنان اصلی انکارنا پذیر است که نمی توان به سادگی منکر آن شد اما معمولا بر سر نوع و شکل آن بحث وجود دارد. در اینجا بحث بر سر این است که چرا نباید راه میانه را انتخاب کرد و از افراط و تفریط پرهیز کرد. آیا نمی شود حجاب را طوری انتخاب کرد که نه با دستورات اسلام مغایرت داشته باشد نه چهره ای زشت از حجاب ارایه دهد. اما در جامعه ی ما افراط و تفریط در مورد حجاب رایج است به طوری که معلوما در جامعه شاهد کسانی هستیم که حجابی سخت گیرانه تر از دستورات اسلام برای خود انتخاب کرده اند و عده ای هم حجاب را بازیچه قرار داده اند. متاسفانه در جامعه ی ما حجاب را معمولا- بارنگهای تیره مترادف کرده اند. مطمئنا اگر از رنگهای متنوع و مدلهای زیبا برای حجاب استفاده کنیم می توانیم کسانی را که به اصطلاح بد حجاب هستند را نیز جذب حجاب کنیم. اگر پوشش بانوان محجبه ی ایرانی را با پوشش زنان محجبه ترکیه ای مقایسه کنیم می توانیم جذابیت پوشش بانوان محجبه ترکیه ای را نسبت به بانوان ایرانی احساس کنیم. امروزه که بحث بد حجابی در کشور ما به صورت یک معضل در آمده آیا مسئولان نباید فکری به حال این موضوع کنند؟ آیا نمی توانند با الگو برداری از حجاب زیبای بانوان محجبه ترکیه ای و متناسب کردن آن با فرهنگ و فضای کشور الگویی ارائه دهند که اکثر اقشار را راضی کند. ما نباید انتظار داشته باشیم که فقط با زور پوشش بانوان بد حجاب بهبود یابد و نباید انتظار داشته باشیم که بانوان جامعه ی ما پوششان را باب میل قشر خاص با تفکرات خاص انتخاب کنند باید به سلیقه ها و میل به تنوع جوانان نیز در بحث حجاب بها دهیم. یادمان باشد که روز به روز در جهان گرایش به حجاب بیشتر میشود به طوری که بعضی از مشهورترین هنرمندان ... کشورهای غیر اسلامی نیز محجبه شده اند مواظب باشیم که ما در این زمینه که دینمان هم بر آن تأکید فراوان دارد از دیگران که شاید مسلمان هم نباشند جا نمانیم..... رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: دو چیز زنان امت من را هلاک می کند: یکی طلا (زیور ها و آراستن خود برای غیر) دیگری لباس های نازک و بدن نما (به عبارت امروزی ها بد حجابی).

حجاب در دین مسیحیت

نویسنده: خدیجه ابول اولاد در کتاب مقدس مسیحیت «انجیل» آمده: «همچنین ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد چون که سیرت طاهر و خدا ترس شما را ببیند و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متجلی شدن به طلا و پوشیدن لباس بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گران بهاست زیرا بدین گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می نمودند و شوهران خود را

اطاعت می‌کردند مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا می‌خواند و شما دختران او شده‌اید». ۱. در روایات ما نیز چنین آمده است: حضرت عیسی فرمود: از نگاه کردن به زنان پرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می‌رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه کننده کافی است. ۲. دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می‌کند: «زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، مگر آن که در خانه خود باشد زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است». ۳. پی نوشت: ۱- انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۱-۲-۶- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶-۳- الهی، حکیم، زن و آزادی، ص ۵۳

حجاب در دین یهود

نویسنده: خدیجه ابول اولاد در کتاب «حجاب در اسلام»، آمده است: «گرچه پوشش، در بین عرب مرسوم نبود و اسلام، آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیر عرب، به شدیدترین شکل، رواج داشت. در ایران و در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می‌کردند، حجاب، به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می‌خواست وجود داشت. در بین این ملت‌ها وجه و کفین (= صورت و کف دست‌ها) هم پوشیده می‌شد. حتی در بعضی از ملت‌ها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود، بلکه سخن از قایم کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادت سفت و سخت درآورده بودند». ۱. از کتاب مقدس برمی‌آید که در عهد سلیمان علیه السلام، زنان علاوه بر پوشش بدن، برقع (روبند) به صورت می‌انداختند ۲ این سنت در زمان ابراهیم علیه السلام نیز رایج بود، نامزد اسحاق (رفقه) ابتدا که اسحاق را دید برقع بر صورت انداخت. در تورات، چنین می‌خوانیم: و رفقه، چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد. زیرا که از خادم پرسید: «این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید؟» و خادم گفت: «آقای من است». پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید. ۳ ویل دورانت، که معمولاً سعی می‌کند موارد برهنگی یا احیاناً تزیینات و آرایش‌های زنان هر قوم را با آب و تاب نقل کند تا آن را طبیعی جلوه دهد، در این مورد می‌گوید: «در طول قرون وسطا، یهودیان همچنان زنان خویش را با البسه فاخر می‌آراستند، لکن به آنها اجازه نمی‌دادند که با سر عریان به میان مردم روند. پوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می‌ساخت. از جمله تعالیم شرعی یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویداست، دست دعا به درگاه خدا بردارد». ۴ او در توصیف زنان یهودی می‌گوید: «زندگی جنسی آنان علی‌رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزله از خطایا بود. زنان آنان دوشیزگانی محبوب، همسرانی ساعی، مادرانی پُرزا، و امین بودند و از آن‌جا که زود وصلت می‌کردند، فحشا به حداقل، تخفیف پیدا می‌کرد». ۵ در اصول اخلاقی «تلمود» که آیین نامه زندگی یهودیان است، آمده: «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنانچه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هرسنخی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون درخانه اش تکلم می‌نمود، همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد». ۶ پی نوشت: ۱- اشتهاودی، ابوالقاسم، حجاب در اسلام، ص ۵۰-۲- عهد قدیم، سفر نشید الاناشید، ب ۵، ص ۱۰۰۳-۳- همان، سفر تکوین، ب ۱۴، ص ۳۴-۴- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۵۶۲-۵- همان، ص ۶۳-۶- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰

حجاب در دین زرتشت

نویسنده: خدیجه ابول‌اولا- دین زرتشت بر پایه سه اصل اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار گردیده است. " اشو زرتشت " پیامبر زرتشتیان در توصیه به پیروان خود کوشیده است تا پایه های حجابی را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملی در ظاهر و عرف رعایت می کنند در عمق روح آنان تحکیم نماید. او می گوید: ای نوعروسان و دامادان! روی سخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت، در پی زندگانی پاک منشی برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی، بر دیگری پیشدستی جوید تا آن زندگانی مقدس زناشویی، با خوشی و خرمی همراه باشد... زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من گوش فرا می دهند، آرامش و خوشی زندگی بهره شان خواهد بود و سختی و رنج از آنان دور خواهد گشت و به نیک‌نامی جاودانی خواهند رسید. ۱ در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت‌های میهن ما» در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین می‌خوانیم: «این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می‌کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد. چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کُرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است». ۲ <...**شریعت زرتشت، عقیده دارد که حجاب یکی از ابتدایی ترین باورهایی است که در شریعت زرتشت به آن تاکید شده است. در کتاب " وندی داد " زرتشتیان این گونه آمده است: کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود می کند، از توای مرد خواهش می کنم پیدایش و فرونی را پاک و پاکیزه ساز، از توای زن خواهش می کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز. ۳. شریعت زرتشت انسان را موجودی هوشمند و خردمند می داند که برای رسیدن به ارزشهای انسانی و دوری از خصلت های حیوانی تلاش می کند، حفظ حجاب همراه با عفت باطنی از جمله این ارزشهای انسانی است که شریعت زرتشت بر آن تاکید دارد. پی نوشت: ۱- یسنا، ص ۵۳، پندهای ۵ - ۸ به نقل از: آموزش های زرتشت پیامبر ایران، رستم شهرزادی، انجمن زرتشتیان، آبان ۲۷۶ - سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۳- وندی داد، ص ۲۷۵، بند ۱۰

حجاب زنان، گفتمان آینده تمدن هاست

سیمین دخت بهزادپور کارشناس مسائل زنان در سازمان مدیریت و برنامه ریزی مطرح کرد؛ اشاره: حجاب اسلامی و نحوه ارائه آن در یک جامعه اسلامی یکی از مباحثی است که همواره مورد دقت و تامل مردم و مسئولان فرهنگی کشور است. یافتن مظاهر بدحجابی یا عدم رعایت کامل حجاب در مجامع عمومی این پرسش را مطرح می‌سازد که چرا تا نهادینه شدن کامل این امر دینی و اعتقادی فاصله‌هایی باقی مانده است؟ چرا پس از گذشت سی سال از انقلاب شکوهمند اسلامی، هنوز نیازمند تبیین، تبلیغ و به کارگیری روش‌هایی برای نهادینه کردن امری هستیم که می‌تواند سلامت جامعه را تضمین نماید و از بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی بکاهد؟ نقصان کجاست سیمین دخت‌بهزادپور در گفتگو با صفحه بانو به مسئله حجاب اسلامی در کشور پرداخته است. به عقیده او حجاب اسلامی قدرت زن مسلمان است و به همین دلیل از سوی استکبار مورد چالش قرار می‌گیرد. کارشناس مسائل زنان در سازمان مدیریت و برنامه ریزی معتقد است که جامعه ما حرف‌های بسیاری در مورد حجاب برای جهان دارد و حجاب اسلامی را یکی از گفتمان‌های آینده تمدن‌ها می‌داند. بهزادپور تاکید می‌کند که تا زمانی که مردان جامعه با نگرش توحیدی به زن آشنایی نداشته باشند زمینه مناسب جهت اجرای ارزش‌ها فراهم نخواهد شد و این در حالی است که متاسفانه بسیاری از مردان جامعه ما هنوز برداشت صحیحی از زن و منزلت حقیقی او ندارند! این محقق و پژوهشگر آموزش مردان را در این زمینه اساسی تر و مهمتر از آموزش زنان می‌داند. در این مصاحبه به پرسش‌های زیادی در مورد علت بروز بدحجابی پاسخ‌های روشنی داده شده است. آیا بدحجابی یک آسیب اجتماعی است؟ در پاسخ به این سوال ابتدا باید آسیب اجتماعی را معنا کرد. بنا به تعریف، آسیب اجتماعی به نوعی عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد جمعی به صورت رسمی یا غیر رسمی مورد

رعایت قرار نگیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی جامعه روبرو می‌گردد. بنا به این تعریف، چون حجاب اسلامی در چهارچوب اخلاق دینی قرار می‌گیرد. عدم رعایت آن نوعی آسیب اجتماعی ساده تلقی می‌گردد. حال این آسیب خود دارای مراتب و دسته‌بندی‌های خاصی است. عدم رعایت حجاب در کتاب اینجانب تحت عنوان "تحلیل نوین پوشش" به صورت مبسوط بحث شده و از آن به عنوان یک تعارض اجتماعی ساده قلمداد شده است. با این تعریف، آیا این آسیب ساده را می‌توان درمان یا پیشگیری نمود؟ وضعیت موجود حجاب در جامعه ما تابع علل و عوامل بسیاری است که به صورت فعلی شکل گرفته است. از یک سو مسائل فردی از جمله ویژگی‌های جسمی، ذهنی، روانی زنان در آن تاثیر دارد و از سوی دیگر، شیوه‌نگرش به زن و تعلیم و تربیت او در خانواده شبهاتی که در طول تاریخ در مورد زنان مطرح بوده در ذهن و روح و روان آنان تاثیر گذاشته است از جمله عوامل فردی که در گزینش نوع رفتار آنان در جامعه موثر بوده است. مسئله دوم نظام شخصیتی فرد است. همه عواملی که در شکل‌گیری شخصیت زنان در جامعه اثر می‌گذارد در نوع رفتار و اعتقادات آنان موثر است. شکل‌گیری شخصیت دختران ما به دور و جدا از شکل‌گیری شخصیت پسران نیست و این دو در یک تعامل و ارتباط قطعی قرار دارند. شاید به همین سبب باشد که مولای متقیان علی (ع) در نامه ۳۱ خود به فرزندشان از جمله نکات تربیتی که برای ایشان مطرح می‌نماید داشتن نوع نگرش صحیح به زنان (در مردان جامعه) است. در این نامه ویژگی داشتن غیرت صحیح در پسران را از جمله امور اساسی توسعه عفت و حیا در زنان بر می‌شمارند و یکی از عوارض در رفتگی غرایز و بی‌رویی رفتار دختران و جلوه‌گری آنان را استفاده نا بجا از غیرت ذکر می‌فرمایند. به هر حال آنچه که مورد تامل است این امر است که نظام شخصیتی یک دختر باید به گونه‌ای شکل گیرد که موجبات استقلال فکری - فرهنگی او را براساس آموزه‌های دینی فراهم آورد. تفکر دینی شکل‌گیری شخصیت زنان را دارای لطایف و ویژگی‌های خاصی ذکر نموده است که در تعامل روحی عاطفی آنان نقش بسزایی دارد که باید در نحوه تربیت دختران لحاظ نمود. مسئله سوم، در سطح شخصیتی ویژگی موقعیتی و یا فرایند اجتماعی شدن زنان از زمان بلوغ است. جامعه ما به این مسئله دقیق نیست که پرورش زنان به صورت انسان‌هایی تحقیر شده یا حتی با احساس محرومیت و یا مظلومیت نمی‌تواند بار سنگین رسالت تبلیغ دین را در قالب حجاب اسلامی به درستی بر دوش کشد. به شیوه اجتماعی شدن زنان از دوران بلوغ نه توجهی از سوی والدین و مراکز فرهنگی می‌شود و نه ما دختران خود را برای ورود به این مرحله مهم زندگی آماده می‌کنیم. این امور زمینه‌ساز عدم درک هویت جنسی به صورت صحیح در دختران ما است. دختران ما بلوغ را به عنوان سرفصل زندگی اجتماعی خود درک نمی‌کنند و ما فقط بلوغ را برای قوانین مدنی و کیفری و عبادی درک کرده‌ایم و این مرحله و ویژگی آن را وارد متن زندگی خود نکرده‌ایم و گاه حتی با درک این مرحله دچار تعارض بوده‌ایم که آیا یک دختر ۹ ساله می‌تواند اعمال عبادی چون نماز، روزه، حجاب را انجام دهد؟ ما دختران خود را تا سن ۱۸ سالگی بچه فرض می‌کنیم و با همان روش کودکی با آنان برخورد می‌کنیم. در حالی که در جامعه عقیدتی اسلامی، دختر ۹ ساله عضو موثر، فعال و پویای جامعه اسلامی است که مستقیماً مورد خطاب خدای متعال قرار گرفته است. ما گرچه تفاوت رشد عقلانی دختر و پسر را در کودکی درک می‌کنیم اما چون دارای یک روش تربیتی واحد هستیم یا دختران را به عقب می‌کشیم تا دیرتر از پسران رشد خود را درک کنند، یا آنان را همپای پسران به شیوه‌های تعقلی زندگی وارد نمی‌کنیم و به شکل‌گیری زندگی تعقلی آنان ضربه می‌زنیم. دختران ما براساس آنچه که ما آنان را خطاب می‌کنیم شخصیت خود را تطبیق داده و شکل می‌دهند و عمل دختران ما همان القایی است که در کودکی و مرحله اجتماعی شدن آنان به آنان آموخته‌ایم. سطح میانی موثر در شکل‌گیری شخصیت زنان، نارسایی نهادهای اجتماعی است. نارسایی ساختار و کارکرد خانواده که امروزه دچار بحران‌های مختلف بوده و به وسیله دسیسه‌های علمی جهانی! نظارت والدین از فرزندان را حذف کرده و به رسانه‌ها، مراکز فرهنگی و مکتوبات و ... سپرده است تا با برنامه‌ریزی‌های جهانی به سوی دهکده بی‌هویتی سوق داده شوند. و از والدین انسان‌هایی خردوم و خشنی ساخته که فقط می‌بخواهند طلبکارانه فرزندان را فراهم آورند. برای اینکه شتاب تغییرات ارزشی در جامعه را متوقف

نسازند، پشتوانه‌ای حمایتی چون خانواده را برای جوانان حذف کرده است! نارسایی ساختار نهادهای رسمی دیگر همچون رسانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها که تزکیه را از خود حذف نموده و فقط به تعلیم، آن هم به شکل وارداتی مبادرت می‌ورزند. اگر این امر در سطح کلان، نارسایی نظام‌های اجتماعی (توسعه موارد سوء اخلاقی، تبعیض و ...)، نظام فرهنگی (تعارض سنت‌ها با مدرنیته) نظام سیاسی (حاکمیت مردمسالاری زومداری و ..)، نظام اقتصادی (بیکاری و ...) همراه گردند آن زمان می‌توان گفت که ما با یک آسیب اجتماعی جدی روبرو خواهیم بود. آیا آسیب‌های اجتماعی ساده قابلیت درمان یا پیشگیری دارند؟ آسیب‌های اجتماعی با وجود تنوع چون اموری قانونمند هستند. قابلیت کنترل دارند و چون قابلیت کنترل دارند قابل درمان یا پیشگیری هم قبل از توسعه هستند! اما این امر منوط به شناخت دقیق و واقعی آنها در شیوه پیدایش روش گسترش و شکل‌گیری آنها دارد. امروزه یکی از ویژگی‌های کارایی هر نظامی را قدرت کنترل آسیب‌های اجتماعی آن می‌دانند. آسیب‌های اجتماعی جزء پیامدهای قطعی امور توسعه نیستند. اما خلل در برنامه‌ریزی صحیح توسعه می‌تواند به بروز گسترش آنها دامن زند. آنچنان که مطرح شد ظهور جدی آسیب زمانی است که سه سطح خرد (فردی) میانی (نهادهای) و کلان (ناکارآمدی نظام‌ها) به هم متصل شوند! در مورد وضعیت فعلی حجاب بخشی از آن تابع هجده‌هایی فرهنگی بیگانه است که با دقت و ظرافت‌های هنری جهت ضربه زدن به ارزش‌های دینی صورت می‌پذیرد و بخش دیگری از آن، ورود بی‌رویه عوامل و ابزار مدرنیته است که وارد کشور ما شده و به همراه خود فرهنگی را گسترش می‌دهد که به سختی می‌توان ارزش‌های اخلاقی دینی را با آن هماهنگ کرد. وجود این تعارض‌های ساده در جوانان در زمینه فرهنگی نشان دهنده چیست؟ حقیقت این است که جوانان ما در ایام سوگواری و یا اعیاد، همراهی عجیبی را با ارزش‌های دینی بروز می‌دهند به گونه‌ای که عمق بروز احساسات آنان که همه را متاثر می‌کند این امر می‌رساند که ما در عمق احساس و محبت دینی چیزی کم نداریم. اما کارکردهای غلط بخش‌هایی از نظام بروز کج‌روی‌هایی را به صورت عینی در آنان مساعد می‌کند. به هر حال بروز رفتارهایی که مورد تأیید اخلاق دینی در جامعه نیست، نشان دهنده انرژی‌های هرز رفته جوانان در محیط اجتماعی بوده و علائمی برای درک ضعف در حوزه‌های عمومی جامعه است که این حوزه‌ها نتوانسته‌اند رابطه جوانان را با بخش‌های رسمی و متفکرانه جامعه به خوبی برقرار سازند. بسیاری از مسئولین گاه دچار تعجب می‌شوند که چرا دختران ما در جامعه با این هیبت ظاهر می‌شوند؟ در حالی که آنان توجه نمی‌کنند که این وضعیت پاسخی است که مردم توانسته‌اند این گونه خود را با برنامه‌های آنان هماهنگ سازند. زیرا ارزش‌ها، اموری هستند که در ذهن و باور مردم نقش بسته و مردم آگاهانه یا ناآگاهانه آن را پذیرفته‌اند و براساس آن رفتار نموده و تصمیم می‌گیرند. بخش اعظم این نظام ارزشی از طریق برنامه‌ریزی فرهنگی به مردم القا می‌شود و فرد در مقابل نظام تبلیغی بدون مقاومت آن را می‌پذیرد. تبلیغ فرایندی آگاهانه است که مدیریت فرهنگی از طریق آن، نوع نگرش، نظر و احساس خود را در قالب پیام به مردم می‌رساند. جامعه با نظام تبلیغی خود، الگویی را می‌سازد که براساس آن مفاهیم حکومتی را منتشر کرده و تعامل با حکومت را به مردم می‌آموزد تا مردم ظاهر، زندگی، کار و فعالیت خود را با آنها تنظیم نمایند. هر حکومتی براساس نظام ارزشی خود به مردم آموزش می‌دهد که چگونه با او رفتار کنند. در نظام تبلیغی، هر فرد نقشی را می‌پذیرد که به او القا می‌شود. آیا در این رابطه اراده فردی نقشی موثر نداشته و فرد انسانی بی‌اراده در دست برنامه‌ریزان است؟ خیر. گرچه تمامی عوامل محیطی حتی خانوادگی در شکل‌گیری شخصیت فرد موثر بوده و گاه تعیین‌کننده می‌باشد، اما اراده فردی نقشی اساسی‌تر ایفا می‌کند. در طول تاریخ همواره ما چهره‌هایی را مشاهده کرده‌ایم که با وجود آنکه در یک محیط نامساعد خانوادگی یا محیطی پرورش یافته‌اند، اما زمانی که در معرض درخشش نور ایمان قرار گرفته‌اند به کلی مسیر زندگی خود را تغییر داده و موحد شده‌اند. از جمله این افراد آسیه همسر فرعون، فضیل و بسیاری از شخصیت‌های ممتازی است که در صدر اسلام در اثر بارقه ایمان به خیل مشتاقان اهل بیت پیوسته‌اند. و از جمله شخصیت‌های قرآنی که اثبات‌گر نقش اساسی اراده‌اند. ساحران زمان فرعون هستند. آنان به محض دیدن معجزه حضرت موسی علی‌رغم تهدیدهای فرعون نهراسیده و به

وحدانیت پروردگار اقرار کرده و جان خود را در این راه نهادند در حالی که قبلاً افرادی مشرک بوده و در محیطی شرک آلود بزرگ شده بودند. دیدگاه مردان در پذیرش نقش‌ها چقدر می‌تواند موثر باشد؟ دیدگاه جامعه و مردان در گزینش نوع رفتار زنان اهمیت بسیار دارد. همان گونه که عکس این قضیه نیز اثبات شده است. یکی از مشکلات جامعه ما در امور آموزشی - فرهنگی، شکل آموزش ماست، عموماً در امور فرهنگی ما شیوه آموزش یک سویه را بر می‌گزینیم در صورتی که اگر مردان جامعه ما با نگرش توحیدی به زن آشنایی نداشته باشند زمینه مناسب جهت اجرای ارزش‌ها فراهم نخواهد آمد، متأسفانه بسیاری از مردان جامعه ما هنوز برداشت صحیحی از زن و منزلت حقیقی او ندارند، لذا شاید آموزش مردان در این زمینه اساسی‌تر و مهم‌تر از آموزش زنان باشد. برخی از پسران ما نوع نگرش به زن را از تبلیغات غربی می‌آموزند، در حالی که در این دیدگاه، زن انسانی مادی تلقی می‌شود که فقط باید از او بهره‌برداری جنسی و بهره‌کشی مادی کرد! با کمال تأسف برخی از زنان و دختران ما هم با قبول و پذیرش این نگرش خود را انسان‌هایی تلقی می‌کنند که باید از سرمایه زیبایی و لطافت خود بیشترین استفاده اجتماعی را ببرند تا شاید بتوانند از این طریق آینده‌ای امیدوارکننده‌تر را برای خود رقم زنند! تصور نمی‌کنید قلت حجاب برای برخی به سبب ارضای نیاز درونی زنان باشد و گاهی شنیده می‌شود که این زنان می‌گویند: چون دچار کسالت روحی هستیم به چهره‌پردازی روی می‌آوریم؟ خیر. اگر این بود شاید بخشی از افسردگی این گونه زنان حل می‌شد بلکه این حرکت زن ندانسته برای ارضای نیاز دیگران است. تبلیغات زنان را او می‌دارد تا با اصل گرفتن کارکرد طنزازی خود فعالیت اجتماعی‌شان را سامان دهند در حالی که عوارض این رفتار بیشتر گریبانگیر خود زنان می‌شود و احساس آزادگی و شخصیت را در آن خدشه‌دار می‌سازد و آنان را از آنچه که باید باشند و از آرمان‌ها و مطلوب‌های خود دور و بیگانه می‌سازند. زنان با جلوه زیبایی خود بهای آن را طلب می‌کنند زیرا غرامت سنگینی از شخصیت خود را در قبال آن می‌پردازند. اگر در قبال این جلوه‌گری استقبالی از جانب مردان صورت نگیرد می‌دانید چه لطمه‌ای به روح و روان آنان وارد شده و چه آشفتگی و پریشانی به سراغ آنان خواهد آمد؟ و به هر حال با گذر عمر و وضعیت آشفته رقابت طنزازی چنین امری پیش خواهد آمد. امروزه به نظر می‌رسد هیچ محیطی از نوسانات، نابهنگام‌روانی مصونیت ندارد حتی مراکز فرهنگی - آموزشی! جهان بازیچه عواطف زودگذر و سطحی انسان‌ها شده است و گرفتار آن چیزی شده است که رهایی از آن جز بازگشت به معنویت راه دیگری ندارد. در مقابل هجوم‌های بیگانه و روند شتاب آلود مدرنیته و بی‌تفاوتی نهادهای فرهنگی چه باید کرد آیا باید دست روی دست گذاشت تا هر چه می‌خواهد انجام گیرد؟ بعکس، من ناامید نیستم زیرا؛ یک) حجاب به علت انقلابی بودن، منطقی و عقلانی بودن و گره خوردن با باطن زنان یعنی حیاء آن زمینه را دارد که اگر هر زمان برنامه‌ریزان فرهنگی به خود آیند و برنامه‌های مقطعی، یک بعدی و شعاری را کنار گذاشته و به درستی زنان را مورد خطاب خود قرار دهند، به صورت یک باور علمی - معنوی گسترش یابد و زنان پرچمدار و مبلغ آن گردند. حجاب مانند همه احکام دو بعد دارد؛ بعد "ظاهری و مادی" و بعد "باطنی و معنوی" تا زمانی که بدون پشتوانه حمایت درونی بر بعد ظاهری آن اصرار ورزند (اگرچه به صورت مقطعی پاسخ مناسب می‌یابند) به صورت امر خودجوش نمی‌تواند در جامعه اقامه شود. دو) حجاب جزء اموری است که ملت ما برای جهان حرف دارد، یکی از زیباترین، پرمحتواترین و عمیق‌ترین سخنان قرن، زیر سوال بردن بهره‌کشی زن در تمامی دیدگاه‌های غیرالهی است که بازگشت از آن جز از طریق اشتراک مفاهیمی در شیوه ظاهری متانت‌آمیز زنان صورت دیگری ندارد. لذا یکی از گفتمان‌های تمدن‌ها در آینده حجاب زنان خواهد بود، تبلیغات بین‌المللی اثرات فرهنگی مثبتی در داخل خواهد نهاد. سه) هنوز در کشور ما هیچ مرجع اجرایی مشخصی برای توسعه حجاب وجود ندارد، شاید به سبب آنکه هنوز پس از گذشت سی سال از انقلاب اسلامی، توسعه حجاب به صورت صحیح جزء اولویت‌های برنامه‌های فرهنگی قرار نگرفته است. چهار) مباحث زنان هنوز هم به عنوان مباحث تخصصی شمرده نمی‌شود به این سبب هر فردی در برنامه‌ریزی مباحث زنان خود را کارآمد می‌داند. متأسفانه حتی دایر کردن رشته مطالعات زنان کمک فاحشی به تخصصی شدن مباحث زنان ننموده

است و با این روند فعلی در آینده نیز موثر نخواهد بود. بویژه آنکه ما متخصص مباحث حجاب در جامعه بسیار کم داریم. پنج) شاید در میان احکام اسلامی، علنی‌ترین، گسترده‌ترین و نزدیکترین حکم به ولایت را بتوان حجاب اسلامی دانست. اما متأسفانه تحقیق و تفحص در این زمینه بسیار کم صورت پذیرفته است بویژه آنکه با وجودی که حجاب اسلامی به عنوان لباس کار و فعالیت زن مسلمان جزء مقوله‌های تحقیق در علوم انسانی قرار می‌گیرد بسیار بی‌توجهی و کم‌لطفی به آن صورت گرفته است و تحقیق در مورد حجاب را فقط در عرصه فقیه و علوم قرآنی محدود کرده‌اند. شش) حجاب اسلامی قدرت زن مسلمان است. آن گونه که بسیاری از سیاستمداران کهنه‌کار جهان به آن اذعان داشته‌اند و سعی کرده‌اند انقلاب‌های کشورهای اسلامی را همچون ایران، الجزایر و .. از طریق کوبیدن حجاب زنان مسلمان، جدا کردن جوانان بویژه دختران از خانواده، تبلیغات گسترده درخصوص توسعه منکرات و ... به سستی و رخوت بکشانند. ما حجاب را به گونه‌ای تبلیغ کرده‌ایم که از آن ضعف و زبونی زن برداشت می‌شود، زنان را انسان‌های مستعد فساد، سست اراده، با اندیشه‌های خام تلقی کرده‌ایم و بسیاری، برای مقاومت در برابر این تفکر و اثبات توان فکری، ارادی و عملی خود دست به اقداماتی زده‌اند که گهگاه با ارزش‌ها همخوانی نداشته است. زنان لشکر مخلص و پنهان خدا هستند و در صورت کسب آگاهی در آینده نزدیک به دنبال حق غصب شده خود در دوری از دیدگاه دینی مراکز فرهنگی را زیر سوال خواهند برد که بای‌ذنب قتل؟

پوشی در عهد ایران باستان

منبع: www.balagh.net در فرهنگ واژه‌نامه فارسی میانه (پهلوی) ص ۹۴ (از انتشارات دانشگاه تهران) به واژه «چَوَتور» (چادر) برمی‌خوریم به معنی لباس و پوشش که از واژه‌های پهلوی است و نشان می‌دهد که چادر از ابتدای دوره ساسانیان و حتی قبل از آن دوره کاربرد داشته است زیرا برای آن واژه‌ای به وجود آمده است و آن را به کار می‌برده‌اند. از سروده‌های فردوسی در شاهنامه این نتیجه به دست می‌آید که از ابتدای تاریخ یعنی از دوران پادشاهی جمشید و فریدون، زنان ایران «پوشیده روی» بوده‌اند چنان که در گرفتار شدن دو خواهر جمشید به دست ضحاک، می‌گوید: دو پاکیزه از خانه جَمَشید برون آوردند لرزان چو بید که جمشید را هر دو خواهر بُدند سر بانوان را چو افسر بدند ز پوشیده‌رویان یکی شهرناز دگر ماهرویی به نام آرنواز به ایوان ضحاک بردندشان بدان اژدها فَش سپردندشان و نیز در پیامی که منیژه به بیژن می‌دهد آمده است: به پرده درون دخت پوشیده روی بجوشید مهرش بر آن مهرجوی پس نتیجه می‌گیریم که زن ایرانی از همان دوران باستان، پوشیده‌رویی و حفظ حجاب را یک نوع وظیفه اخلاقی و سنتی خود می‌داند. سنت ملی ایران باستان، بر این اساس استوار بوده که زن‌ها و مرد‌های غیر محرم با یکدیگر اختلاط نداشته باشند. در تصویر یکی از قطعات فرش کشف شده در تپه پازیریک در دامنه کوه آلتائی ۱۹ کیلومتری مرز مغولستان که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در کاوش‌های باستان‌شناسی به وسیله هیئت علمی روسی به دست آمده دو خاورشناس (آقایان بارت و داتسون)، رؤسای هیئت بریتانیایی می‌نویسند: «نقش روی هر مربع صحنه‌ای است مشتمل بر تصویر دو ملکه که چادر بر سر دارند و مراسم مذهبی را انجام می‌دهند، این گونه صحنه‌ها بر روی نقوش مهرهای پارسی عهد هخامنشی دیده شده است.» در خصوص حجاب نکته‌های دیگری نیز وجود دارد که یادآوری آن لازم است: به طوری که از اوستا و کتاب‌های دیگر دینی ایرانیان باستان و مندرجات آنها و نیز اندرزنامه‌های دینی و اخلاقی گوناگونی که وجود داشته، استنباط می‌شود هر چند که رعایت حجاب در هیچ یک از دوره‌های ایران پیش از اسلام تکلیف و دستور دینی نبوده است اما جامعه ایرانی از دوران‌های باستان، حفظ حجاب و «پوشیده‌رویی» را یک نوع وظیفه اخلاقی و سنتی می‌دانسته‌اند که رعایت آن به تدریج جزو سنن ملی و وظیفه اخلاقی جا افتاده و پایدار مانده است. علاوه بر این سنت ملی، پایه زندگانی خانوادگی جامعه ایرانی، همیشه بر این استوار بوده که زن‌ها با مرد‌ها آمیزش نداشته باشند و طرز زندگی در خانه‌ها هم به صورت بیرونی و اندرونی بوده است و اگر می‌بینیم که در شاهنامه اغلب نام

«پس پرده» برده می‌شود، بیشتر منظور همین بوده است: پس پرده تو یکی دختر است شنیدم که تخت مرا درخور است (۲۰) در مجموع، حقوق زن در دوران پیش از اسلام، کارنامه درخشانی نداشته است. در ایران قبل از اسلام، تضاد و اختلاف طبقاتی وجود داشته و در زمان ساسانیان بر رعایت نظم و سیستم طبقاتی شدیداً تأکید می‌شده است. مردم در جامعه ساسانی، به چهار طبقه روحانیان، جنگاوران، کشاورزان و پیشه‌وران تقسیم شده بودند و افراد هر طبقه ملزم بودند که فقط با اعضای طبقه خودشان ازدواج کنند. هر چند اکثریت توده‌های مردم، چه مرد و چه زن، هر دو برده‌وار زندگی می‌کنند و ستمکش و بینوا در آتش بیداد طبقاتی می‌سوزند، اما باز هم این زن است که سهم بیشتری از نامرادی‌ها، ناگواری‌ها و اسارت‌ها را به دوش می‌کشد. بعضی از مورخان سعی کرده‌اند که سلطنت پوراندخت و آذرمدخت را در اواخر عهد ساسانی نشانی از جاه و مقام و منزلت زنان برشمارند، اما اکثر صاحب نظران، نابسامانی و مغشوش بودن وضعیت عامه زنان را مد نظر دارند. در اسلام، پاداش الهی به زن و مرد مسلمان شایسته و نیکوکار، یکسان است آنگاه که خورشید اسلام درخشیدن آغاز کرد، زن ایرانی مسلمان نیز دریافت که در پرتو این دین حیات‌بخش و زندگی‌ساز، می‌تواند پاسخی برای مشکلات خود بیابد. در اندیشه ناب اسلامی، مرد و زن پایگاه یکسانی دارند و بار امانت الهی در این دین حنیف بر دوش نوع انسان است و حمل این امانت، همان گونه که مرد را در بر می‌گیرد، زن را نیز شامل می‌شود و بدین سان است که زن مسلمان ایرانی سر تعظیم خود را در طی قرون و اعصار به پیشگاه این دین فرود آورده است. آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که مبین این حقیقت است: مرد بودن یا زن بودن، در جوهره و ذات انسانی راهی ندارد و مرد و زن از جنس واحدی هستند. آیه‌ای از قرآن مجید در بیان اینکه خداوند متعال به زنان و مردان شایسته به یک میزان پاداش عطا می‌فرماید، ما را کفایت می‌کند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عظيماً» (۲۱) همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مؤمن و زنان مؤمن، مردان اهل طاعت و عبادت و زنان اهل طاعت و عبادت، مردان راستگو و زنان راستگوی، مردان صابر و زنان صبرپیشه، مردان خداترس و خاشع و زنان خداترس و خاشع، مردان مسکین‌نواز و زنان خیر، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان خوددار از تمایلات حرام و زنان باحفاظ و باعفت، مردانی که بسیار یاد خدا می‌کنند و زنانی که بسیار ذکر خدا می‌گویند، برای همه آنها، خداوند مغفرت و پاداش بزرگ، مهیا ساخته است.»

فرهنگ حجاب و عفاف از منظر ادیان الهی

پوشش زن در ادیان الهی همواره برای رسیدن به ریشه یک مطلب و پی بردن به عمق مسئله، باید آن را از دیدگاه و سیر تحولات تاریخی مورد بررسی قرار داد تا به اهمیت بیش از پیش آن دست یافت. نگرشی به دیگر ادیان الهی انسان را به این مهم منتج می‌کند که «عفاف و حجاب» و حفظ آن همواره مورد تأکید خداوند متعال در تمام ادوار و در دوران همه پیامبران الهی بوده است. در آیین زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام که این فصل به بررسی آنها می‌پردازد حجاب بر زنان امری لازم بوده است. کتاب‌های مقدس مذهبی، دستورات و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان چهارگانه، بهترین شاهد و عالی‌ترین گواه بر اثبات این مدعاست. حجاب زنان، از سنن قدیمی تمدن‌های بشری بوده است و در ادیان الهی به خصوص زرتشت، یهود و مسیحیت مسئله حجاب و رعایت آن مطرح بوده است در بعضی از ادیان مثل دین یهود، مسئله حجاب سخت‌تر از حجابی است که اسلام می‌گوید. البته حجاب در بعضی از ادیان الهی گذشته کمی سخت‌تر از حجاب اسلامی بوده است، هر چند امروزه به آن پای بند نیستند. گفتار اول (حجاب در آیین زرتشت نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند، آریایی‌ها بودند. آنان به دو گروه عمده «مادها» و «پارس‌ها» تقسیم می‌شدند. با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس‌ها توانستند دولت ماد را از بین

بیرند و سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیانگذاری کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین، از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند (پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان، ص ۱۷ ۲۶ و ص ۵۱، ۵۴، ۵۶). این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است (پوشاک زنان ایران، ص ۶۴ ۱۹۴). بنابراین، در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند. برابر متون تاریخی، در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده است و زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند، ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع نمود و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به خاطر این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد (آزادی یا اسارت، ص ۱۰۶؛ تورات، باب استر، آیه ۱). در زمان ساسانیان که پس از نبوت زرتشت است افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته «ویل دورانت» پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تختِ روانِ روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است. (تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲).

تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشم‌گیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند (تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۷۸ / زناشویی و اخلاق، ص ۱۳۵) از آن‌جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت» ایران بوده است و آن حضرت در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است، با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید تا با پندهای، خود ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد. به پند و اندرزهای «اشوزرتشت» بنگرید تا تلاش وی برای تعالی و آموزش مبانی حجاب و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطنی، روشن‌تر شود؛ او می‌فرماید: ای نوعروسان و دامادان!... با غیرت، در پی زندگانی پاک‌منشی بر آید... ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ گاه گردِ دروغ و خوشی‌های زودگذری که تباه‌کننده زندگی است، نگردید؛ زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده‌ای است که با شیرینی در آمیخته و همانند خودش دوزخی است. با این گونه کارها، زندگانی گیتی خود را تباه مسازید. پاداش رهروان نیکی، به کسی می‌رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد و کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود. فریب خوردگانی که دست به کردار زشت‌زند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش، فریاد و ناله است (یسنا، ص ۵۳، پندهای ۸۵). گفتنی است که در دین زرتشت، لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است؛ بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش یعنی چادر یا شنلی بر روی آن بوده است، مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند که استفاده از «سدره و کُشتی» لباس مذهبی ویژه زرتشتیان توصیه شده است. در توضیح این دو واژه لازم است بیان شود که «سدره» از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن، چسبیده به بدن پوشیده شود. سدره که در اوستا (ستره) نامیده شده، به معنای آن نیز هست. علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده‌اند. «کُشتی»، کمربند باریکی است که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر بندند البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند (موبد موبدان، رستم شهرزادی، دین و دانش، انجمن زرتشتیان تهران، سال ۱۳۵۷). بنا به گفته موبد «رستم شهرزادی»: پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ

یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد. در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است: « نامی زت واجیم، همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزد» (خرده اوستا، فصل آفرینگان دهمان)؛ یعنی همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن گاه به درگاه دادار اهورمزدا نماز می‌کنیم. بر اساس آموزه‌های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند. در اندرز «آذربادماراسپند» مؤید موبدان آمده است: مرد بدچشم را به معاونت خود قبول مکن (سالنمای ۱۳۷۲، چاپ انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰). پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است. به این نمونه بنگرید: پس از فتح ایران، هنگامی که سه تن از دختران کسری، شاهنشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی همچنان با نقاب، چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد تا پوشش از چهره بر گیرند تا خریداران پس از نگاه، پول بیشتری مبدول دارند. دوشیزگان ایرانی خودداری کردند و به سینه مأمور اجرای حکم عمر مشت زده، آنان را از خود دور ساختند. عمر بسیار خشمناک شد؛ ولی امام علی(ع) او را به مدارا و تکریم آنان توصیه فرمود (حجاب در اسلام، ص ۵۹، به نقل از السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۹). گفتار دوم حجاب در آیین یهود همه مورخان، از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته‌اند (عبدالرسول عبدالحسن الغفّار، المرأه المعاصره، چاپ سوم، ص ۴۰). ویل دورانت می‌گوید: گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود... دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می‌شمردند. با این همه، تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت زندگی جنسی آنان، علیرغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزّه از خطایا بود. زنان آنان، دوشیزگانی محبوب، همسرانی کوشا، مادرانی پُرزا و امین بودند و از آن‌جا که زود وصلت می‌کردند، فحشا به حدّ اقل تخفیف پیدا می‌کرد (تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۶۲ ۶۶). بدون تردید مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تأکید می‌نمود. کاربرد واژه «چادر» و «برقع» که به معنای روپوش صورت است، در آن آیات، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می‌دهد. تورات تشبه مرد و زن به یکدیگر را نهی نموده، می‌گوید: متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این را کند، مکروه «یَهْوَه» خدای توست (تورات، سفر تثبیه، باب ۲۲، فقره ۵). بی‌حجابی سبب نزول عذاب معرفی شده است؛ خداوند می‌گوید: از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پای‌های خویش خلخال‌ها را به صدا می‌آورند. بنابراین خداوند فَرْق سر دختران صهیون را کُل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود. و در آن روز، خداوند زینت خلخال‌ها و پیشانی بندها و هلال‌ها را دور خواهد کرد و گوشوارها و دستبندها و روبندها را و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان‌ها و تعویذها را و انگشترها و حلقه‌های بینی را و زخوت نفیسه و رداها و شال‌ها و کیسه‌ها را و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و برقع‌ها را، و واقع می‌شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موی‌های بافته، کلی و به عوض سینه‌بند، زَنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود؛ مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد و دروازه‌های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست. (تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب سوم، فقره ۱۶ ۲۶) افزون بر موارد فوق، در کتاب مقدس، و جوب پوشاندن موی سر (تورات، سفر اعداد، باب ۵، فقره ۱۸) لزوم پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه (تورات، کتاب روت، باب دوم، فقره ۸ ۱۰)، نهی از لمس و تماس (تورات، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ششم، فقره ۱ و ۲۰ ۲۶) و واژه چادر (همان مدرک، باب سوم، فقره ۱۵)، نقاب (تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب ۴۷، فقره ۱ و ۲) و برقع (تورات، کتاب غزل‌های سلیمان، باب ۴، فقره ۱) آمده است؛ به عنوان نمونه در مورد عروس یهودا می‌خوانیم: پس رخت بیوکی را از خویشتن بیرون کرده، برقعی به رو کشیده و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمنه است، بنشست (تورات، سفر پیدایش، باب ۳۸، فقره ۱۴ و ۱۵). در «تلمود» اصلی‌ترین کتاب فقهی که به گفته ویل دورانت، اساس تعلیم و تربیت یهود

است (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۴). نیز بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمان، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای سایر مردها (همان، ص ۳۱)، پرهیز از نگاه زن به مردان بیگانه (همان، ج ۱، ص ۴۹۲)، اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم (همان، ص ۳۰) و لزوم پرهیز از هر امر تحریک‌آمیز (همان، ج ۱۲، ص ۲۸)، تأکید شده است. برابر حکم سخت‌گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت‌آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ کتوبا (مهریه) طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی‌گیرد؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند و فی‌المثل بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک سری به گفت‌وگو می‌پردازد. زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید (گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۸۶). برخوردار حضرت موسی (علیه السلام) با دختران شعیب که به آنان فرمود تا پشت سر او حرکت کرده، از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند، و نیز سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، بیانگر کیفیت شدید و سخت‌گیرانه حجاب نزد یهودیان است. گفتار سوم (حجاب در آیین مسیحیت مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخت؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شد و طبق نوشته ویل دورانت، در سن بیست سالگی اجباری بود (تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۹)؛ اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد، مقدس شمرده می‌شد. شایان ذکر است که اکنون مسیحیت، ازدواج را برای تمام مسیحیان مقدس می‌شمرد و تنها آن را برای پاپ و اسقف‌های کلیسا ممنوع می‌داند. بنابراین مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزئین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان حتی برای خاتون‌های اشراف ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت آن را تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس و یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می‌جستند. انجیل در موارد فراوان، بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است؛ در انجیل می‌خوانیم: همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو؛ تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند؛ و خرداندیش و عقیفه و خانه‌نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود (انجیل، رساله پولس بتیطس، باب دوم، فقره ۶۱) در «کتاب مقدس» در مورد لزوم آراستگی به حیا و کنار نهادن آرایش ظاهری چنین آمده است: همچنین زنان، خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت‌گران‌بها... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود؛ بلکه در سکوت بماند (انجیل، رساله پولس به تیمونائوس، باب دوم، فقره ۱۵۹). همچنین ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد چون که سیرت طاهر و خدا ترس شما را ببینند و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست؛ زیرا بدین گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت می‌نمودند (انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۶۱) افزون بر موارد پیشین، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی (انجیل، رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب یازدهم، فقره ۱۷۱)، لزوم سکوت به ویژه در کلیسا (همان، باب چهاردهم، فقره ۳۴ ۳۶)، با وقار و امین بودن زن (انجیل، رساله پولس رسول به تیمونائوس، باب سوم، فقره ۱۱) و نهی از

نگاه ناپاک به بیگانگان را خاطر نشان ساخته، می‌گوید: کسی که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است؛ پس اگر چشم راستت، تو را بلغزاند، قلعه کن و از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آن که تمام بدنت در جهنم افکنده شود (انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸ و ۳۰ و باب هجدهم، فقره ۱۰۸). دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی که بر اساس آن پوشاندن صورت الزامی و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آینه و سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا- و دستبند قیمتی، رنگ نمودن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری را نشان می‌دهد (زن و آزادی، ص ۵۳). در مورد سیره عملی زنان مسیحی، دائرة المعارف لاروس می‌گوید: دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد؛ وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می‌رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود (زن و آزادی، ص ۶۵) وایل دورانت نیز در مورد سیره عملی زنان مسیحی چنین می‌نویسد: ساق پای زنان چیزی نبود که در ملأ-عام و یا رایگان به چشم خورد.... البسه بانوان در مجالس توره، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، درازی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از مشمش ظریف و حریر زربفت ساختند... (تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۴۹۸ و ۵۰۰، با اندکی تصرف و تلخیص) تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد (پوشاک اقوام مختلف، ص ۱۱۶). در روایات ما نیز چنین آمده است: حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: از نگاه کردن به زنان پرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می‌رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه کننده کافی است (سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶). دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می‌کند: زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، مگر آن که در خانه خود باشد زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است. (زن و آزادی، ص ۵۳) به استناد قرائن موجود اعم از نمونه‌های لباسی که در گذشته استفاده می‌شده است و شمایل قدیمی حضرت مریم و فرهنگ و تمدن آن زمان در فلسطین می‌توان به اطمینان گفت که حضرت مریم حداقل همین حجابی را که ما می‌شناسیم داشته است. اقلیت‌های مذهبی که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کنند موظفند مقررات و قوانین کشور اسلامی را رعایت کنند. از جمله مواردی که اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی باید رعایت کنند عبارتند از: ۱- رعایت کلیه مقررات و قوانین اسلامی، کشورهای محل اقامت ۲- احترام به مقررات و شعائر دینی ۳- عدم تظاهر به منکرات، (جواهر الکلام، ج ۲۱، کتاب جهاد، صص ۲۷۱ و ۲۶۸). اقلیت‌های مذهبی نمی‌توانند سنت‌های حاکم بر جامعه اسلامی را بشکنند و طبق قراردادشان با حکومت اسلامی نباید به حدود و احکام اسلامی تجاوز کنند. گفتار چهارم (حجاب در آیین اسلام حجاب به عنوان یکی از شعائر برجسته اسلام، موضوعی جالب توجه و مورد مناقشه بین اصحاب فکر، عالمان دینی و همچنین شهروندان جامعه دینی قرار گرفته است. حجاب همچنین بعد از رشد روز افزون پدیده بانوان محجبه در کشورهای غربی به یکی از چند مبحث مورد توجه مردمان مغرب زمین تبدیل شده تا جایی که جنبه‌های نظری و معرفتی در کنار جنبه‌های عملی و رفتاری آن مورد بررسی و مذاقه دانشمندان و جامعه شناسان آن دیار نیز قرار گرفته است. «حجاب»، این واژه عربی، در نگاهی به معنای پوشیدن، پوشش، پرده و حاجب است که البته در این میان، معنای «پرده» بیشترین کاربرد را دارد و همین امر موجب شده است که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. اندیشمند شهید

مرتضی مطهری در این باره می‌فرماید: پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. حدود این پوشش را با استفاده از قرآن و منابع سنت، می‌توان به دست آورد. آیاتی که در این باره هست، چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بدون آنکه کلمه «حجاب» را به کار برده باشد. حجاب دارای ابعاد مختلفی همچون معرفتی، دینی، تاریخی و نمادین است. حجاب به تعبیری روشن یکی از مرزهای نفوذ ناپذیر عالم اسلام با دنیای غیر است. رد پای حجاب در غرب حتی به حوزه‌های پسامدرنیسم، فمینیسم بومی و اسلامی، نماد و سبک‌شناسی و مسائل قدرت کشیده شده است. این موارد فقط واجد یک مفهوم اند: قدرت و اهمیت حجاب بعد از تولدش در مشرق زمین هنوز هم در بسیاری از مناطق جهان نشانه زنده بودن سنت و دین است. اما حجاب در نگاه غرب، نماد غیریت اسلام و همچنین نماد و مظهر ظلم به زنان مسلمان است. این طرز تلقی ناصواب از حجاب در مواردی بسیار، احساسات ضد اسلامی آنها را بر می‌انگیزد. حجاب در معنای کلی و عملی آن در غرب فرآیندی را سبب ساز شده است که فرد محجبه، آن را به عنوان نماد و شاخص موقعیت اجتماعی و هویت خویش قرار می‌دهد. حجاب امروز به خصوص در غرب به واسطه موج‌گرایی به آن متضمن پیوندهای پیچیده علائق و باورهای فردی، سیاسی و مذهبی است. حجاب برای بسیاری نماد آشکاری از ایمان و عقیده شخصی آمیخته با مسائل دینی و فرهنگی است و برای بسیاری دیگر مبارزه‌ای سیاسی و عبادی علیه وضع موجود و مبارزه‌ای نمادین برای بهبود شرایط موجود. حجاب هر چه باشد به مانند سایر تکالیف وابسته به اصول اسلام یک تکلیف است. تکلیفی به مثابه پرچمی که مشخص می‌کند چگونه باید زیست و برای تقرب به خدای خویش آن را باید رعایت کرد. البته حجاب هم نه تحمیلی بلکه انتخابی است؛ زیرا یکی از افتخارات دین اسلام این است که دین انتخاب است نه تحمیل. مگر نه اینکه نمی‌توان به زور آدمیان را با حجاب یا بی حجاب کرد. نمونه بارز آن شکست پروژه کشف حجاب اجباری رضاخان است. رضا شاه در پروژه اش شکست خورد. چون از مبانی ذهنی و فکری مردم که همانا ارادت قلبی به دستورات اسلام است، ناآگاه بود. بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق اقوام و ملل، حجاب در میان زنان معمول بوده، هر چند فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است و گاهی با اعمال سلیقه‌ی حاکمان تشدید یا تخفیف یافته است ولی هیچ‌گاه به طور کامل از میان نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی یاد می‌کنند که زنان شان دارای حجاب مناسب نبوده یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند. تعداد این اقوام به قدری نادر است که در مقام مقایسه - به قول اندیشمندان - قابل ذکر نیستند و شاید بتوان گفت وجود برخی موانع سبب جلوگیری از بروز تمایلات و استعدادهای فطری و طبیعی آنان شده است و یا عواملی باعث انحراف آنان از مسیر فطرت گشته است (حجاب در ادیان الهی، ص ۲۲). شهید مطهری در مورد این که کدامین اقوام دارای حجاب بوده اند چنین بیان می‌کند: در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است و از آن چه در قانون اسلام آمده سخت‌تر بوده است اما در عرب جاهلیت حجاب وجود نداشته است و به وسیله‌ی اسلام در عرب پیدا شده است (مسئله حجاب، ص ۵). «مهدی قلی هدایت» در کتاب «خاطرات و خطرات» در خصوص پوشش زنان در ملل مختلف می‌گوید: اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم به خوبی حجاب و پوشش زن را در می‌یابیم؛ براون و اشناپور، نویسنده‌ی غربی، در کتابی به نام پوشاک اقوام مختلف، پوشاک اقوام گوناگون جهان از عهد باستان تا قرن بیستم را به صورت مصور ارائه کرده‌اند. نگاهی کوتاه به این کتاب روشن‌گر این واقعیت است که در عهد باستان در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتی‌ها، یونانیان و اهالی روم، آلمان، خاور نزدیک و برخی مناطق دیگر پوشش زن به طور کامل رعایت می‌شده است، به گونه‌ای که زنان چین در معابر عمومی جز در پرده و ملحفه ظاهر نمی‌شدند و در خانه نیز دارای اندرونی و بیرونی بوده‌اند. (خاطرات و خطرات، ج ۴ ص ۴۰۵) بدون شک، پوشش زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است

، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می دهند، آگاه است (نور، آیه ۳۰) و به بانوان باایمان بگو چشم‌های خود را فروپوشند و عورت‌های خود را از نگاه دیگران پوشیده نگاه دارند و زینت‌های خود را، جز آن مقداری که ظاهر است، آشکار ن سازند و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند و زینت‌های خود را آشکار ن سازند؛ مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، پسرانشان، پسران همسرانشان، برادرانشان، پسر برادرانشان، پسر خواهرانشان، زنان هم‌کیشانشان، کنیزانشان و مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند و کودکانی که از امور جنسی بی‌اطلاعند و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های پنهانشان آشکار شود و همگی به سوی خداوند توبه کنید ای مومنان؛ باشد که رستگار شوید (نور، آیه ۳۱). افزون بر آن، در آیات دیگر، پوشیدگی کامل اندام (احزاب، آیه ۵۹)، نیک و شایسته، با وقار و بدور از تحریک سخن گفتن و دوری از آرایش‌های جاهلیت نخستین توصیه شده است (احزاب، آیه ۳۲). در روایات نیز پوشیدن جامه بدن‌نما و نازک نزد نامحرم (سنن ابی‌داوود، ج ۲، ص ۳۸۳)، آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۳)، اختلاط فساد برانگیز زن و مرد (ناسخ التواریخ، ج ۲)، دست دادن و مصافحه با نامحرم (همان، ص ۱۶۳) و تشبه به جنس مخالف (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۸) منع شده است و مردان با غیرت (نهج‌الفصاحه، ص ۱۴۳)، به هدایت و کنترل همسر و دختران، عفت نسبت به زنان مردم (وسایل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸ و ۱۴۱) و دوری از چشم‌چرانی توصیه شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده و گرایش‌های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است. اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان، اروپا، قوم یهود و ... مرسوم بوده است. اسلام، نه تنها واضح قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارائه نموده است. پس معلوم شد که تفاوت اساسی حجاب اسلامی با حجاب ادیان گذشته، در این است که اسلام وجوب پوشش زنان را متناسب با شئون انسان، با تعدیل و نظم مناسب و به دور از افراط و تفریط، سهل‌انگاری مضر یا سخت‌گیری بی‌مورد به جامعه بشری ارزانی داشته است. حجاب اسلامی همچون حجاب مورد توصیه پاپ‌ها، به معنای حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را پوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد تا در جامعه، غریزه آتشین جنسی تحریک نگردد؛ بلکه در محیط خانواده، این غریزه به صورت صحیح ارضا گردد.

حجاب در مسیحیت و یهود

از تاریخ استفاده می‌شود که آن‌ها هم نوعی حجاب داشتند. منتها حجاب‌های آنان با حجاب‌های مسلمین فرق داشته. شاید این که در روایات اسلامی داریم کنیزها واجب نیست سرشان را پوشانند، به خاطر این بوده که اینان مسلمان نبودند، تحت حکومت اسلامی آمدند و حجاب را در تمام بدن رعایت می‌کنند، منتها در موهای سر رعایت نمی‌کردند. این در حالی است که ما می‌بینیم بعضی از اهل کتاب هم پوشش سر را رعایت می‌کردند. در مورد حکومت اسلامی که نسبت به این‌ها چگونه رفتار کردند، به یقین حکومت اسلامی، فشار زیادی روی اهل کتاب و اهل ذمه نداشته و شاید در میان آن‌ها زنانی بودند که موهای خود را نمی‌پوشاندند و در اجتماع ظاهر می‌شدند ولی گاهی می‌شود اگر تبعیضی میان زنان مسلمان و غیر مسلمان در یک جامعه واقع شود، به عنوان ثانوی، منشأ مشکلات می‌شود مثل زنان عصر ما، حکومت اسلامی می‌تواند از آن‌ها هم بخواهد برای رعایت احترام جامعه اسلامی و هم‌رنگ شدن با مسلمین و برای این که در محیط تبعیضی نباشد، احتراماً ارزش‌های کشوری را که در آن زندگی می‌کنند، رعایت کنند که یکی از آن ارزش‌ها حجاب است. طبق تصریح قرآن کریم، نماز و روزه در همه ادیان الهی وجود داشته

است و بر طبق تورات و انجیل و حتی گفته‌های باقی مانده از زرتشت، حجاب بر زنان واجب بوده و نگاه به نامحرم حرام بوده است. البته حجاب در ادیان الهی گذشته کمی سخت‌تر از حجاب اسلامی بوده است. برای آگاهی بیشتر ر. ک: حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنائی. به استناد قرائن موجود اعم از نمونه‌های لباسی که در گذشته استفاده می‌شده است و شمایل قدیمی حضرت مریمو فرهنگ و تمدن آن زمان در فلسطین می‌توان به اطمینان گفت که حضرت مریم حداقل همین حجابی را که مامی‌شناسیم داشته است. چنان که خود اشاره کرده آیه ۳۱ سوره ی نور حدود پوشش را مشخص می‌کند: ب) اقلیت‌های مذهبی که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کنند موظفند مقررات و قوانین کشور اسلامی را رعایت کنند از جمله مواردی که اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی باید رعایت کنند عبارتند از: ۱- رعایت کلیه مقررات و قوانین اسلامی، کشورهای محل اقامت ۲- احترام به مقررات و شعائر دینی ۳- عدم تظاهر به منکرات، (جواهر الکلام ج ۲۱ کتاب جهاد صفحه ۲۷۱ و ۲۷۰ و ۲۶۹ و ۲۶۸ شیخ محمد حسن نجفی (ره) انتشارات دارالکتاب الاسلامیه). اقلیت‌های مذهبی نمی‌توانند سنت‌های حاکم بر جامعه اسلامی را بشکنند طبق قراردادشان با حکومت اسلامی نباید به حدود و احکام اسلامی تجاوز کنند. ج) حجاب زنان، از سنن قدیمی تمدن‌های بشری بوده است و در ادیان الهی دین به خصوص زرتشت، یهود و مسیحیت مسئله حجاب و رعایت آن مطرح بوده است در بعضی از ادیان مثل دین یهود، مسئله حجاب سخت‌تر از حجابی است که اسلام می‌گوید. البته حجاب در بعضی از ادیان الهی گذشته کمی سخت‌تر از حجاب اسلامی بوده است، هر چند امروزه به آن پای بند نیستند.

حجاب بانوان در ادیان آسمانی

در مورد حضرت آدم و حوا و فرزندان‌شان آنچه از پوشش آمده تنها پوشیدن شرمگاه آدم و حوا با برگ‌های درختان بهشتی است که در متن قرآن کریم آمده است و جز آن هیچگونه مطلبی در دست نیست. البته تا پیش از بلوغ نوادگان آدم و حوا، خانواده واحد و محرم یکدیگر بودند، اما از وضعیت پس از آن هیچ نشانی در دست نیست. در دوران نوح و ابراهیم (ع) از امام باقر (ع) نقل شده که در زمان نوح (ع) هفت صد نفر از زنان جامه‌های رنگ شده پوشیدند و خود را به زیورها و عطرها آراستند و از پرده‌های خود به در آمدند و در شهرها متفرق شدند! و در مجالس مردان در عیدها حاضر و جمع می‌شدند و در صف آنان می‌نشستند. از عبارت در شهرها معلوم می‌شود که این سخن مربوط به پیش از طوفان است؛ چرا که پس از طوفان با حداکثر ۸۰ نفر باقیمانده تنها دهی را یا در کوفه و یا در موصل در شمال عراق بر پای نمودند و شهرها و جمعیتی این چنین و عصیانی در این حد نداشتند. از عبارت از پرده‌های خود، معلوم می‌شود که زنان در آن زمان پرده‌نشین بوده‌اند و یا حجاب داشته‌اند که در متن اصل عربی خبر همین کلمه آمده است و شگفتا که این نخستین متن خبر معتبری است که در آن حکایت حجاب از پیش از آن زمان و نقض آن در آن دوران آمده است. پس بانوان باایمانی که به همراه نوح (ع) در طوفان به کشتی وی سوار بوده‌اند با حجاب بوده‌اند، بنابراین الزاماً یا لااقل ترجیحاً و غالباً جدای از مردان بوده‌اند اما نسبت به حضرت ابراهیم (ع) کسانی جز خانواده و خاله‌زاده‌اش لوط (ع) مؤمنی شمرده نشده است. امام صادق (ع) فرموده است: دختر خاله حضرت ابراهیم، ساره که خوش صورت بود به او ایمان آورد و همسر او شد و پس از بت‌شکنی ابراهیم (ع) و محکومیت به آتش سوزی و سالم ماندنش و تبدیل محکومیت وی به تبعید و جلای وطن به شام، حضرت ابراهیم (ع) برای این سفر الزامی صندوقی تهیه کرد تا همسرش ساره را در آن نهاده و از دید مردم پنهان دارد که البته این بیش از مقدار حجاب لازم شرعی و به جهت خصوصیت مورد خاص بوده است، اما اجمالاً نشانی از وجود حجاب خواهد بود به ویژه که این رفتار مستند به غیرت حضرت ابراهیم (ع) شده است. شاید روشنتر از آن متنی از سفر پیدایش تورات باشد که حاکی از وجود حجاب در خاندان ابراهیم (ع) می‌باشد، آنگاه که زنی به نام رفقه همراه با خدمتگزار اسحاق (ع) به سوی وی بر روی شترانشان می‌روند، و اسحاق از دور به استقبال آنها می‌رود رفقه اسحاق را در صحرائی می‌بیند و می‌فهمد که مردی است و به

استقبال آنها می‌آید اما او را نمی‌شناسد لذا از خدمتگزار اسحاق که همراهش بر روی شتر بود می‌پرسد: «این مرد که در صحرا به استقبال ما می‌آید کیست؟ خادم گفت: آقای من (اسحاق) است. پس رفقه از شتر خود فرود آمد و برقع خود را بر گرفت و خود را پوشانید.» موسی (ع) و موسویان یهودی در قرآن کریم در داستان فرار موسی (ع) از کاخ فرعون به سوی شهر مدین آمده است که دختر شعیب از طرف پدرش، موسی (ع) را فراخواند چون به نزد پدرش شعیب رسیدند پیشنهاد کرد که از موسی برای چرانیدن گوسفندان کمک بخواهد و گفت: او نیرومند و امانتدار است. در خبر از امام رضا (ع) آمده است که شعیب از او پرسید: امانتداری او را چگونه دانستی؟ گفت: چون او را از سوی شما فرا خواندم و به راه افتادیم از من خواست پشت سر او حرکت کنم و راه را به او نشان دهم؛ تا چیزی از من نیند که این حجب و حیا و احتشام موسی (ع) را می‌رساند این می‌رساند که ندیدن جایی از زن ملاک امین بودن شمرده شده اگر حجاب و پوششش یک ارزش نبود، ندیدن چیزی از زن ملاک امین بودن شمرده نمی‌شد، بلکه حجب و حیای دختر شعیب را نیز می‌رساند زیرا ندیدن چیزی از زن را ملاک امین بودن شمرده است پس نزد خودش نیز پوششش یک ارزش شمرده می‌شود. اما در تاریخ تمدن ویل دورانت به نقل از اصول اخلاقی تلمود یهود آمده است که: اگر زنی به نقض قانون یهودی می‌پرداخت، چنانچه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت میان مردم می‌رفت... که به روشنی حاکی است که بی‌روسری به میان مردم رفتن زنان، خلاف قانون شرع یهود است. از دوران موسی (ع) خبر دیگری در قصص الانبیاء در دست است که گوید: عموزاده موسی (ع) قارون که همراه فرعونیان و همانند آنان شده بود، چهارهزار جنگجو و سیصد کنیز و کلفت و خدمتگزار زن آراسته همراهشان بود این متن تنها گزارش از نقض حجاب دارد و نسبت به وجود حجاب ساکت است. گرچه در خبری آمده است که پس از موسی (ع) وصی وی یوشع بن نون لشکر کشی و فتوحاتی نموده است و در یکی از شهرها شخصی از بنی اسرائیل که مؤمن متدینی بود و شهرت یافته بود که اسم اعظم را می‌داند و لذا مستجاب‌الدعا می‌باشد به نام بلعم وقتی که لشکریان یوشع به آن شهر رسیدند سردار شهر که قصد مقاومت داشت از بلعم خواست که علیه لشکریان یوشع نفرین کند، بلعم نفرین نکرد اما به آن سردار گفت: به زنان دستور بده که خود را بیارایند و به میان لشکریان بروند و خود را بر آنان عرضه کنند و طاعون گرفتند و در ظرف سه ساعت هفتاد هزار نفر از طاعون مردند که شاید شاهی بر نقض حجاب باشد. اما پرورش مریم (س) بنا به شریعت موسی (ع) بوده و در این موضوع در خبری از امام باقر (ع) آمده است که: چون مریم به سن بلوغ زنان رسید خداوند به زکریا وحی فرمود که برای مریم پرده‌ای بکشد که پنهان باشد که این حاکی از حجاب است. عیسی پس از موسی (ع) پیغمبر اولوالعزم جدید بود اما نه با شریعتی جدید که مبعوث به همان شریعت موسی بود مگر موارد نادری، پس بنا بر ثبوت حجاب در شریعت تورات موسی (ع) شامل مسیحیان عیسوی نیز هست، گرچه در اناجیل چهارگانه رسمی باقیمانده و همچنین در رساله پیوسته به اناجیل، حکمی درباره حجاب در دست نیست. پولس در رساله (نامه) خود به مبشر و مبلغی قرانتیان بر پوشش و حجاب زن در وقت دعا و نیایش شدیداً تأکید دارد آنجا که گوید: در دل انصاف دهید، آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند؟! می‌خواهم شما بدانید. اگر زن را مو بریدن یا تراشیدن قبیح است (پس) باید بپوشد (و) اگر زن نپوشد موی را (گویا) ببرد (پس) هر زنی که سر برهنه دعا کند چنان است که (سرش) تراشیده شود! (و) سر خود را رسوا سازد! از این جهت زن می‌باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان. پس به نظر می‌رسد ۱. پوشیدن در غیر مواقع دعا، مفروغ‌عنه بوده است آنچه تأکید شده پوشش هنگام دعا یا نماز است؛ ۲. گویا حجاب به عنوان یک عزت و کرامت برای زن مطرح شده است.

پوشی زن در ادیان دیگر

پوشش و عفاف از آن جهت که یک امر فطری است و برای حیات اجتماعی انسان ضرورت دارد، در ادیان و مذاهب الهی دارای جایگاه خاصی است. تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش را بر زن واجب و لازم شمرده‌اند و جامعه بشری را به سوی آن

فراخوانده‌اند زیرا حیا و لزوم پوشش به طور طبیعی در نهاد زنان به ودیعت نهاده شده و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریح شده است. بر اساس اصل لزوم هماهنگی و تناسب آفرینش و قانونگذاری، (۱) خداوند لباس و پوشاک را در لابلای نعمت‌های بیکرانیش به بشر ارزانی داشت (۲) و اشتیاق درونی زنان به «حجاب را با تشریح قانون پوشش مستحکم ساخت تا گوهر هستی «زن در صدف پوشش صیانت گردد و جامعه از فرو افتادن در گرداب فساد و تباهی نجات یابد. بدون تردید جهان بینی و انسان شناسی هر فرهنگ و مکتب، نقش اساسی و مهمی در انتخاب نوع و کیفیت پوشش دارد. (۳) بر اساس جهان بینی ادیان الهی که انسان خلیفه خداوند و مرکز و محور جهان هستی است و رسالت کسب معرفت و تهذیب نفس و اصلاح جامعه را بر دوش دارد و حیاتش در جهان آخرت نیز ادامه دارد، باید جسم زن و چشم مرد پوشیده گردد تا غرایز شهوانی مهار و کنترل شود و استعدادهای معنوی و عقلانی بشر در پرتو رهیافت‌های فطری و هدایت‌های وحیانی شکوفا گردد. گرچه انتخاب لباس و پوشاک بر آیند اندیشه و اراده آدمی است، ولی بر بینش و اراده انسانی نیز تاثیر می‌گذارد و می‌تواند به عنوان زمینه‌ساز تعالی یا انحطاط فردی و اجتماعی نقش آفرینی نماید. در آیین زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام - که این مقاله به بررسی آنها می‌پردازد - حجاب بر زنان امری لازم بوده است. کتاب‌های مقدس مذهبی، دستورات و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان چهارگانه، بهترین شاهد و عالی‌ترین گواه بر اثبات این مدعاست. حجاب در آیین زرتشت نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند، آریایی‌ها بودند. آنان به دو گروه عمده «مادها» و «پارس‌ها» تقسیم می‌شدند. با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس‌ها توانستند دولت ماد را از بین ببرند و سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیانگذاری کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند. (۴) این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. (۵) بنابر این، در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند. برابر متون تاریخی، در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر ایچ بوده است و زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند، ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع نمود و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به خاطر این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران را از دست داد. (۶) در زمان ساسانیان - که پس از نبوت زرتشت است - افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته ویل دورانت پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرات نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است. (۷) تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشم‌گیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند. (۸) از آن‌جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت ایران بوده است و آن حضرت در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است، با تایید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید تا با پندهای، خود ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم نموده، عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد. به پند و اندرزهای «اشو زرتشت بنگرید تا تلاش وی برای تعالی و آموزش مبانی حجاب و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطنی، روشن‌تر شود. او می‌فرماید: ای نوع‌روسان و دامادان!... با غیرت، در پی زندگانی پاک‌منشی بر آید... ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ گاه گرد دروغ و خوشی‌های زودگذری که

تباه کننده زندگی است، نگردد زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده‌ای است که با شیرینی درآمیخته و همانند خودش دوزخی است. با این گونه کارها، زندگانی گیتی خود را تباه مسازید. پاداش رهروان نیکی، به کسی می‌رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد و کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود. فریب خوردگانی که دست‌به‌کردار زشت‌زند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش و فریاد و ناله است. (۹) گفتنی است که در دین زرتشت، لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش - یعنی چادر یا شنلی بر روی آن - بوده است، مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند که استفاده از سدره و کشتی - لباس مذهبی ویژه زرتشتیان - توصیه شده است. (۱۰) البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند. بنا به گفته مؤید «رستم شهرزادی پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد. در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است: «نامی زت واجیم، همگی سر و پوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزد (۱۱) یعنی همگان نامی ز تو بر گویم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن گاه به درگاه دادار اهورمزد نماز می‌کنیم. بر اساس آموزه‌های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند. در اندرز «آذربادماراسپند» مؤید موبدان آمده است: «مرد بدچشم را به معاونت خود قبول مکن (۱۲)». پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است. به این نمونه بنگرید: پس از فتح ایران، هنگامی که سه تن از دختران کسری، شاهنشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی همچنان با نقاب، چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد تا پوشش از چهره بر گیرند تا خریداران پس از نگاه، پول بیشتری مبدول دارند. دوشیزگان ایرانی خودداری کردند و به سینه مامور اجرای حکم عمر مشت زده، آنان را از خود دور ساختند. عمر بسیار خشمناک شد زولی امام علی (ع) او را به مدارا و تکریم آنان توصیه فرمود. (۱۳) حجاب در آیین یهود همه مؤرخان، از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته‌اند (۱۴). ویل دورانت می‌گوید: گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود. . . . دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می‌شمردند. با این همه، تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود. (۱۵) نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت. (۱۶) زندگی جنسی آنان، علی‌رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزله از خطایا بود. زنان آنان، دوشیزگانی محبوب، همسرانی کوشا، مادرانی پرزا و امین بودند و از آن‌جا که زود وصلت می‌کردند، فحشا به حداقل تخفیف پیدا می‌کرد. (۱۷) بدون تردید مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تاکید می‌نمود. کاربرد واژه «چادر» و «برقع» که به معنای روپوش صورت است، در آن آیات، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می‌دهد. تورات تشبه مرد و زن به یکدیگر را نهی نموده، می‌گوید: متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد زیرا هر که این را کند، مکروه «یهوه خدای تو ست. (۱۸) بی‌حجابی سبب نزول عذاب معرفی شده است خداوند می‌گوید: از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پای‌های خویش خلخال‌ها را به صدا می‌آورند» بنابراین خداوند فرق سر دختران صهیون را کل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود» و در آن روز، خداوند زینت خلخال‌ها و پیشانی‌بندها و هلال‌ها را دور خواهد کرد» و گوشوارها و دستبندها و روبندها را × و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان‌ها و تعویذها را × و انگشترها و حلقه‌های بینی را × و زخوت نفیسه و رداها و شال‌ها و کیسه‌ها را × و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و برقع‌ها را × و واقع می‌شود که به عوض عطریات، فونت خواهد شد و به عوض کمر بند، ریسمان و به عوض موی‌های بافته، کلی و به عوض سینه‌بند، زنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود × مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد × و دروازه‌های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست. (۱۹) افزون بر موارد فوق، در کتاب مقدس،

و خوب پوشاندن موی سر (۲۰) لزوم پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه (۲۱)، نهی از لمس و تماس (۲۲) و واژه چادر (۲۳)، نقاب (۲۴) و برقع (۲۵) آمده است. به عنوان نمونه در مورد عروس یهودا می‌خوانیم: پس رخت بیوکی را از خویشتن بیرون کرده، برقی به رو کشیده و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمنه است، بنشست. (۲۶) در «تلمود» اصلی‌ترین کتاب فقهی که به گفته ویل دورانت، اساس تعلیم و تربیت یهود (۲۷) است، نیز بر لزوم پوشاندن سر از نامحرم، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای سایر مردها (۲۸)، پرهیز از نگاه زن به مردان بیگانه، (۲۹) اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم (۳۰) و لزوم پرهیز از هر امر تحریک‌آمیز، (۳۱) تاکید شده است. برابر حکم سخت‌گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت‌آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ کتوبا (مهریه) طلاق دهد و زانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی‌گیرد. زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند و فی‌المثل بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک سری به گفت‌وگو می‌پردازد. زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید. (۳۲) برخوردار حضرت موسی (ع) با دختران شعیب که به آنان فرمود تا پشت سر او حرکت کرده، از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند، و نیز سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، بیانگر کیفیت‌شدید و سخت‌گیرانه حجاب نزد یهودیان است. حجاب در آیین مسیحیت مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری و خوب حجاب را مطرح ساخت. زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شد و طبق نوشته ویل دورانت، در سن بیست‌سالگی اجباری بود (۳۳) اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، مجرد، مقدس شمرده می‌شد. (۳۴) بنابر این مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزئین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان - حتی برای خاتون‌های اشراف - ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت. بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت آن را تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس و یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرم، شرکت می‌جستند. انجیل در موارد فراوان، بر وجوب حجاب و پوشش تاکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است. در انجیل می‌خوانیم: همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو × تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند × و خرداندیش و عقیفه و خانه‌نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود × (۳۵) در «کتاب مقدس در مورد لزوم آراستگی به حیا و کنار نهادن آرایش ظاهری چنین آمده است: همچنین زنان، خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز. نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها × ... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد × و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود. بلکه در سکوت بماند × (۳۶) همچنین ای زنان، ... × و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس × بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گران‌بهاست × زیرا بدین گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت می‌نمودند. (۳۷) افزون بر موارد پیشین، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی، (۳۸) لزوم سکوت به ویژه در کلیسا، (۳۹) با وقار و امین بودن زن (۴۰) و نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان را خاطر نشان ساخته، می‌گوید: کسی که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است × پس اگر چشم راست، تو را بلغزند، قلعش کن و از خود دور انداز. زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آن که

تمام بدن در جهنم افکنده شود × (۴۱) دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی که بر اساس آن پوشاندن صورت الزامی و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ نمودن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ نمودن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری را نشان می‌دهد. (۴۲) در مورد سیره عملی زنان مسیحی، دائرة المعارف لاروس می‌گوید: دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد و وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می‌رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود. (۴۳) ویل دورانت نیز در مورد سیره عملی زنان مسیحی چنین می‌نویسد: ساق پای زنان چیزی نبود که در ملا-عام و یا رایگان به چشم خورد... البسه بانوان در مجالس تورنه، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، درازی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از مشمش ظریف و حریر زربفت ساختند... (۴۴) تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد. (۴۵) حجاب در آیین اسلام بدون شک، پوشش زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «و به بانوان بایمان بگو چشم‌های خود را فروپوشند و عورت‌های خود را از نگاه دیگران پوشیده نگاه دارند و زینت‌های خود را، جز آن مقداری که ظاهر است، آشکار نسازند و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند و زینت‌های خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، پدرانشان، پسرانشان، پسران همسرانشان، برادرانشان، پسر برادرانشان، پسر خواهرانشان، زنان هم‌کیششان، کنیزانشان و مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند و کودکانی که از امور جنسی بی‌اطلاعتند و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های پنهانشان آشکار شود و همگی به سوی خداوند توبه کنید ای مؤمنان باشد که رستگار شوید». (۴۶) افزون بر آن، در آیات دیگر، پوشیدگی کامل اندام، (۴۷) نیک و شایسته، با وقار و بدور از تحریک سخن گفتن و دوری از آرایش‌های جاهلیت نخستین، (۴۸) توصیه شده است. در روایات نیز پوشیدن جامه بدن‌نما و نازک نزد نامحرم (۴۹)، آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه (۵۰)، اختلاط فساد برانگیز زن و مرد (۵۱)، دست دادن و مصافحه با نامحرم (۵۲) و تشبه به جنس مخالف (۵۳) منع شده است و مردان با غیرت، (۵۴) به هدایت و کنترل همسر و دختران، عفت نسبت به زنان مردم (۵۵) و دوری از چشم‌چرانی توصیه شده‌اند. پس معلوم شد که تفاوت اساسی حجاب اسلامی با حجاب ادیان گذشته، در این است که اسلام وجوب پوشش زنان را متناسب با شئون انسان، با تعدیل و نظم مناسب و به دور از افراط و تفریط، سهل‌انگاری مضر یا سخت‌گیری بی‌مورد به جامعه بشری ارزانی داشته است. حجاب اسلامی همچون حجاب مورد توصیه پاپ‌ها، به معنای حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری از شرکت در مسایل اجتماعی نیست بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد تا در جامعه، غریزه آتشین جنسی تحریک نگردد بلکه در محیط خانواده، این غریزه به صورت صحیح ارضا گردد. پی‌نوشت: ۱. روم، آیه ۳۰. ۲. اعراف، آیه ۲۷. ۳. شهید مطهری، جهان‌بینی توحیدی، ص ۷۵. ۴. جلیل ضیاءپور، پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان، ص ۱۷ - ۲۶ و ص ۵۱، ۵۴، ۵۶. ۵. جلیل ضیاءپور، پوشاک زنان ایران، ص ۶۴ - ۱۹۴. ۶. فرهنگ قائم‌مقامی، آزادی یا اسارت، ص ۱۰۶. ۷. تورات، باب استر، آیه ۱. ۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲. ۹. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۳. ۱۰. پندهای ۵ - ۸. ۱۱. فرهنگ زرتشت‌پیمبر ایران رستم شهرزادی، آموزش گات‌ها، انجمن زرتشتیان، آبان ۶۷. ۱۲. «سدره از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن، چسبیده به بدن پوشیده شود. سدره که در اوستا (ستره) نامیده شده، به معنای آن نیز هست. علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده‌اند. «کشتی، کمر بند باریکی است که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر بندند مؤبد موبدان، رستم شهرزادی، دین و دانش، انجمن زرتشتیان تهران، سال ۱۳۵۷.

۱۱. خرده اوستا، فصل آفرینگان دهمان . ۱۲ . سالنمای ۱۳۷۲، چاپ انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰ . ۱۳ . وشنوه‌ای، حجاب در اسلام، ص ۵۹، به نقل از السیره الحلیه، ج ۲، ص ۴۹ . ۱۴ . عبدالرسول عبدالحسن الغفار، المراه المعاصره، چاپ سوم، ص ۴۰ . ۱۵ . ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۶۶ . ۱۶ . ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۶۲ . ۱۷ . همان، ص ۶۳ . ۱۸ . تورات، سفر تثنيه، باب ۲۲، فقره ۵ . ۱۹ . تورات، کتاب اشعیا نبی، باب سوم، فقره ۱۶ - ۲۶ . ۲۰ . تورات، سفر اعداد، باب ۵، فقره ۱۸ . ۲۱ . تورات، کتاب روت، باب دوم، فقره ۸ - ۱۰ . ۲۲ . تورات، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ششم، فقره ۱ - ۱۰ و ۲۰ - ۲۶ . ۲۳ . همان مدرک، باب سوم، فقره ۱۵ . ۲۴ . تورات، کتاب اشعیا نبی، باب ۴۷، فقره ۱ و ۲ . ۲۵ . تورات، کتاب غزل‌های سلیمان، باب ۴، فقره ۱ . ۲۶ . تورات، سفر پیدایش، باب ۳۸، فقره ۱۴ و ۱۵ . ۲۷ . ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۴ . ۲۸ . همان، ص ۳۱ . ۲۹ . همان، ج ۱، ص ۴۹۲ . ۳۰ . همان، ص ۳۰ . ۳۱ . همان، ج ۱۲، ص ۲۸ . ۳۲ . راب اماکهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۸۶، میشناکتوبوت ۶ : ۷ . ۳۳ . ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۹ . ۳۴ . شایان ذکر است که اکنون مسیحیت، ازدواج را برای تمام مسیحیان مقدس می‌شمرد و تنها آن را برای پاپ و اسقف‌های کلیسا ممنوع می‌داند . ۳۵ . انجیل، رساله پولس بتیطس، باب دوم، فقره ۱ - ۶ . ۳۶ . انجیل، رساله پولیس به تیموناؤس، باب دوم، فقره ۹ - ۱۵ . ۳۷ . انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۱ - ۶ . ۳۸ . انجیل، رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب یازدهم، فقره ۱ - ۱۷ . ۳۹ . همان، باب چهاردهم، فقره ۳۴ - ۳۶ . ۴۰ . انجیل، رساله پولس رسول به تیموناؤس، باب سوم، فقره ۱۱ . ۴۱ . انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸ - ۳۰ . و باب هجدهم، فقره ۸ - ۱۰ . ۴۲ . دکتر حکیم الاهی، زن و آزادی، ص ۵۳ . ۴۳ . مهذب، زن و آزادی، ص ۶۵ . ۴۴ . ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۴۹۸ - ۵۰۰، با اندکی تصرف و تلخیص . ۴۵ . براون و اشنايدر، پوشاک اقوام مختلف، ص ۱۱۶ . ۴۶ . سوره نور (۲۴)، آیه ۳۱ . ۴۷ . احزاب، ۵۹ . ۴۸ . احزاب، آیه ۳۲ . ۴۹ . سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۳۸۳ . ۵۰ . مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۳ . ۵۱ . ناسخ التواریخ، ج ۲ . ۵۲ . همان، ص ۱۶۳ . ۵۳ . مجلسی، همان، ج ۱۰۳، ص ۲۵۸ . ۵۴ . نهج الفصاحه، ص ۱۴۳ . ۵۵ . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸ و ۱۴۱ .

حجاب در دین زرتشت

دین زرتشت بر پایه سه اصل اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار گردیده است . " اشو زرتشت " پیامبر زرتشتیان در توصیه به پیروان خود کوشیده است تا پایه های حجابی را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملی در ظاهر و عرف رعایت می کنند در عمق روح آنان تحکیم نماید . او می گوید: ای نوعروسان و دامادان! روی سخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت، در پی زندگانی پاک منشی بر آید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی، بر دیگری پیشدستی جوید تا آن زندگانی مقدس زناشویی، با خوشی و خرمی همراه باشد... زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من گوش فرا می دهند، آرامش و خوشی زندگی بهره‌شان خواهد بود و سختی و رنج از آنان دور خواهد گشت و به نیک‌نامی جاودانی خواهند رسید. ۱ در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت‌های میهن ما» در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین می‌خوانیم: «این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می‌کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد. چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کُرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است.» ۲ شریعت زرتشت، عقیده دارد که حجاب یکی از ابتدایی ترین باورهایی است که در شریعت زرتشت به آن تاکید شده است . در کتاب " وندی داد " زرتشتیان این گونه آمده است: کلام ایزدی است که کردار زشت را نابود می کند ، از تو ای مرد خواهش می کنم پیدایش و فزونی را پاک و پاکیزه ساز ، از تو ای زن خواهش می کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه

ساز ۳. شریعت زرتشت انسان را موجودی هوشمند و خردمند می‌داند که برای رسیدن به ارزشهای انسانی و دوری از خصلت‌های حیوانی تلاش می‌کند، حفظ حجاب همراه با عفت باطنی از جمله این ارزشهای انسانی است که شریعت زرتشت بر آن تأکید دارد. پی‌نوشت: ۱- یسنا، ص ۵۳، پندهای ۵ - ۸ به نقل از: آموزش‌های زرتشت پیامبر ایران، رستم شهرزادی، انجمن زرتشتیان، آبان ۲۷۶ - سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۳ - وندی داد، ص ۲۷۵، بند ۱۰

حجاب در دین مسیحیت

در کتاب مقدس مسیحیت «انجیل» آمده: «همچنین ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد چون که سیرت طاهر و خدا ترس شما را ببینند و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متجلی شدن به طلا- و پوشیدن لباس بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گران‌بهاست زیرا بدین‌گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشان را زینت می‌نمودند و شوهران خود را اطاعت می‌کردند مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا می‌خواند و شما دختران او شده‌اید.»^۱ در روایات ما نیز چنین آمده است: حضرت عیسی فرمود: از نگاه کردن به زنان پرهیزید؛ زیرا شهوت را در قلب می‌رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه‌کننده کافی است.^۲ دکتر «حکیم الهی» استاد دانشگاه لندن در کتاب «زن و آزادی» پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می‌کند: «زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، مگر آن که در خانه خود باشد زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است.»^۳ پی‌نوشت: ۱- انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۱ - ۲۶ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶ - ۳ - الهی، حکیم، زن و آزادی، ص ۵۳ پژوهش: خدیجه ابول‌اولا

پوشش در عهد ایران باستان

در فرهنگ واژه‌نامه فارسی میانه (پهلوی) ص ۹۴ (از انتشارات دانشگاه تهران) به واژه «چوتور» (چادر) برمی‌خوریم به معنی لباس و پوشش که از واژه‌های پهلوی است و نشان می‌دهد که چادر از ابتدای دوره ساسانیان و حتی قبل از آن دوره کاربرد داشته است زیرا برای آن واژه‌ای به وجود آمده است و آن را به کار می‌برده‌اند. از سروده‌های فردوسی در شاهنامه این نتیجه به دست می‌آید که از ابتدای تاریخ یعنی از دوران پادشاهی جمشید و فریدون، زنان ایران «پوشیده روی» بوده‌اند چنان که در گرفتار شدن دو خواهر جمشید به دست ضحاک، می‌گوید: دو پاکیزه از خانه جمشید برون آوردند لرزان چو بید که جمشید را هر دو خواهر بُدند سر بانوان را چو افسر بدند ز پوشیده‌رویان یکی شهرناز دگر ماهرویی به نام آرنواز به ایوان ضحاک بردندشان بدان ازدها فُش سپردندشان و نیز در پیامی که منیژه به بیژن می‌دهد آمده است: به پرده درون دخت پوشیده روی بجوشید مهرش بر آن مهرجوی پس نتیجه می‌گیریم که زن ایرانی از همان دوران باستان، پوشیده‌رویی و حفظ حجاب را یک نوع وظیفه اخلاقی و سنتی خود می‌داند. سنت ملی ایران باستان، بر این اساس استوار بوده که زن‌ها و مردهای غیر محرم با یکدیگر اختلاط نداشته باشند. در تصویر یکی از قطعات فرش کشف‌شده در تپه پازیریک در دامنه کوه آلتائی ۱۹ کیلومتری مرز مغولستان که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در کاوش‌های باستان‌شناسی به وسیله هیئت علمی روسی به دست آمده دو خاورشناس (آقایان بارنت و داتسون)، رؤسای هیئت بریتانیایی می‌نویسند: «نقش روی هر مربع صحنه‌ای است مشتمل بر تصویر دو ملکه که چادر بر سر دارند و مراسم مذهبی را انجام

می‌دهند، این گونه صحنه‌ها بر روی نقوش مهرهای پارسی عهد هخامنشی دیده شده است.» در خصوص حجاب نکته‌های دیگری نیز وجود دارد که یادآوری آن لازم است: به طوری که از اوستا و کتاب‌های دیگر دینی ایرانیان باستان و مندرجات آنها و نیز اندرزنامه‌های دینی و اخلاقی گوناگونی که وجود داشته، استنباط می‌شود هر چند که رعایت حجاب در هیچ یک از دوره‌های ایران پیش از اسلام تکلیف و دستور دینی نبوده است اما جامعه ایرانی از دوران‌های باستان، حفظ حجاب و «پوشیده‌رویی» را یک نوع وظیفه اخلاقی و سنتی می‌دانسته‌اند که رعایت آن به تدریج جزو سنن ملی و وظیفه اخلاقی جا افتاده و پایدار مانده است. علاوه بر این سنت ملی، پایه زندگانی خانوادگی جامعه ایرانی، همیشه بر این استوار بوده که زن‌ها با مردها آمیزش نداشته باشند و طرز زندگی در خانه‌ها هم به صورت بیرونی و اندرونی بوده است و اگر می‌بینیم که در شاهنامه اغلب نام «پس پرده» برده می‌شود، بیشتر منظور همین بوده است: پس پرده تو یکی دختر است شنیدم که تخت مرا درخور است (۲۰) در مجموع، حقوق زن در دوران پیش از اسلام، کارنامه درخشانی نداشته است. در ایران قبل از اسلام، تضاد و اختلاف طبقاتی وجود داشته و در زمان ساسانیان بر رعایت نظم و سیستم طبقاتی شدیداً تأکید می‌شده است. مردم در جامعه ساسانی، به چهار طبقه روحانیان، جنگاوران، کشاورزان و پیشه‌وران تقسیم شده بودند و افراد هر طبقه ملزم بودند که فقط با اعضای طبقه خودشان ازدواج کنند. هر چند اکثریت توده‌های مردم، چه مرد و چه زن، هر دو برده‌وار زندگی می‌کنند و ستمکش و بینوا در آتش بیداد طبقاتی می‌سوزند، اما باز هم این زن است که سهم بیشتری از نامرادی‌ها، ناگواری‌ها و اسارت‌ها را به دوش می‌کشد. بعضی از مورخان سعی کرده‌اند که سلطنت پوراندخت و آذرمیدخت را در اواخر عهد ساسانی نشانی از جاه و مقام و منزلت زنان برشمارند، اما اکثر صاحب‌نظران، نابسامانی و معشوش بودن وضعیت عامه زنان را مد نظر دارند. در اسلام، پاداش الهی به زن و مرد مسلمان شایسته و نیکوکار، یکسان است آنگاه که خورشید اسلام درخشیدن آغاز کرد، زن ایرانی مسلمان نیز دریافت که در پرتو این دین حیات‌بخش و زندگی‌ساز، می‌تواند پاسخی برای مشکلات خود بیابد. در اندیشه ناب اسلامی، مرد و زن پایگاه یکسانی دارند و بار امانت الهی در این دین حنیف بر دوش نوع انسان است و حمل این امانت، همان گونه که مرد را در بر می‌گیرد، زن را نیز شامل می‌شود و بدین سان است که زن مسلمان ایرانی سر تعظیم خود را در طی قرون و اعصار به پیشگاه این دین فرود آورده است. آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که مبین این حقیقت است: مرد بودن یا زن بودن، در جوهره و ذات انسانی راهی ندارد و مرد و زن از جنس واحدی هستند. آیه‌ای از قرآن مجید در بیان اینکه خداوند متعال به زنان و مردان شایسته به یک میزان پاداش عطا می‌فرماید، ما را کفایت می‌کند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصِدِّقِينَ وَالْمُتَصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالْمُذَكِّرِينَ اللَّهُ كَثِيراً وَالْمُذَكِّرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً» (۲۱) همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان مؤمن و زنان مؤمن، مردان اهل طاعت و عبادت و زنان اهل طاعت و عبادت، مردان راستگو و زنان راستگوی، مردان صابر و زنان صبرپیشه، مردان خداترس و خاشع و زنان خداترس و خاشع، مردان مسکین‌نواز و زنان خیر، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان خوددار از تمایلات حرام و زنان باحفاظ و باعفت، مردانی که بسیار یاد خدا می‌کنند و زنانی که بسیار ذکر خدا می‌گویند، برای همه آنها، خداوند مغفرت و پاداش بزرگ، مهیا ساخته است.»

حجاب در ملل و اقوام گذشته

کتیبه‌ها، سکه‌ها، تندیس‌ها، نقاشی‌ها، فرش‌ها، ظروف نقره‌ای و نقش‌های برجسته تاریخی حاکی از آن هستند که انسان‌ها از روزی که پا بر این کره خاکی نهاده‌اند، پوشش را مراعات می‌کرده‌اند. طبق قراین و شواهد موجود در ایران باستان و در میان یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده، به مراتب سخت‌تر بوده است. از کتاب مقدس برمی

آید که در عهد حضرت سلیمان علیه السلام زنان علاوه بر پوشش بدن، روبند بر صورت می انداختند. (۱) و بر طبق گفته ی قرآن در عهد حضرت سلیمان علیه السلام حتی ملکه سبا، که خورشیدپرست بود، پوشش کامل داشت؛ زیرا از آیات مربوط به داستان ملکه سبا چنین به دست می آید که وقتی او وارد قصر حضرت سلیمان علیه السلام شد و خواست به نزدیک تخت او برود، چون حضرت سلیمان علیه السلام دستور داده بود کاخ را از سنگی آبگینه فرش نمایند، بلقیس دامنش را بالا کشید تا هنگام رد شدن خیس نشود. در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام نیز حجاب رایج بود. نامزد اسحاق وقتی او را دید، برقع بر صورت انداخت. (۲) زنان ایرانی در دوره های گوناگون، از مادها، هخامنشیان، اشکانیان و سامانیان دارای پوشش بودند. طبق قراین و شواهد موجود در ایران باستان و در میان یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده، به مراتب سخت تر بوده است. ویل دورانت درباره قوم یهود می نویسد: «اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت. چنان که - مثلاً - بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رشت یا میان مردم می رفت و با هر سنخی از مردم درد دل می کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» (۳) در زمان زرتشت، زنان منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم و جامعه رفت و آمد می کردند. اما پس از داریوش، مقام زن، به خصوص در طبقه ثروتمند، تغییر کرد. زنان فقیر، چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند، آزادی خود را حفظ کردند، ولی در مورد زنان دیگر، گوشه نشینی در یک زمان مخصوص که برایشان واجب بود، به تدریج امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی آن ها را فراگرفت. زنان طبقه بالای اجتماع جرئت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوشدار، از خانه بیرون بیایند و حق نداشتند حتی پدران و برادران خود را ببینند؛ زیرا پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می شدند. به همین دلیل، در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت و شمایل زنی دیده نمی شود. این که حجاب از گذشته وجود داشته و در تمام اعصار لزوم آن احساس شده است، خود یکی از دلایل منطقی و صحیح بودن حجاب است. اما در میان این دستورات متفاوت و همراه با افراط و تفریط آنچه اسلام دستر داده است کامل ترین و جامع ترین و کاربردی ترین است. پی نوشت: ۱- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) و ترجمه فاضل خان همدانی، ولیام گلن و هنری، کتاب سرود سلیمان، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، فصل پنجم، سفر نشید الاناشید، ب ۵، ص ۱۰۰۳، آیه ۸. ۲- همان، سفر تکوین، باب ۲۴، آیه ۶۶. ۳- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم ظاهری، انتشارات فرانکلین و اقبال، کتاب چهارم، «عصر ایمان»، بخش سوم، «عصر عظمت». منبع: برگرفته از مقاله "تبیینی بر مسئله حجاب -" باشگاه اندیشه تنظیم برای تبیان: داوودی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری